

موسسه آموزش عالی فاضل

فهرست مطالب

شماره صفحه	موضوع
۲	برنامه برگزاری کارگاه تست و جمع بندی
۳	برنامه مطالعاتی پیشنهادی بر اساس بسته جمع بندی
۱۰	گزیده بخش اول (حقوق جزا) بسته جمع بندی
۲۱	گزیده بخش دوم (آیین دادرسی کیفری) بسته جمع بندی
۳۳	گزیده بخش سوم (آیین دادرسی مدنی) بسته جمع بندی
۴۵	گزیده بخش چهارم (حقوق تجارت) بسته جمع بندی
۵۷	گزیده بخش پنجم (حقوق مدنی) بسته جمع بندی
۶۸	گزیده بخش اول (اصول فقه) بسته جمع بندی
۸۰	گزیده (مواد مهم حقوق جزا) بسته جمع بندی
۸۳	گزیده (مواد آیین دادرسی کیفری) بسته جمع بندی
۸۶	گزیده (مواد آیین دادرسی مدنی) بسته جمع بندی
۸۹	گزیده (مواد حقوق تجارت) بسته جمع بندی
۹۲	گزیده (مواد حقوق مدنی) بسته جمع بندی

برنامه برگزاری کارگاه حل تست و جمع بندی دوره وکالت

نام درس	نام مدرس	روز	تاریخ	ساعت
حقوق جزا	دکتر زارع	یکشنبه	۴ / آبان ۹۳	۸-۲۱
آیین دادرسی مدنی	دکتر رضائیان	دوشنبه	۵ / آبان ۹۳	۸-۲۱
اصول فقه	دکتر حسینی	سه شنبه	۶ / آبان ۹۳	۸-۲۱
آیین دادرسی مدنی	دکتر رضائیان	چهارشنبه	۷ / آبان ۹۳	۸-۱۴
حقوق تجارت	آقای نعمت الهی	چهارشنبه	۷ / آبان ۹۳	۱۵-۲۱
حقوق تجارت	آقای نعمت الهی	پنج شنبه	۸ / آبان ۹۳	۸-۲۱
آیین دادرسی کیفری	دکتر نادری	جمعه	۹ / آبان ۹۳	۸-۲۱
حقوق مدنی	آقای نعمت الهی	شنبه	۱۰ / آبان ۹۳	۸-۲۱
حقوق مدنی	آقای نعمت الهی	یکشنبه	۱۱ / آبان ۹۳	۸-۲۱

یادآوری:

✓ در طول برگزاری کارگاه جمع بندی و حل تست؛ بیش از ۱۱۰۰ تست مهم و احتمالی توسط اساتید مجرب و باسابقه موسسه ، بررسی و نکات آن آموزش داده می شود.

✓ در این کارگاه علاوه بر حل تست های احتمالی نحوه انتخاب گزینه صحیح و تکنیک های گزینه یابی نیز ارائه می گردد.

✓ با عنایت به فرصت محدود باقیمانده تا زمان برگزاری آزمون وکالت موارد ذیل به متقاضیان آزمون وکالت تاکید می گردد:

۱. شرکت در کارگاه جمع بندی و حل تست (۴ الی ۱۱ آبان ۹۳)
۲. شرکت در آزمون چهار مرحله ای (جامع) سراسری (آغاز از ۲۵ مهر)
۳. تهیه و مطالعه بسته جمع بندی وکالت (همراه با برنامه مدون مطالعاتی)
- ۴.

هزینه خدمات فوق بشرح ذیل می باشد:

کارگاه جمع بندی و حل تست : ۳۰۰ هزار تومان
 آزمونهای چهارمرحله ای: ۸۰ هزار تومان
 بسته جمع بندی وکالت: ۸۵ هزار تومان

به نام خدا

برنامه و روش مطالعاتی بسته ای جمع بندی وکالت

اول) آشنایی با بسته ی جمع بندی

بسته ی جمع بندی وکالت، توسط گروه علمی مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه جهت انضباط و انتظام مطالعاتی داوطلبان آزمون وکالت تألیف و تدوین شده است. این بسته ی آموزشی ارزشمند از سه فصل به شرح ذیل تشکیل شده است:

فصل اول: نکات مهم و کلیدی

تقریباً شش هزار نکته مهم و کلیدی توسط اساتید و همکاران محترم مؤسسه به رشته ی تحریر آمده است. تسلط بر نکات مذکور، معادل است با حداقل کیفیت علمی ۶۰-۵۵ درصدی داوطلبان.

فصل دوم: گزیده ای قوانین و مقررات

از آنجاییکه مبنا و منبع اصلی طرح سوالات آزمون وکالت متن قوانین اصلی و فرعی است، در این فصل مهمترین مواد برگزیده تدوین شده است. گردآوری قوانین مذکور به گونه ای است که طراحان محترم، عموماً از آنها اقدام به طرح سوال می نمایند. پس تسلط بر این گزیده ی مواد یعنی افزایش کیفیت علمی داوطلبان تا ۷۵ درصد.

فصل سوم: سوالات آزمون های وکالت ۱۳۹۲-۱۳۸۸

جهت آشنایی داوطلبان با نمونه سوالات آزمون وکالت، در این فصل سوالات پنج سال اخیر همراه با پاسخنامه ی تشریحی آمده است. تسلط بر سوالات و نکات مهم در پاسخنامه تشریحی حداقل ۵ درصد دیگر به کیفیت علمی داوطلبان اضافه خواهد نمود و در مجموع داوطلبان به کیفیت علمی ۸۰ درصد خواهند رسید.

توجه: در دروس حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری با توجه به تغییرات قوانین در سال ۹۲، از سوالات سایر آزمون های حقوقی و تألیفی استفاده شده است.

نتیجه: اگر داوطلبان محترم، طبق روش و برنامه ی مطالعاتی ذیل به درستی به وظایف خود عمل نمایند، مطمئن باشید حداقل امکان پاسخگویی به ۶۵ درصد سوالات آزمون وکالت را خواهند داشت. ضمناً این منبع برای سایر آزمون های حقوقی مثل قضاوت، مشاوران حقوقی و کارشناسی ارشد حقوق نیز مفید خواهد بود.

دوم) برنامه ی مطالعاتی

جهت انضباط و انسجام مطالعاتی داوطلبان و مدیریت صحیح زمان، برنامه ی مطالعاتی به شرح ذیل تعریف می گردد :

گام اول : شروع ۹۳/۰۷/۲۶

پایان: ۹۳/۰۸/۰۹

حقوق مدنی	مواد ۸۲۴-۵۱۸ قانون مدنی
آیین دادرسی مدنی	مواد ۵۰۱-۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی
حقوق تجارت	مواد ۳۳۴-۲۲۳ + ۵۷۵-۴۱۲ قانون تجارت
اصول فقه	مجمعل ومبیین ، مطلق و مقید ، ادله استنباط احكام وامارات ، اصول عملیه وتعارض ادله
حقوق جزا	مواد ۴۴۷-۲۲۲ قانون مجازات اسلامی (کتاب های دوم و سوم)
آیین دادرسی کیفری	مواد ۵۷۰-۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید

توجه: ۱- مواد قانونی از فصل دوم کتاب یعنی گزیده قوانین و مقررات مطالعه شود.

۲- فقط قانون خوانی نمایید.

۳- اگر وقت مطالعه اضافه آمد، می توانید بعض یا تمام این برنامه را نیز اجراء کنید.

حقوق مدنی	مواد ۱۰۸-۱ + ۱۴۵-۱۴۰ + ۵۰۶-۱۸۳ قانون مدنی
آیین دادرسی مدنی	مواد ۲۹۴-۱ قانون آیین دادرسی مدنی
حقوق تجارت	مواد ۲۴۲-۱ لایحه اصلاحی قانون تجارت (شرکت های سهامی) + مواد ۹۴-۱۸۹ قانون تجارت (سایرشرکتها)
اصول فقه	کلیات و وضع الفاظ ، اوامرو نواهی ، مفهوم و منطوق و عام و خاص
حقوق جزا	مواد ۲۲۱-۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب اول)
آیین دادرسی کیفری	مواد ۲۹۳-۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید

گام دوم : شروع ۹۳/۰۸/۱۰

پایان: ۹۳/۰۸/۱۶

حقوق مدنی	نکات ۴۴۰-۱ از بسته ی جمع بندی وکالت
آیین دادرسی مدنی	نکات ۴۲۵-۱ از بسته ی جمع بندی وکالت
حقوق تجارت	نکات ۴۹۱-۹۳ + ۵۴۹-۵۲۰ از بسته ی جمع بندی وکالت
اصول فقه	نکات ۲۱۱-۱ از بسته ی جمع بندی وکالت
حقوق جزا	نکات ۴۰۰-۱ از بسته ی جمع بندی وکالت
آیین دادرسی کیفری	نکات ۶۳۱-۱ از بسته ی جمع بندی وکالت

گام سوم: شروع ۹۳/۰۸/۱۷

پایان ۹۳/۰/۲۳

حقوق مدنی	نکات ۶۸۰ - ۴۴۱ از بسته ی جمع بندی وکالت
آیین دادرسی مدنی	نکات ۶۶۵ - ۴۲۶ از بسته ی جمع بندی وکالت
حقوق تجارت	نکات ۷۶۰ - ۵۵۰ + ۱۰۰۰ - ۸۲۴ از بسته ی جمع بندی وکالت
اصول فقه	نکات ۵۸۵ - ۲۱۲ از بسته ی جمع بندی وکالت
حقوق جزا	نکات ۷۷۹ - ۴۰۱ + ۱۳۷۶ - ۱۰۷۰ از بسته ی جمع بندی وکالت
آیین دادرسی کیفری	نکات ۱۱۰۷ - ۶۳۲ از بسته ی جمع بندی وکالت

توجه: ۱- درگام سوم فقط نکته خوانی کنید.

۲- در درس حقوق جزا اگر کمبود زمان داشتید، می توانید نکات باقیمانده را درگام بعدی بخوانید.

گام چهارم: شروع ۹۳/۰۸/۲۴

پایان: ۹۳/۰۸/۳۰

حقوق مدنی	نکات ۷۸۰ + ۶۸۱ + قوانین فرعی مندرج در صفحات ۷۶۲ - ۷۰۷ از بسته ی جمع بندی وکالت
آیین دادرسی مدنی	نکات ۹۹۸ - ۶۶۶ + قوانین فرعی مندرج در صفحات ۶۵۹ - ۶۵۰
حقوق تجارت	نکات ۹۳ - ۱ - ۵۱۹ - ۴۹۲ + ۸۲۳ - ۷۶۱ + قوانین فرعی مندرج در صفحات ۷۰۳ - ۶۶۳
اصول فقه	نکات ۸۲۰ - ۵۸۵ از بسته ی جمع بندی وکالت
حقوق جزا	نکات ۱۳۷۶ - ۱۰۷۰ از بسته ی جمع بندی وکالت + مرور نکات (*) و (**)
آیین دادرسی کیفری	مرور نکات (*) و (***) + قوانین فرعی مندرج در صفحات ۶۱۸ - ۶۰۷ بسته جمع بندی وکالت

توجه: ۱- در این مرحله داوطلبان فقط نکات باقیمانده از بسته ی جمع بندی وکالت و قوانین و مقررات مربوطه و نکات(*)

و (***) را طبق برنامه مطالعه می نمایند.

۲- نکات (*) و (***) در ادامه توضیح داده شده است.

گام پنجم: شروع ۹۳/۰۹/۰۱

پایان: ۹۳/۰۹/۰۵

حقوق مدنی	مرور نکات (*) و (***) + سوالات سنوات اخیر (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)
آیین دادرسی مدنی	مرور نکات (*) و (***) + سوالات سنوات اخیر (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)
حقوق تجارت	مرور نکات (*) و (***) + سوالات سنوات اخیر (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)
اصول فقه	مرور نکات (*) و (***) + سوالات سنوات اخیر (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)
حقوق جزا	مرور نکات (*) و (***) + سوالات سنوات اخیر (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)
آیین دادرسی کیفری	مرور نکات (*) و (***) + سوالات تألیفی (فصل سوم بسته ی جمع بندی وکالت)

سوم) روش مطالعاتی

بسته ی جمع بندی وکالت از لحاظ محتوا و کیفیت آموزشی به گونه ای تألیف و تنظیم شده است که داوطلبان محترم، نگران کیفیت سوالات طرح شده در آزمون وکالت نباشند. آنچه برای ما اهمیت دارد اجرای صحیح و منظم برنامه مطالعه ی داوطلبان می باشد. البته برای استفاده بهتر از بسته ی جمع بندی، روش و شیوه ی مطالعه ی داوطلبان نیز مهم است. لذا برای بهره وری کامل و مطلوب از این بسته ی آموزشی، روش و شیوه ی ذیل پیشنهاد می گردد:

۱- هر روز را به مطالعه و اجرای یک درس طبق برنامه ی هفتگی اختصاص دهید. مثلاً شنبه حقوق مدنی، یکشنبه آیین دادرسی مدنی و

۲- حداقل ۱۰ - ۸ ساعت مطالعه در هر روز الزامی است. در غیر اینصورت، برنامه به اتمام نخواهد رسید. تمرکز بالا نقش بسیار مهمی در افزایش سرعت مطالعه و یادگیری شما دارد.

۳- در مواجهه با مطالب هر درس شما در یکی از سه وضعیت ذیل قرار می گیرید:

الف. آن مطلب را به صورت کامل می دانید و دیگر نیازی به تکرار و مرور مجدد آن ندارید. در این صورت در کنار نکته یا ماده ی قانونی علامت (-) قرار می دهید و در مطالعاتی بعدی به آن مراجعه نخواهید کرد.

ب. آن مطلب را قبلاً خوانده اید ولی در یادگیری آن اندکی تردید یا ابهام دارید. در این صورت علامت(*) را در کنار آن می گذارید و در مطالعات بعدی، تلاش می کنید تا آن را حتماً یاد بگیرید.

ج. آن مطلب را برای اولین بار مطالعه می کنید و احساس ضعف و ناتوانی در یادگیری آن دارید. در این صورت علامت (***) را در کنار آن قرار می دهید و در مطالعات بعدی بهتر است تلاش کنید تا آن را یاد بگیرید. البته اولویت در یادگیری با نکات یا مواد (*) می باشد.

توجه :

الف. حداقل در کنار نیمی از مطالب مورد مطالعه ی شما علامت (-) قرار خواهد گرفت. در این صورت تثبیت توانایی علمی ۵۰ درصدی شما حتمی است و می توانید امیدوار به قبولی باشید.

ب. حدود ۳۰ درصد مطالبی که مطالعه کرده اید علامت(*) خواهند داشت. نگران نباشید در دوره ی مطالعاتی، اولویت اول شما مرور مطالب (*) باشد. در صورت تسلط توانایی علمی شما حداقل به ۷۰-۶۵ درصد خواهد رسید. بنابراین، قبولی شما حتمی خواهد بود.

ج. حدود ۲۵ درصد مطالبی که مطالعه کرده اید علامت (***) خواهد داشت. پس از تسلط بر مطالب (*) می توانید برای افزایش کیفیت علمی خود سراغ مطالب (***) بروید. دقت کنید داوطلبانی که می خواهند در آزمون بالای ۷۰ درصد بزنند حتماً باید مطالب (***) را مجدداً مرور کنند و بر آنها مسلط شوند.

۴- مطالب موجود در بسته ی جمع بندی برای قبولی و کسب رتبه ی مطلوب در آزمون وکالت کفایت می کند. بنابراین نیازی به مطالعه ی سایر منابع نیست. بهتر است تمام زمان و توان مطالعاتی خود را صرف اجرای این برنامه ی مطالعاتی نمایید.

۵- نویسندگان و تدوین کنندگان بسته ی جمع بندی، از دانشجویان ممتاز و رتبه های برتر آزمون های وکالت، کارشناسی ارشد و دکتری حقوق بوده اند و هر آنچه را که برای یادگیری و تسلط مورد نیاز بوده را در این مجموعه آورده اند. بنابراین در کیفیت و ارزش علمی این بسته ی آموزشی تردید نداشته باشید. بهتراست با اعتماد و اطمینان کامل فقط به فکر اجرای صحیح و کامل برنامه ی مطالعاتی خود باشید.

۶- به ازای هر ۴۵ دقیقه مطالعه، حتماً ۱۵ دقیقه استراحت کنید و از مطالعه در ساعات ۱۲ شب تا ۴ صبح خودداری نمایید.

۷- اگر در مطالعه ی هفتگی، دچار عقب ماندگی شدیدنگران نباشید، فرصت جبران خواهید داشت.

۸- سرعت، دقت و تمرکز هنگام مطالعه سه عنصر مهم در مطالعه و یادگیری شماست.

۹- در مطالعه ی گزیده ی قوانین و مقررات مهم، روی عبارات و اصطلاحات پررنگ (bold) و خط کشیده شده توجه ویژه داشته باشید.

۱۰- اگر در آزمون های آزمایشی وکالت ۹۳ مؤسسه طرح نوین شرکت دارید، حتماً طبق این برنامه مطالعه کنید. این فرصت ارزشمند را از دست ندهید.

۱۱- اگر به این برنامه و روش مطالعاتی، متعهد و وفادار بمانید حداقل دوبار، مطالب مهم و کلیدی و قوانین و مقررات مهم را با کیفیت بسیار خوب مطالعه خواهید کرد.

خاتمه)

بسته ی جمع بندی وکالت، نتیجه ی کار علمی و آموزشی و پژوهشی اساتید و همکاران ارجمند مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه است که به زبانی بسیار ساده و روان برای روزهای پایانی مطالعاتی داوطلبان آزمون وکالت تألیف و تدوین شده است. ارزش و کیفیت علمی این بسته ی آموزشی در سطح "خیلی خوب" ارزشیابی می شود و برای عموم داوطلبان مفید و سودمند خواهد بود. خصوصاً داوطلبانی که کیفیت علمی آنها میان ۵۵ - ۳۰ درصد متغیر است. امیدواریم، با اعتماد و اعتقاد کامل به این بسته ی آموزشی، در مسیر موفقیت گام گذاشته و مدت باقیمانده تا آزمون را با آرامش و یقین کامل صرف مطالعه و یادگیری محتوای آن نمایید.

در پایان از زحمات و تلاشهای همکاران محترم، آقایان محمدبخشی در بخش (سوالات اصول فقه)، علیرضا نوبهارى طهرانى (نکات مهم و قوانین و مقررات حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری و سوالات مربوطه)، پیمان عبدغیور (سوالات حقوق مدنی)، شهاب حائری اصفهانی (نکات مهم و سوالات اصول فقه)، ابراهیم فصیحی مقدم (نکات مهم و سوالات آیین دادرسی مدنی)، سلیمان اکبری (نکات مهم حقوق مدنی)، مهدی احمدزاده (بازنگری نکات مهم و سوالات حقوق تجارت) و سرکارخانم الهه شریف همدانی (نکات مهم حقوق تجارت و گزیده قوانین و مقررات حقوق مدنی، تجارت و آیین دادرسی مدنی و حقوق جزا) صمیمانه قدردانی می نمایم.

موفق باشید

محمد فرجی

مدیر مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه

۹۳/۰۷/۲۰

بسته‌ی

جمع‌بندی

وکالت

تألیف:

گروه علمی مؤسسه فرهنگی طرح نوین اندیشه

بخش اول

نکات مهم حقوق جزا

- نکته ۲۵۰:** هرگاه در ارتکاب رفتار مجرمانه، مرتکب به جهتی از جهات شخصی مانند صغر و جنون، قابل تعقیب نباشد یا تعقیب یا اجرای مجازات او به جهتی از این جهات، موقوف گردد تأثیری در تعقیب و مجازات معاون جرم ندارد.
- نکته ۲۵۱:** عوامل موجه جرم عواملی عینی است و هم در مباشر جرم و هم بر معاون او اثر می‌گذارد اما عوامل رافع مسئولیت کیفری شخصی هستند و تأثیر آن بر مباشر لزوماً باعث تأثیر آن بر معاون جرم نخواهد شد.
- نکته ۲۵۲:** سردستگی عبارت از تشکیل یا طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه است.
- نکته ۲۵۳:** گروه مجرمانه عبارت است از گروه نسبتاً منسجم متشکل از سه نفر یا بیشتر که برای ارتکاب جرم تشکیل می‌شود یا پس از تشکیل، هدف آن برای ارتکاب جرم منحرف می‌گردد.
- نکته ۲۵۴:** هرکس سردستگی یک گروه مجرمانه را برعهده گیرد به حداکثر مجازات شدیدترین جرمی که اعضای آن گروه در راستای اهداف همان گروه مرتکب شوند، محکوم می‌گردد مگر آنکه جرم ارتكابی موجب حد یا قصاص یا دیه باشد که در این صورت به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم می‌شود.
- نکته ۲۵۵:** در محاربه و افساد فی الارض زمانی که عنوان محارب یا مفسد فی الارض بر سر دسته گروه مجرمانه صدق کند حسب مورد به مجازات محارب یا مفسد فی الارض محکوم می‌گردد.
- نکته ۲۵۶:** سردستگی و ارتکاب جرم سازمان یافته از جمله جرایمی است که صدور حکم آن غیر قابل تعویق و اجرای مجازات آن غیر قابل تعلیق است.
- نکته ۲۵۷:** سردستگی یک کیفیت مشدده عام و نوعی است.
- نکته ۲۵۸:** تعدد جرم یک کیفیت مشدده عام و نوعی است.
- نکته ۲۵۹:** تعدد جرم یعنی شخصی مرتکب جرایم متعددی شود و در میان آن‌ها برای هیچ یک حکم محکومیت قطعی صادر نشود. تعدد جرم به دو نوع است: تعدد مادی یا معنوی.
- نکته ۲۶۰:** تعدد مادی یعنی شخصی در عالم خارج مرتکب حداقل دو رفتار مجرمانه شده است و از بابت هیچ یک محکومیتی قطعی دریافت نکرده است.
- نکته ۲۶۱:** تعدد معنوی یعنی شخصی در عالم خارج مرتکب یک رفتار مجرمانه شود اما این رفتار مجرمانه در بر دارنده عناوین متعدد مجرمانه باشد.
- نکته ۲۶۲:** در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود. (تعدد معنوی) مثلاً استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری از مصادیق تعدد معنوی است که با یک رفتار دو جرم واقع می‌شود در این حالت مجازات جرم شدید تر یعنی مجازات جرم کلاهبرداری بر محکوم اعمال می‌شود.
- نکته ۲۶۳:** رفتار مجرمانه واحد ولی دارای نتایج مجرمانه متعدد، در حکم تعدد مادی است و قواعد حاکم بر تعدد مادی بر آن اجرا می‌شود.
- نکته ۲۶۴:** در جرائم موجب حد، تعدد جرم چه تعدد مادی چه معنوی، موجب تعدد مجازات است مگر در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.

نکته ۲۶۵: اگر کسی مثلاً دو بار مرتکب جرم شرب خمر شده باشد ولی حد بر او جاری نشده باشد فقط بر او یک حد جاری خواهد شد.

نکته ۲۶۶: اگر شخصی یک بار مرتکب زناى مستوجب شلاق شده باشد و قبل از اجرای حد مرتکب زناى مستوجب رجم شده باشد، هر دو مجازات بر او اجرا خواهد شد.

نکته ۲۶۷: در حدود بر خلاف تعزیرات ملاک در تعدد جرم اجرای مجازات است و نه صدور حکم قطعی پس اگر شخصی تا قبل از اجرای مجازات مرتکب دو نوع حد یکسان با مجازات یکسان شود مشمول قواعد تعدد جرم در حدود قرار می‌گیرد و فقط یک حد بر او جاری می‌شود.

نکته ۲۶۸: چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می‌شود.

نکته ۲۶۹: چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می‌شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می‌شود.

نکته ۲۷۰: اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می‌شود.

نکته ۲۷۱: در تعدد جرائم موجب حد و قصاص، مجازات‌ها جمع می‌شود. لکن چنانچه مجازات حدی، موضوع قصاص را از بین ببرد یا موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد، اجرای قصاص، مقدم است و در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

نکته ۲۷۲: در تعدد جرائم موجب حد و تعزیر و نیز جرائم موجب قصاص و تعزیر مجازات‌ها جمع و ابتداء حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر حد یا قصاص، سالب حیات و تعزیر، حق الناس یا تعزیر معین شرعی باشد و موجب تأخیر اجرای حد نیز نشود که در این صورت ابتداء تعزیر اجراء می‌گردد.

نکته ۲۷۳: در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیرحدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

نکته ۲۷۴: چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می‌گردد.

نکته ۲۷۵: کسی که چند نفر را به‌طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلی بر او جاری می‌شود.

نکته ۲۷۶: کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف‌شوندگان می‌تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف‌شوندگان یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود.

نکته ۲۷۷: کسی که دیگری را به یک یا چند سبب، یک‌بار یا بیشتر قبل از اجرای حد، قذف نماید فقط به یک حد محکوم می‌شود،

نکته ۲۷۸: در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد دادگاه برای هر یک از آن جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند و در این حالت فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد.

نکته ۲۷۹: در جرائم موجب تعزیر هرگاه جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد، مجازات هر یک را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه نصف آن تجاوز نکند، تعیین می‌نماید در این حالت فقط مجازات اشد قابل اجراء است و اگر مجازات اشد به یکی از علل قانونی تقلیل یابد یا تبدیل یا غیرقابل اجراء شود، مجازات اشد بعدی اجراء می‌گردد.

نکته ۲۸۰: در جرائم موجب تعزیر در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم نباشد تا یک‌چهارم مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد.

نکته ۲۸۱: در جرائم موجب تعزیر در هر مورد که مجازات فاقد حداقل و حداکثر باشد، اگر جرائم ارتكابی بیش از سه جرم باشد تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل آن اضافه می‌گردد.

نکته ۲۸۲: در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی‌شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌گردد.

نکته ۲۸۳: در تعدد جرم در صورت وجود جهات تخفیف، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر و چنانچه مجازات، فاقد حداقل و حداکثر باشد تا نصف آن تقلیل دهد.

نکته ۲۸۴: مقررات تعدد جرم در مورد جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت اجراء نمی‌شود.

نکته ۲۸۵: جرائم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، با هم و نیز با مجازات‌های تعزیری درجه یک تا شش جمع می‌گردد.

نکته ۲۸۶: در قانون جدید در فرض تعدد جرم اصل بر عدم تعدد و جمع مجازات است و به طور استثنایی فقط در مورد حدود و تعزیرات درجه ۷ و ۸ قاعده جمع مجازات‌ها اعمال می‌شود. تعدد تعزیرات با حدود و قصاص نیز موجب جمع مجازات خواهد شد.

نکته ۲۸۷: تکرار جرم در حدود مربوط به فرضی است که شخصی پس از ارتکاب یک نوع جرم حدی و اجرای آن مجدداً مرتکب همان جرم حدی شود.

نکته ۲۸۸: تکرار جرم در تعزیرات مربوط به فرضی است که شخصی پس از صدور حکم قطعی مبنی بر محکومیت او به ارتکاب یک جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ در مدتی معین مجدداً مرتکب یک جرم تعزیری درجه ۱ تا ۶ دیگر شود.

نکته ۲۸۹: هرگاه کسی سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.

نکته ۲۹۰: قواعد ناظر بر تکرار جرم سرقت حدی:

الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.

ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.

پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.

ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقه در زندان باشد.

نکته ۲۹۱: هر کس به موجب حکم قطعی به یکی از مجازات‌های تعزیری از درجه یک تا شش محکوم شود و از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

نکته ۲۹۲: مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

نکته ۲۹۳: تکرار جرم از کیفیات مشدده عام و نوعی است.

نکته ۲۹۴: نشدید مجازات به سبب سردستگی، تعدد جرم یا تکرار جرم برای دادگاه الزامی است.

نکته: مسؤولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن کتاب قصاص ق.م.ا ذکر شده است.

نکته ۲۹۵: برای تعلق دیه به مرتکب لزومی به احراز مسؤولیت کیفری نیست. زیرا قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی صراحتاً احکام و آثار مسؤولیت مدنی و ضمان مالی را بر دیه بار کرده است (ماده ۴۵۲ و ۴۵۳ ق.م.ا)

نکته ۲۹۶: اصل بر مسؤولیت کیفری، شخصی است و مسؤولیت ناشی از فعل غیر استثناء است.

نکته ۲۹۷: مسؤولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسؤول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود.

نکته ۲۹۸: در مسؤولیت کیفری اصل بر مسؤولیت شخص حقیقی است و مسؤولیت کیفری شخص حقوقی استثناء است.

نکته ۲۹۹: شخص حقوقی در صورتی دارای مسؤولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.

نکته ۳۰۰: مسؤولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسؤولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.

نکته ۳۰۱: عوامل رافع مسؤولیت کیفری به عواملی اطلاق می‌شود که موجب دفع مسؤولیت کیفری و زوال مجازات می‌شود.

نکته ۳۰۲: عوامل رافع مسؤولیت کیفری عواملی کاملاً شخصی هستند لذا فقط در حق کسی موثر است که دارای آن شرایط باشد. برای مثال اگر مباشر جرم به دلیل جنون در حال وقوع جرم از مسؤولیت کیفری مبرا شود، این موضوع ارتباطی به معاون ندارد.

نکته ۳۰۳: عوامل رافع مسؤولیت کیفری فقط مجازات را زائل می‌کند، اما مسؤولیت مدنی به قوت خود باقی است.

نکته ۳۰۴: در صورت تحقق یکی از عوامل رافع مسؤولیت کیفری مقام قضایی قرار موقوفی تعقیب صادر می‌کند.

نکته ۳۰۵: مصادیق عوامل رافع مسؤولیت کیفری عبارتند از: ۱. صغر سن ۲. مستی ۳. اکراه (اجبار) ۴. خواب و بی‌هوشی.

نکته ۳۰۶: افراد نابالغ مسؤولیت کیفری ندارند.

نکته ۳۰۷: سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

نکته ۳۰۸: در مورد افراد نابالغ، براساس مقررات ق.م.ا، اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می‌شود. (مواد ۸۸ تا ۹۵ ق.م.ا)

نکته ۳۰۹: در جنایات بر نفس واقع شده توسط اطفال، جنایت آنها از نوع خطای محض بوده و عاقله آنها عهده دار پرداخت دیه خواهد بود.

نکته ۳۱۰: در مورد جنایات بر عضو و منفعت واقع شده توسط اطفال و نوجوانان این نوع جنایات هم خطای محض محسوب می‌شوند اما عاقله فقط دیه جنایات موضحه و بالاتر را می‌پردازند و پرداخت دیه کمتر از موضحه بر عهده خود طفل می‌باشد.

نکته ۳۱۱: جرایم اطفال و نوجوانان فاقد آثار تبعی مجازات است و احکام تکرار جرم نیز در مورد اطفال اجرا نمی‌شود و کلیه جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان جز تعزیرات منصوص شرعی قابل تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات می‌باشند.

نکته ۳۱۲: هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسؤولیت کیفری ندارد.

نکته ۳۱۳: اگر پس از تحقیق و بررسی به وسیله مقام قضائی، در بالغ یا عاقل بودن مرتکب، هنگام ارتکاب جنایت، تردید وجود داشته باشد و ولی دم یا مجنی‌علیه ادعاء کند که جنایت عمدی در حال بلوغ وی یا افاقه او از جنون سابقش انجام گرفته است لکن مرتکب خلاف آن را ادعاء کند، ولی دم یا مجنی‌علیه باید برای ادعای خود بینة اقامه کند. در صورت عدم اقامه بینة، قصاص منتفی است. اگر حالت سابق بر زمان جنایت، افاقه مرتکب بوده است، مرتکب باید جنون خود در حال ارتکاب جرم را اثبات کند تا قصاص ساقط شود؛ در غیر این صورت با سوگند ولی دم یا مجنی‌علیه یا ولی او قصاص ثابت می‌شود.

نکته ۳۱۴: اگر جنون پس از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم قطعی واقع شود به موجب تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: در حدودی که جنبه حق الهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

نکته ۳۱۵: به موجب تبصره ۲ قانون جدید آیین دادرسی کیفری: هرگاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه ادله اثبات جرم به نحوی باشد که فرد در حالت افاقه نیز نمی‌توانست از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتکابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

نکته ۳۱۶: اگر جنون پس از صدور حکم قطعی و در حین اجرای مجازات حادث شود به موجب تبصره ۱ ق.م.ا "حد ساقط نمی‌شود."

نکته ۳۱۷: به موجب ماده ۵۰۳ ق.ا.د.ک جدید هرگاه محکوم علیه در جرایم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می افتد؛ مگر در مورد مجازاتهای مالی که از اموال محکوم علیه وصول می شود.

نکته ۳۱۸: به موجب تبصره ماده ۵۰۳ ق.ا.د.ک جدید: محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می شود.

نکته ۳۱۹: هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می شود.

نکته ۳۲۰: شخص نگهداری شده در نکته قبل یا خویشاوندان او می توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می کند، این حکم قطعی است. ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه علائم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند.

نکته ۳۲۱: حق اعتراض مذکور در نکته قبل و قطعی بودن اری دادگاه، مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

نکته ۳۲۲: قوه قضائیه موظف است مراکز اقدام تأمینی را در هر حوزه قضائی برای نگهداری افراد مجنون تدارک ببیند. تا زمان شروع به کار این اماکن، قسمتی از مراکز روان درمانی بهزیستی یا بیمارستانی موجود به این افراد اختصاص داده می شود.

نکته ۳۲۳: اصل بر این است که مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست.

نکته ۳۲۴: اگر ثابت شود مرتکب به جهت استفاده از مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است این امر می تواند عامل رفع مسئولیت کیفری او شود.

نکته ۳۲۵: چنانچه ثابت شود مصرف مسکرات، مواد مخدر و روان گردان و نظایر آنها به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

نکته ۳۲۶: ارتکاب جنایت در حال مستی و عدم تعادل روانی در اثر مصرف مواد مخدر، روان گردان و مانند آنها، موجب قصاص است. (اصل بر عدم تاثیر مصرف این مواد در مسئولیت کیفری است.)

- نکته ۳۲۷:** اگر ثابت شود بر اثر مستی و عدم تعادل روانی، مرتکب به کلی مسلوب‌الاختیار بوده است، در این صورت، علاوه بر دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود. (جنایت شبه عمد)
- نکته ۳۲۸:** اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای ارتکاب جنایت مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد.
- نکته ۳۲۹:** هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد.
- نکته ۳۳۰:** در جرائم موجب تعزیر، اکراه‌کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود.
- نکته ۳۳۱:** در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط به این مباحث رفتار می‌شود.
- نکته ۳۳۲:** تنها شرط قانونی برای تحقق اکراه غیر قابل تحمل بودن آن می‌باشد. در تعیین غیر قابل تحمل بودن یا نبودن هم از معیار شخصی استفاده می‌شود هم از معیار نوعی. یعنی نوع آن فرد را در همان شرایط ملاک قرار می‌دهند.
- نکته ۳۳۳:** اکراه در تمام جرایم موجب رفع مسئولیت کیفری است جزء اکراه در قتل که مجوز قتل نیست.
- نکته ۳۳۴:** اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه‌کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.
- نکته ۳۳۵:** اگر اکراه‌شونده طفل غیرمميز یا مجنون باشد فقط اکراه‌کننده محکوم به قصاص است.
- نکته ۳۳۶:** اگر اکراه‌شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد و اکراه‌کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.
- نکته ۳۳۷:** مجازات حبس ابد برای اکراه‌کننده مشروط به وجود شرایط عمومی قصاص در اکراه‌کننده و حق اولیای دم می‌باشد و قابل گذشت و مصالحه است.
- نکته ۳۳۸:** اگر اکراه‌کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می‌شود.
- نکته ۳۳۹:** اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه‌کننده است.
- نکته ۳۴۰:** ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات باسوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود.
- نکته ۳۴۱:** هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه‌شونده گردد، جنایت عمدی است و اکراه‌کننده قصاص می‌شود مگر اکراه‌کننده قصد جنایت بر او را نداشته و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می‌شود نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبه‌عمدی است و اکراه‌کننده به پرداخت دیه محکوم می‌شود.
- نکته ۳۴۲:** اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه‌کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.
- نکته ۳۴۳:** هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد (اصل) مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و

یا خود را بیهوش کند. (استثنا)

نکته ۳۴۴: ارتکاب جنایت در خواب و بی هوشی باعث تحقق جنایت خطای محض خواهد شد مگر اینکه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد که در این صورت جنایت واقع شده عمدی و موجب قصاص محسوب می‌شود.

نکته ۳۴۵: عوامل موجهه جرم یا اسباب اباحه عواملی هستند که رکن قانونی جرم را زائل می‌کنند. بدین مفهوم که عملی که در شرایط عادی و به حکم قانون جرم محسوب می‌شود به موجب حکم دیگری از مقنن با وجود شرایطی جرم محسوب نمی‌شود.

نکته ۳۴۶: اسباب اباحه یا عوامل موجهه اثر عینی دارند. یعنی به لحاظ زوال رکن قانونی جرم در حق همه مداخله‌گران در جرم موثر است. پس اگر مباشر از علل موجهه استفاده کند شامل معاون هم خواهد شد.

نکته ۳۴۷: در صورت تحقق یکی از عوامل موجهه جرم مقام قضایی مبادرت به صدور قرا منع تعقیب یا حکم برائت خواهد نمود.

نکته ۳۴۸: در عوامل موجهه جرم علاوه بر مجازات مسئولیت مدنی و ضمان مالی هم علی‌الاصول منتفی می‌شود.

نکته ۳۴۹: مصادیق عوامل موجهه عبارتند از: ۱. حکم یا اجازه قانون ۲. اجرای قانون اهم ۳. امر قانونی آمر قانونی ۴. اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین به منظور تأدیب یا محافظت از آنها ۵. رضایت به جرم در عملیات طبی یا جراحی و عملیات ورزشی ۶. ضرورت یا اضطرار ۷. دفاع مشروع.

نکته ۳۵۰: به موجب ق.م.ا در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد عمل انجام شده جرم محسوب نمی‌شود و مرتکب قابل مجازات نیست.

نکته ۳۵۱: هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود آمر و مأمور به مجازات مقرر در قانون محکوم می‌شوند.

نکته ۳۵۲: هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی، جرمی واقع شود لکن مأموری که امر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است، اجراء کرده باشد، مأمور مجازات نمی‌شود اما در دیه و ضمان تابع مقررات مربوطه است. و در این حالت فقط آمر مجازات خواهد شد. (نظریه رعایت ظواهر قانونی)

نکته ۳۵۳: اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و محافظت باشد جرم نبوده و قابل مجازات نمی‌باشد. مبنای این عدم مجازات اجازه قانون گذار می‌باشد.

نکته ۳۵۴: اصل بر این است که رضایت بزه‌دیده تاثیری در وقوع جرم و مجازات مرتکب ندارد.

نکته ۳۵۵: در ۲ مورد استثنایی رضایت بزه‌دیده باعث عدم مجازات مرتکب می‌شود: ۱. جایی که عدم رضایت بزه‌دیده جزء عناصر تشکیل دهنده جرم محسوب می‌شود در این حالت رضایت بزه‌دیده باعث عدم تحقق جرم می‌شود. مثلاً در جرم سرقت، آدم ربایی، کلاهبرداری، توقیف غیر قانونی و... عدم رضایت بزه‌دیده شرط است و در این موارد رضایت

بزه‌دیده موجب عدم تحقق جرم می‌شود. ۲. در جایی که قانونگذار این اجازه رو داده که رضایت بزه‌دیده به عنوان عامل موجهه جرم محسوب شود.

نکته ۳۵۶: مقنن به طور کلی در دو حالت رضایت بزه‌دیده را به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری اعلام کرده است: ۱. عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم معیار موازین شرعی نباشد. ۲. هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می‌شود. (در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست.)

نکته ۳۵۷: هرگاه پزشک در معالجاتی که انجام می‌دهد موجب تلف یا صدمه بدنی گردد، ضامن دیه است مگر آنکه عمل او مطابق مقررات پزشکی و موازین فنی باشد یا این که قبل از معالجه براءت گرفته باشد و مرتکب تقصیری هم نشود.

نکته ۳۵۸: چنانچه اخذ براءت از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او، معتبر نباشد و یا تحصیل براءت از او به دلیل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد، براءت از ولی مریض تحصیل می‌شود. نکته: در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد هرچند براءت اخذ نکرده باشد.

نکته ۳۵۹: ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و ولی عام که مقام رهبری است.

نکته ۳۶۰: در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص بیمار، رئیس قوه قضائیه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه به اعطای براءت به طبیب اقدام می‌نماید.

نکته ۳۶۱: پزشک در معالجاتی که دستور انجام آن را به مریض یا پرستار و مانند آن صادر می‌نماید، در صورت تلف یا صدمه بدنی ضامن است مگر آنکه مطابق مقررات مذکور در فوق عمل نماید.

نکته ۳۶۲: در موارد مذکور در نکته قبل، هرگاه مریض یا پرستار بدانند که دستور اشتباه است و موجب صدمه و تلف می‌شود و با وجود این به دستور عمل کند، پزشک ضامن نیست بلکه صدمه و خسارت مستند به خود مریض یا پرستار است.

نکته ۳۶۳: در قطع عضو یا جراحات ایجاد شده در معالجات پزشکی مقررات مذکور در فوق عمل می‌شود.

نکته ۳۶۴: در موارد ضروری که تحصیل براءت ممکن نباشد و پزشک برای نجات مریض، طبق مقررات اقدام به معالجه نماید، کسی ضامن تلف یا صدمات وارده نیست.

نکته ۳۶۵: هر کس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب‌الوقوع از قبیل آتش‌سوزی، سیل، طوفان، زلزله یا بیماری به منظور حفظ نفس یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد.

نکته ۳۶۶: کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می‌باشند نمی‌توانند با تمسک به اضطرار از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.

- نکته ۳۶۷:** شرایط خطر برای تحقق اضطراب: ۱. خطر باید شدید باشد ۲. خطر باید فعلی یا قریب الوقوع باشد.
- نکته ۳۶۸:** شرایط تحقق اضطراب: ۱. مرتکب خطر را عمداً ایجاد نکرده باشد. ۲. رفتار ارتكابی با خطر موجود متناسب باشد. ۳. رفتار ارتكابی برای دفع خطر ضرورت داشته باشد.
- نکته ۳۶۹:** با حصول شرایط مذکور در فوق با حدوث اضطراب، ارتكاب عملی برای حفظ نفس و مال خود و دیگری جرم نخواهد بود.
- نکته ۳۷۰:** هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:
- الف- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.
 - ب- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.
 - پ- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.
 - ت- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود.
- نکته ۳۷۱:** دفاع از نفس، ناموس، عرض، مال و آزادی تن دیگری در صورتی جایز است که او از نزدیکان دفاع‌کننده بوده یا مسؤولیت دفاع از وی برعهده دفاع‌کننده باشد یا ناتوان از دفاع بوده یا تقاضای کمک نماید یا در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.
- نکته ۳۷۲:** هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد اثبات عدم رعایت شرایط دفاع برعهده مهاجم است.
- نکته ۳۷۳:** چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود و به موجب آن جنایتی بر مهاجم وارد شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.
- نکته ۳۷۴:** در موارد دفاع مشروع دیه نیز ساقط است جز در مورد دفاع در مقابل تهاجم دیوانه که دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.
- نکته ۳۷۵:** مقاومت در برابر قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود.
- نکته ۳۷۶:** هرگاه قوای انتظامی و دیگر ضابطان دادگستری از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد، دفاع در برابر آنان جایز است.
- نکته ۳۷۷:** مبنای دفاع مشروع اجرای حق است.
- نکته ۳۷۸:** شرایط تجاوز یا خطر برای تحقق دفاع مشروع: ۱. تجاوز یا خطر فعلی یا قریب الوقوع باشد. ۲. تجاوز یا خطر غیر قانونی باشد. ۳. خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

بخش دوم

نکات مهم آیین دادرسی کیفری

نکته ۸۴۵: پس از شروع محاکمه توسط دادگاه، محاکمه تا صدور حکم استمرار دارد و چنانچه محاکمه به طول انجامد، به قدر لزوم تنفس داده می شود.

نکته ۸۴۶: چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می گیرد.

نکته ۸۴۷: قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می شود و دادستان یا نماینده وی نیز می تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

نکته ۸۴۸: قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند.

نکته ۸۴۹: دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، نمی تواند لوایح، اسناد و مدارک جدید را دریافت کند.

نکته ۸۵۰: دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و با توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در همان جلسه و در صورت عدم امکان در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته به انشای رأی مبادرت می کند.

نکته ۸۵۱: رأی دادگاه باید مستدل، موجه و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که براساس آن صادر شده است.

نکته ۸۵۲: تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

نکته ۸۵۳: دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت و اخواهی، تجدیدنظر و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند

نکته ۸۵۴: اگر رأی قابل و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام اعلام کند این امر، مانع و اخواهی، تجدیدنظر یا فرجام خواهی نیست.

نکته ۸۵۵: هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، بلافاصله به دستور دادگاه آزاد می شود.

نکته ۸۵۶: هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری و یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او است باید با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.

نکته ۸۵۷: رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک نویسی یا تایپ شود. این رأی که «دادنامه» خوانده می شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می شود و به امضای دادرسی یا دادرسان می رسد و به مهر شعبه ممهور می شود:

الف- شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی؛

ب- مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادرکننده رأی و سمت ایشان؛

پ- مشخصات طرفین دعوی و وکلای آنان؛

ت- گردش کار و متن کامل رأی.

نکته ۸۵۸: پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیأت رسیدگی به تخلفات اداری به سه‌ماه تا یک‌سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

نکته ۸۵۹: دادنامه به طرفین یا وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن نسخه ای از رأی یا تصویر مصدق آن به طرفین الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت ندارد.

نکته ۸۶۰: مدیر دفتر دادگاه مکلف است حداکثر ظرف سه روز پس از امضای دادنامه، آن را برای ابلاغ ارسال نماید.

نکته ۸۶۱: در جرایم منافی عفت، چنانچه دادنامه حاوی مطالبی باشد که اطلاع شاکی از آن حرام است و همچنین در جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ابلاغ دادنامه حضوری بوده و ذینفع می‌تواند از مفاد کامل رأی اطلاع یافته و از آن استنساخ نماید.

نکته ۸۶۲: هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه، سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌ای رخ دهد و یا اشتباهی در محاسبه صورت گیرد، چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم تجدیدنظرخواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شود یا هنوز از آن تجدیدنظرخواهی نشده باشد، دادگاه خود یا به درخواست ذی‌نفع یا دادستان، رأی تصحیحی صادر می‌کند. رأی تصحیحی نیز ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هر یک از آراء، جداگانه ممنوع است. رأی دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نیست، در صورت قطعیت اجرا می‌شود.

نکته ۸۶۳: در مواردی که اصل رأی دادگاه قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام است، تصحیح آن نیز در مدت قانونی، قابل واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام می‌باشد.

نکته ۸۶۴: هرگاه رأی اصلی به واسطه واخواهی، تجدیدنظر یا فرجام نقض شود، رأی تصحیحی نیز بی‌اعتبار می‌شود.

نکته ۸۶۵: دادگاه کیفری یک فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک مورد رسیدگی واقع می‌شود. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات برعهده دادگاه کیفری یک است.

نکته ۸۶۶: در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهت قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

نکته ۸۶۷: پس از ارجاع پرونده به دادگاه کیفری یک، در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) ق.آ.د.ک و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به‌طور مستقیم در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز

پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رییس دادگاه ارسال می کند تا طبق مقررات برای متهم وکیل تسخیری تعیین شود.

نکته ۸۶۸: هر یک از طرفین می تواند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کند. استغفای وکیل تعیینی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه رسیدگی پذیرفته نمی شود.

نکته ۸۶۹: در صورتی که هریک از اصحاب دعوی وکلای متعدد داشته باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.

نکته ۸۷۰: پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او و حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می کند تا تمام ایرادها و اعتراض های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی، به تشخیص دادگاه بلامانع است.

نکته ۸۷۱: متهم و شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان باید تمام ایرادها و اعتراض های خود از قبیل مرور زمان، عدم صلاحیت، رد دادرسی یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی، نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کنند. پس از اتمام مدت مذکور، هیچ ایرادی از طرف اشخاص مزبور پذیرفته نمی شود، مگر آن که جهت ایراد پس از مهلت، کشف و یا حادث شود. در هر حال، طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه، پیش از اتمام مهلت ممنوع است.

نکته ۸۷۲: پس از اتمام مهلت اعم از آن که ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می کند. رییس دادگاه، پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می کند. عضو مذکور حداکثر ظرف ده روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان پرونده را تهیه و تقدیم رییس می کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض های اصحاب دعوی به شرح زیر اقدام می کند:

الف- در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می کند و پرونده را نزد دادرسی صادرکننده کیفرخواست می فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

ب- هرگاه موضوع، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می کند.

پ- در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، قرار موقوفی تعقیب صادر می کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می شود.

نکته ۸۷۳: دادگاه می تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدماتی دعوت کند.

نکته ۸۷۴: قرار عدم صلاحیت از طرف دادستان و قرارهای مذکور در بند (پ) مذکور در فوق از طرف دادستان و شاکی یا مدعی خصوصی قابل تجدیدنظر است. در صورت نقض این قرار، پرونده برای طرح مجدد در جلسه مقدماتی و انجام سایر وظایف به دادگاه کیفری یک اعاده می شود.

نکته ۸۷۵: هرگاه دادگاه در جلسه مقدماتی، پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد، بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است، صادر می‌کند.

نکته ۸۷۶: چنانچه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲)، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند.

نکته ۸۷۷: مدیر دفتر دادگاه مکلف است پس از وصول پرونده به دفتر، حداکثر ظرف دو روز، وقت رسیدگی تعیین و مطابق دستور دادگاه اقدام کند.

نکته ۸۷۸: در هر مورد که دادگاه باید با حضور هیأت منصفه تشکیل شود، اعضای هیأت منصفه نیز طبق مقررات دعوت می‌شوند.

نکته ۸۷۹: هرگاه متهم متواری باشد یا دسترسی به وی امکان نداشته باشد و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، به تشکیل جلسه مقدماتی مبادرت می‌ورزد و در غیاب متهم، اقدام به رسیدگی می‌کند، مگر آن‌که دادستان احضار متهم را ممکن بداند که در این صورت دادگاه پس از تقاضای دادستان، مهلت مناسبی برای احضار یا جلب متهم به وی می‌دهد. مهلت مذکور نباید بیشتر از پانزده روز باشد.

نکته ۸۸۰: در هر مورد که دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند، باید از قبل قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دو نوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالتنشار ملی یا محلی آگهی می‌شود. فاصله بین تاریخ آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک‌ماه باشد.

نکته ۸۸۱: هرگاه متهمان متعدد و بعضی از آنان متواری باشند، دادگاه نسبت به متهمان حاضر شروع به رسیدگی می‌نماید و در مورد غایبان به ترتیب فوق رسیدگی می‌کند.

نکته ۸۸۲: در دادگاه کیفری یک و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش‌بینی شده باشد، رأی اکثریت تمام اعضاء ملاک است. نظر اقلیت باید به‌طور مستدل در پرونده درج شود. اگر اکثریت به شرح فوق حاصل نشود، یک عضو مستشار دیگر توسط مقام ارجاع اضافه می‌شود.

نکته ۸۸۳: در دادگاه کیفری یک دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه، دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می‌کند. سپس رییس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می‌نماید.

نکته ۸۸۴: قضات دادگاه کیفری یک می‌توانند با اجازه رییس دادگاه از طرفین و وکلای آنان، شهود، اهل خبره و دادستان پرسش کنند.

نکته ۸۸۵: هرگاه دادستان، متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان تحقیق از اشخاص حاضر در دادگاه را درخواست کنند، دادگاه در صورت ضرورت از آنان تحقیق می‌کند، هرچند از قبل احضار نشده باشند.

نکته ۸۸۶: هرگاه دادستان بار دیگر اجازه صحبت بخواهد، به متهم، شاکی، مدعی خصوصی یا وکلای آنان نیز اجازه صحبت داده می‌شود. پیش از اعلام ختم رسیدگی، رییس دادگاه یک‌بار دیگر به متهم یا وکیل او اجازه صحبت می‌دهد،

آخرین دفاع را از متهم یا وکیل وی اخذ و سپس رسیدگی را ختم می‌کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

نکته ۸۸۷: محاکمات دادگاه کیفری یک، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. انتشار آنها ممنوع و استفاده از آنها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

نکته ۸۸۸: در مواردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری یک در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود، تمام وظایف و اختیارات دادرسی، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست برعهده دادرسی محل وقوع جرم است.

نکته ۸۸۹: در مواردی که دادگاه کیفری یک حسب مقررات قانونی صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان را دارد رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان الزامی است.

نکته ۸۹۰: دادگاه کیفری یک با رعایت صلاحیت ذاتی، پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی مقتضی را صادر نماید.

نکته ۸۹۱: اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و باتوجه به محتویات پرونده، مشاوره می‌نمایند و در همان جلسه مبادرت به صدور رأی می‌کنند. در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است.

نکته ۸۹۲: انشاء رأی به‌عهده رییس دادگاه است، مگر آن که وی جزء اکثریت نباشد که در این صورت، عضوی که جزء اکثریت است و سابقه قضایی بیشتر دارد، رأی را انشاء می‌کند. پس از صدور رأی، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رییس دادگاه به متهم تفهیم می‌شود. هرگاه رأی بر براءت یا تعلیق اجرای مجازات باشد، متهم به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود.

نکته ۸۹۳: پس از ختم رسیدگی، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیأت منصفه نیز جاری است.

نکته ۸۹۴: سایر ترتیبات رسیدگی در دادگاه کیفری یک همان است که برای سایر دادگاه‌های کیفری مقرر گردیده است.

نکته ۸۹۵: در تمام جرایم، به استثنای جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ‌یک از جلسات دادگاه حاضر نشود یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند.

نکته ۸۹۶: در رسیدگی غیابی چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است. مهلت واخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه است.

نکته ۸۹۷: هرگاه متهم در جلسه رسیدگی حاضر و در فاصله تنفس یا هنگام دادرسی بدون عذر موجه غایب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد. در این صورت حکمی که صادر می‌شود، حضوری است.

نکته ۸۹۸: حکم غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشود، پس از انقضای مهلت‌های واخواهی و تجدیدنظر یا فرجام به اجرا گذاشته می‌شود.

نکته ۸۹۹: هرگاه حکم غیابی دادگاه ابلاغ واقعی نشده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع، واخواهی کند که در این صورت، اجرای رأی، متوقف و متهم تحت‌الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعزام می‌شود. این دادگاه در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می‌کند.

نکته ۹۰۰: در جرایمی که فقط جنبه حق‌اللهمی دارند، هرگاه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند بدون حضور متهم، رأی بر براءت او صادر کند.

نکته ۹۰۱: دادگاه پس از واخواهی، با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌کند و پس از بررسی ادله و دفاعیات واخواه، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. عدم حضور طرفین یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نیست.

نکته ۹۰۲: رییس دادگستری یا رییس کل دادگاه‌های شهرستان مرکز استان هر حوزه حسب مورد ریاست دادگاه‌های اطفال و نوجوانان را نیز برعهده دارد.

نکته ۹۰۳: قضات دادگاه و دادرای اطفال و نوجوانان را رییس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند.

نکته ۹۰۴: مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، جرم‌شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

نکته ۹۰۵: برای انتخاب مشاوران، رییس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بداند به رییس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رییس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است.

نکته ۹۰۶: در صورت مؤنث بودن متهم طفل یا نوجوان، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.

نکته ۹۰۷: هرگاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رییس دادگستری می‌تواند شخصا به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به‌طور موقت مأمور رسیدگی نماید.

نکته ۹۰۸: دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.

نکته ۹۰۹: هرگاه در موقع رسیدگی سن متهم هجده سال و یا بیشتر باشد، وقت دادرسی به متهم یا وکیل او ابلاغ می‌شود.

نکته ۹۱۰: در جرایم تعزیری درجه شش، هفت و هشت و همچنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آنها غیر از حبس است، هرگاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و همچنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد، دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.

نکته ۹۱۱: در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص دیگر در جلسه رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.

نکته ۹۱۲: هرگاه مصلحت طفل اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می‌شود.

نکته ۹۱۳: در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه شش و بالاتر، دادسرا و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.

نکته ۹۱۴: به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود.

نکته ۹۱۵: در هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر در صورتی که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد.

نکته ۹۱۶: آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می‌شود.

نکته ۹۱۷: در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله پرونده از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان و از حوزه قضایی یک استان به استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد.

نکته ۹۱۸: در مورد جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، احاله حسب مورد به درخواست دادستان نظامی یا رییس سازمان قضایی استان با موافقت رییس سازمان قضایی نیروهای مسلح انجام می‌شود.

نکته ۹۱۹: احاله در موارد زیر صورت می‌گیرد:

الف- متهم یا بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند.

ب- محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیک بودن به محل وقوع آن، آسان تر بتواند به موضوع رسیدگی کند.

نکته ۹۲۰: احاله پرونده نباید به کیفیتی باشد که موجب عسر و حرج شاکی و یا مدعی خصوصی شود.

نکته ۹۲۱: علاوه بر موارد مذکور در فوق، به‌منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور و تجویز دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می‌شود.

نکته ۹۲۲: در جرایم در صلاحیت سازمان قضایی نیروهای مسلح، رییس این سازمان می‌تواند به‌منظور حفظ نظم و امنیت عمومی و رعایت مصالح نیروهای مسلح، پرونده را به حوزه قضایی دیگر احاله کند.

نکته ۹۲۳: دادرسی در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوی نیز می‌توانند در این موارد ایراد رد دادرسی کنند:
الف- قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی و یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم؛ وجود داشته باشد.

ب- دادرسی، قیوم یا مخدوم یکی از طرفین دعوی باشد یا یکی از طرفین، مباشر امور دادرسی یا امور همسر وی باشد.

پ- دادرسی، همسر و یا فرزند او، وارث یکی از طرفین دعوی یا شریک یا معاون جرم باشند.

ت- دادرسی در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهار نظر ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد.

ث- بین دادرسی، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوی یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او، دعوی حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد.
ج- دادرسی، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروحه داشته باشند.

نکته ۹۲۴: شکایت انتظامی از جهات رد دادرسی محسوب نمی‌شود.

نکته ۹۲۵: ایراد رد باید تا قبل از صدور رأی به‌عمل آید. هرگاه دادرسی آن را بپذیرد، از رسیدگی امتناع می‌کند و رسیدگی به دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر ارجاع می‌شود. در صورت نبودن دادرسی علی‌البدل یا شعبه دیگر، پرونده برای رسیدگی به نزدیکترین مرجع قضایی هم‌عرض فرستاده می‌شود.

نکته ۹۲۶: هرگاه دادرسی ایراد رد را قبول نکند، مکلف است ظرف سه روز قرار رد ایراد را صادر کند و به رسیدگی ادامه دهد. قرار مذکور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در مرجع صالح است. به این اعتراض خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

نکته ۹۲۷: مقامات قضایی دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرسی، از رسیدگی امتناع کنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع می‌نماید و رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت، باید قرار رد ایراد صادر و به مدعی رد، ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.

نکته ۹۲۸: صدور قرار رد ایراد، مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست.

نکته ۹۲۹: در مواردی که دادگاه با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، هرگاه نسبت به یکی از اعضاء ایراد رد شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کند. هرگاه چند نفر از اعضای دادگاه مورد ایراد واقع شوند و ایراد رد را قبول نکنند، چنانچه تعداد اعضای باقیمانده شعبه اکثریت را تشکیل دهند، اکثریت اعضاء، بدون حضور اعضای مورد ایراد و در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کنند. هرگاه تعداد باقیمانده اعضای شعبه در اکثریت نباشند و امکان انتخاب اعضای علی‌البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد، رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بداند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه هم‌عرض ارجاع می‌شود.

نکته ۹۳۰: دادگاه تجدیدنظر استان مرجع صالح برای رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از کلیه آرای غیرقطعی کیفری است جز در مواردی که در صلاحیت دیوان عالی کشور باشد.

نکته ۹۳۱: دادگاه تجدیدنظر استان در مرکز هر استان، با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل و عضویت دو مستشار تشکیل می‌شود.

نکته ۹۳۲: آرای دادگاه‌های کیفری جز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شود، حسب مورد در دادگاه تجدیدنظر استان همان حوزه قضایی قابل تجدیدنظر و یا در دیوان عالی کشور قابل فرجام است:

الف- جرایم تعزیری درجه هشت باشد.

ب- جرایم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آن‌ها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

نکته ۹۳۳: در مورد مجازات‌های جایگزین حبس، معیار قابلیت تجدیدنظر، همان مجازات قانونی اولیه است.

نکته ۹۳۴: آراء قابل تجدیدنظر، اعم از محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب، اناطه و تعویق صدور حکم است. قرار رد درخواست و خواهی یا تجدیدنظر خواهی، در صورتی مشمول این حکم است که رأی راجع به اصل دعوی، قابل تجدیدنظر خواهی باشد.

نکته ۹۳۵: آراء صادره درباره جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی که میزان دیه آنها ثلث دیه کامل مجنی‌علیه یا بیش از آن است و آراء صادره درباره جرایم سیاسی و مطبوعاتی، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

نکته ۹۳۶: در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه‌های مزبور قابل تجدیدنظر یا فرجام باشد، جنبه‌های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابل تجدیدنظر یا فرجام است.

نکته ۹۳۷: در صورتی که طرفین دعوی با توافق کتبی حق تجدیدنظر یا فرجام خواهی خود را ساقط کنند، تجدیدنظر یا فرجام خواهی آنان جز در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی، مسموع نیست.

نکته ۹۳۸: مهلت درخواست یا دادخواست تجدیدنظر و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و خواهی است.

نکته ۹۳۹: هرگاه تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شود و درخواست‌کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه صادر کننده رأی ابتدا به عذر او رسیدگی می‌نماید و در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می‌کند.

نکته ۹۴۰: اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر یا فرجام دارند:

الف- محکوم‌علیه، وکیل یا نماینده قانونی او؛

ب- شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان؛

پ- دادستان از جهت براءت متهم، عدم انطباق رأی با قانون و یا عدم تناسب مجازات.

نکته ۹۴۱: جهات تجدیدنظرخواهی به شرح زیر است:

الف- ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه؛

ب- ادعای مخالف بودن رأی با قانون؛

پ- ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادر کننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی؛

ت- ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.

نکته ۹۴۲: اگر تجدیدنظرخواهی به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آید، در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم رسیدگی می‌شود.

نکته ۹۴۳: دادگاه تجدیدنظر استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می‌کند.

نکته ۹۴۴: تجدیدنظرخواهی یا فرجام‌خواهی طرفین راجع به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی - مقرر صورت می‌گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق قانون آیین دادرسی مدنی است.

نکته ۹۴۵: تجدیدنظرخواهی یا فرجام خواهی محکوم‌علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان، مستلزم پرداخت هزینه دادرسی در امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

نکته ۹۴۶: هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه، مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوی ضرر و زیان ناشی از جرم شود، دادگاه صادر کننده رأی نخستین به این ادعا خارج از نوبت رسیدگی می‌کند.

نکته ۹۴۷: هرگاه تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه زندانی باشد، حسب مورد از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر یا فرجام در امری که به موجب آن زندانی است، معاف می‌گردد.

نکته ۹۴۸: تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادر کننده رأی نخستین یا تجدیدنظر و یا دفتر زندان تسلیم کند.

نکته ۹۴۹: در خصوص نکته قبل دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت کند و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظرخواه یا فرجام خواه و طرف دعوی او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در

دادخواست یا درخواست تجدیدنظر و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر یا فرجام خواهی محسوب می شود. دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

نکته ۹۵۰: در صورتی که تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی در مهلت مقرر صورت گیرد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور ارسال می کند.

نکته ۹۵۱: هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر خواهی یا فرجام خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف دو روز، نقایص آن را به درخواست کننده یا دادخواست دهنده اعلام و اخطار می کند تا ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نقایص مذکور را رفع کند.

نکته ۹۵۲: چنانچه در مهلت مقرر در نکته قبل، رفع نقص صورت نگیرد و در صورتی که درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام خارج از مهلت قانونی تقدیم شود، مدیر دفتر، پرونده را به نظر رییس دادگاه می رساند تا قرار مقتضی را صادر کند. این قرار حسب مورد قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان و یا دیوان عالی کشور است.

نکته ۹۵۳: هرگاه تجدیدنظر خواه یا فرجام خواه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام را صادر می کند. چنانچه پرونده به مرجع تجدیدنظر یا فرجام ارسال شده باشد، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر یا فرجام توسط دادگاه تجدیدنظر استان یا دیوان عالی کشور صادر می شود. در هر حال، درخواست یا دادخواست تجدیدنظر یا فرجام مجدد، پذیرفته نیست.

نکته ۹۵۴: در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد، محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظر خواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظر خواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است.

نکته ۹۵۵: آرائی که در مرحله تجدیدنظر صادر می شود، قطعی است.

نکته ۹۵۶: مرجع رسیدگی به درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، شعبه ای از دادگاه تجدیدنظر استان است که مطابق با شرایط مقرر در این قانون و با ابلاغ رییس قوه قضاییه تعیین می گردد. مرجع فرجام خواهی از آراء و تصمیمات دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، دیوان عالی کشور است.

نکته ۹۵۷: آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر خواهی است.

نکته ۹۵۸: درخواست تجدیدنظر از آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان را می توان به دفتر دادگاه صادرکننده حکم یا دفتر دادگاه تجدیدنظر استان یا چنانچه طفل یا نوجوان در کانون اصلاح و تربیت نگهداری می شود به دفتر کانون اصلاح و تربیت تسلیم نمود.

بخش سوم

نکات مهم آیین دادرسی مدنی

دستور موقت

- نکته ۴۶۵:** دستور موقت، در اموری که فوریت دارد، بنا به درخواست ذینفع صادر می‌شود.
- نکته ۴۶۶:** موضوع دستور موقت، نباید با خواسته‌ی خود دعوای اصلی یکی باشد. به عبارت دیگر با دستور موقت نباید به نتیجه‌ای برسیم که در مقام اجرای حکم قطعی به دنبال آن هستیم.
- نکته ۴۶۷:** درخواست صدور دستور موقت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و درخواست شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء درخواست‌کننده می‌رسد.
- نکته ۴۶۸:** موضوع دستور موقت به استناد ماده ۳۱۶ ق.آ.د.م (انجام عمل، منع انجام عمل و توقیف مال) می‌باشد.
- نکته ۴۶۹:** در توقیف مال، هیچگاه اصل مال را به خواهان نمی‌دهند. چون دستور موقت دارای ماهیت موقتی است.
- نکته ۴۷۰:** در اموری که ماهیت دائمی دارند مثل پرداخت دین، تخلیه، تخریب بنا و... نمی‌شود دستور موقت صادر کرد.
- نکته ۴۷۱:** منع خروج از کشور و منع نقل و انتقال و... دارای ماهیت موقتی هستند و تا زمان صدور حکم پابرجا هستند.
- نکته ۴۷۲:** اگر دستور موقت صادر شد و حکم بر علیه خود خواهان صادر شود، دستور موقت منتفی نمی‌شود، مگر تا صدور حکم نهایی یا نقض آن در دادگاه تجدیدنظر.
- نکته ۴۷۳:** تشخیص فوریت یک امر با قاضی است و فوریت جنبه‌ی موضوعی دارد یعنی قاضی در هر مورد تشخیص می‌دهد که آیا امر فوریت دارد یا خیر.
- نکته ۴۷۴:** اخذ دستور موقت، از دادگاه تجدیدنظر میسر است.
- نکته ۴۷۵:** اگر یک بار دستور موقت صادر شود و بعد قاضی آن را الغاء کند و دوباره جهت آن به وجود آید، صدور مجدد آن بلامانع است چون اعتبار امر مختوم بها را ندارد.
- نکته ۴۷۶:** دستور موقت، یک دستور اجرایی است به حکم قانون، اما در قالب قرار مورد اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرد.
- نکته ۴۷۷:** پذیرش درخواست صدور دستور موقت، مستلزم رسیدگی ماهیتی و ارزیابی ادله‌ی ابرازی طرفین نیست و به همین جهت در قانون آمده است که دستور موقت، هیچ تأثیری در اصل دعوا ندارد.
- نکته ۴۷۸:** صدور دستور موقت، منوط است به سپردن تأمین که نوع و میزان تأمین بسته به نظر قاضی است.
- نکته ۴۷۹:** خوانده دعوا نیز می‌تواند متقابلاً تأمینی بسپارد، تا قاضی در صورت مصلحت از دستور موقت رفع اثر کند.
- نکته ۴۸۰:** هر یک از طرفین که دستور موقت برای او صادر شد، مکلف است ظرف مدت بیست روز پس از صدور آن، به دادگاه صالح مراجعه و دادخواست خود را تقدیم و گواهی آن را به دادگاهی که دستور موقت صادر کرده تسلیم

نماید و گرنه به درخواست طرف مقابل از آن رفع اثر می‌شود (م ۳۱۸).

نکته ۴۸۱: تأمین مأخوذه جهت صدور دستور موقت، در صورتی به خواهان مسترد می‌شود که دعوی او رد نشود و اگر رد شده طرف مقابل ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی، دعوی خسارت مطرح ننماید (م ۳۲۴).

نکته ۴۸۲: دستور موقت، چه مورد قبول واقع شود یا رد شود، مستقلاً قابلیت اعتراض تجدیدنظر و فرجام را ندارد.

نکته ۴۸۳: اجرای دستور موقت، مستلزم تأیید رییس حوزه قضایی است.

نکته ۴۸۴: صدور دستور موقت علیه دولت، منع قانونی ندارد.

نکته ۴۸۵: در صورت صدور حکم نهایی مبنی بر شکست خواهان، خوانده می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی نهایی، برای مطالبه‌ی خسارات وارده طرح دعوا نماید. در غیر این صورت بعد از مهلت مزبور به درخواست خواهان، تأمین سپرده شده آزاد می‌شود.

نکته ۴۸۶: درخواست دستور موقت، غیرمالی محسوب می‌شود.

تجدیدنظرخواهی

نکته ۴۸۷: در ماده ۳۳۰ ق.آ.د.م اصل بر قطعیت آرای صادره از دادگاه‌های عمومی و انقلاب عنوان شده است اما عملاً مقنن تخصیص به اکثر زده و بیشتر آراء غیرقطعی هستند.

نکته ۴۸۸: دادگاه تجدیدنظر، مانند دادگاه بدوی هم در موضوع و هم در حکم، رسیدگی در ماهیت انجام می‌دهد.

نکته ۴۸۹: اگر رأی در دادگاه بدوی به صورت حکم صادر شود و در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شود، مرجع رسیدگی به اعاده‌ی دادرسی و اعتراض شخص ثالث، همواره همان دادگاه تجدیدنظر است.

نکته ۴۹۰: واخواهی، اعاده‌ی دادرسی و اعتراض شخص ثالث از شیوه‌های عدولی رسیدگی هستند یعنی قاضی ممکن است در نتیجه‌ی رسیدگی به این شکایات از نظر قبلی خود عدول کند.

نکته ۴۹۱: تجدیدنظرخواهی، یک شیوه‌ی عدولی نیست بلکه یک شیوه‌ی اصلاحی است.

نکته ۴۹۲: دعاوی مالی که خواسته یا ارزش آن (بهای خواسته) بیش از سه میلیون ریال باشد، حکم صادره در آن خصوص قابل تجدیدنظرخواهی است و مبلغ محکوم به، ملاک صلاحیت در تجدیدنظرخواهی است.

نکته ۴۹۳: هر گاه خواسته یا بهای خواسته، افزایش یا کاهش یابد، از حیث قابلیت تجدیدنظرخواهی، ملاک مبلغ افزایش یافته یا کاهش یافته است.

نکته ۴۹۴: اگر در یک دادخواست چند دعوا طرح شده باشد از حیث قطعی یا غیر قطعی بودن، ملاک خواسته یا بهای خواسته هر دعوا به طور جداگانه است، نه جمع بهای تمام خواسته‌ها.

نکته ۴۹۵: در دعاوی ضرر و زیان ناشی از جرم که به تبع امر کیفری در پرونده‌ی کیفری مطرح می‌شود، اگر جنبه‌ی کیفری قابل تجدیدنظر باشد جنبه‌ی حقوقی هم به تبع آن قابل تجدیدنظر است، هر چند خواسته آن کمتر از سه میلیون ریال باشد.

- نکته ۴۹۶:** کلیه احکام صادره در دعاوی غیرمالی، قابل تجدیدنظر هستند.
- نکته ۴۹۷:** حقوقی که انسانها دارند علی‌الاصول مالی هستند و اصل بر مالی بودن دعاوی است.
- نکته ۴۹۸:** حکم راجع به متفرعات دعوا، قابل تجدیدنظر است هر چند کمتر از سه میلیون ریال باشند، در صورتی که حکم راجع به اصل دعوا قابل تجدیدنظر باشد.
- نکته ۴۹۹:** منظور از متفرعات دعوا، حقوقی است که علاوه بر اصل خواسته، قابل مطالبه بوده است و این مطالبه مستلزم دعوا مستقل نباشد و به صرف درخواست آن در دادخواست، قابل رسیدگی باشد مثل هزینه‌ی دادرسی، حق‌الوکاله وکیل، خسارت تأخیر تأدیه و....
- نکته ۵۰۰:** اگر متفرعات دعوا، بعدها به موجب دادخواست جداگانه مطالبه شود، حکم راجع به آن تابع مقررات عمومی است. یعنی اگر متجاوز از سه میلیون ریال نباشد، قطعی است.
- نکته ۵۰۱:** قرارها از حیث قابلیت تجدیدنظر، مثل متفرعات دعوا، تابع قابل تجدیدنظرخواهی اصل حکم است.
- نکته ۵۰۲:** قرار تأمین خواسته، غیرقابل تجدیدنظر است (م ۳۱۹ ق.آ.د.م).
- نکته ۵۰۳:** قرار ابطال دادخواست یا رد دادخواست که از دفتر دادگاه صادر می‌شود قابل تجدیدنظرخواهی نیست.
- نکته ۵۰۴:** قرارهای مذکور در ماده ۳۳۲ ق.آ.د.م که قابل تجدیدنظر هستند از نوع قرارهای قاطع دعوا می‌باشند.
- نکته ۵۰۵:** احکام مستند به اقرار در دادگاه یا مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند قابل تجدیدنظر نیست، مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا صلاحیت قاضی صادرکننده رأی.
- نکته ۵۰۶:** اگر طرفین دعوا، به طور کتبی حق تجدیدنظرخواهی را از خود سلب کنند، حکم صادره قطعی است مگر اینکه تجدیدنظرخواهی در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی باشد.
- نکته ۵۰۷:** رأی کارشناس، قطعی است و قابل اعتراض نیست اما نظر کارشناس همواره ظرف یک هفته قابل اعتراض است.
- نکته ۵۰۸:** کارشناس، هر گاه منتخب دادگاه باشد نظر می‌دهد اما چنانچه کارشناس منتخب طرفین باشد، رأی می‌دهد.
- نکته ۵۰۹:** قاضی اگر نظر کارشناس را با اوضاع و احوال حاکم بر موضوع مابین تشخیص دهد به آن ترتیب اثر نمی‌دهد اما قاضی مکلف به تبعیت از رأی کارشناسی است.
- نکته ۵۱۰:** رأی داور اصالتاً قابل اجرا است اما رأی کارشناس منتخب طرفین، چون قابلیت اجرایی مثل رأی داور را ندارد، باید در رأی دادگاه بیاید تا قابلیت اجرا داشته باشد.
- نکته ۵۱۱:** مهلت تجدیدنظرخواهی اصحاب دعوا برای اشخاص مقیم ایران بیست روز از تاریخ ابلاغ یا انقضای مهلت است و این مدت برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه می‌باشد.

- نکته ۵۱۲:** اگر شخصی در مدت بیست روز وخواهی، تجدیدنظرخواهی کند در واقع به اسقاط عملی حق وخواهی خود اقدام نموده و باید به تجدیدنظر خواهی وی ترتیب اثر داد (م ۳۳۷ ق.آ.د.م).
- نکته ۵۱۳:** اگر کسی حق تجدیدنظرخواهی داشته باشد و قبل از انقضای مهلت (ورشکسته، محجور و فوت) شود، مهلت جدید از تاریخ ابلاغ رأی به مدیر تصفیه، قیّم یا ورّاث او شروع می‌شود (اشخاص حقیقی).
- نکته ۵۱۴:** در مورد حجر یا فوت مدیر شرکت، چون اساساً ابلاغ به خود شخص حقوقی صورت می‌گیرد نه به مدیرعامل، بنابراین فوت مدیرعامل یا محجوریت وی هیچ تأثیری از حیث لزوم ابلاغ مجدد ندارد (اشخاص حقوقی).
- نکته ۵۱۵:** اگر شخصی تجدیدنظرخواهی کند و به جهات تجدیدنظرخواهی مذکور در ماده ۳۴۸ ق.آ.د.م اشاره نکند اما خود دادگاه تجدیدنظر، متوجه هر یک از جهات مذکور شود به آن توجه می‌کند.
- نکته ۵۱۶:** در اعاده‌ی دادرسی، جهتی که موجب درخواست اعاده‌ی دادرسی شده است، می‌بایست ذکر گردد.
- نکته ۵۱۷:** عدم صلاحیت ذاتی یا محلی دادگاه بدوی، موجب نقض رأی در دادگاه تجدیدنظر است، خواه ایراد شود خواه نشود.
- نکته ۵۱۸:** افزایش محدوده و میزان تجدیدنظرخواهی پس از تقدیم دادخواست یا در مرحله‌ی تجدیدنظر میسر نیست اما کاهش آن با توجه به ماده ۳۶۳ ق.آ.د.م بلامانع است.
- نکته ۵۱۹:** ادّعی جدید در مرحله‌ی تجدیدنظر مسموع نیست اما ارائه دلیل جدید در مرحله‌ی تجدیدنظر، بلامانع است.
- نکته ۵۲۰:** اگر دادگاه تجدیدنظر، رأی مورد اعتراض را در صورتی که قرار باشد یا آن را قرار تلقی کند نقض نماید، جهت رسیدگی ماهیتی آن را به همان شعبه دادگاه بدوی اعاده می‌نماید.
- نکته ۵۲۱:** اگر دادگاه تجدیدنظر، حکم دادگاه بدوی را نقض کند، خودش وارد رسیدگی ماهیتی شده و حکم صادر می‌نماید.
- نکته ۵۲۲:** اگر رأی دادگاه بدوی صحیح باشد اما نیاز به اصلاح داشته باشد، دادگاه تجدیدنظر ضمن اصلاح، آن را تأیید می‌کند.
- نکته ۵۲۳:** حکم رد یا قبول اعسار در مورد محکوم‌به، غیرمالی بوده و قابل تجدیدنظر است.
- نکته ۵۲۴:** اگر قرار ردّ دادخواست به واسطه‌ی نقص دادخواست بدوی توسط مدیر دفتر دادگاه صادر شده باشد این قرار فقط قابل اعتراض نزد رییس همان شعبه دادگاه می‌باشد اما اگر این قرار توسط قاضی دادگاه صادر گردد قابل تجدیدنظر در مرجع تجدید نظر استان است.
- نکته ۵۲۵:** اگر نسبت به دعوایی که موضوع آن قابل تجدیدنظر نیست، تجدیدنظرخواهی صورت گیرد، دادگاه تجدیدنظر قرار عدم استماع دعوا صادر می‌کند و این قرار قطعی است.
- نکته ۵۲۶:** عدم صلاحیت محلی (نسبی) از جهات تجدیدنظر است خواه در مرحله‌ی بدوی در مهلت مقرر به آن

ایراد شده باشد و یا ایراد نشده باشد.

نکته ۵۲۷: عدم صلاحیت محلی در صورتی از جهات فرجام خواهی است که در مرحله‌ی بدوی نسبت به آن ایراد شده باشد.

نکته ۵۲۸: عدم صلاحیت ذاتی در هر صورت از جهات تجدیدنظر و فرجام است و موجب نقض رأی در تجدیدنظر و فرجام است.

نکته ۵۲۹: در صورتی که سمت دادخواست‌دهنده‌ی بدوی محرز نباشد، دادگاه تجدیدنظر رأی صادره را نقض و قرار ردّ دعوی بدوی را صادر می‌کند.

نکته ۵۳۰: در صورت نقص پرونده‌ی بدوی، دادگاه تجدیدنظر خطاب به خواهان بدوی اخطار رفع نقص صادر و ده روز مهلت رفع نقص می‌دهد. در صورت عدم رفع نقص، دادگاه تجدیدنظر، رأی بدوی صادره را نقض و قرار ردّ دعوی بدوی را صادر می‌کند.

نکته ۵۳۱: در صورت نقص دادخواست تجدیدنظر؛ دادگاه تجدیدنظر ضمن تعیین نواقص، پرونده را جهت تکمیل به دادگاه بدوی بر می‌گرداند.

نکته ۵۳۲: در صورت وجود سهو قلم در رأی دادگاه بدوی؛ دادگاه تجدیدنظر رأی را تأیید و موارد سهم قلم را تصحیح می‌کند.

نکته ۵۳۳: چنانچه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را صالح تشخیص ندهد، رأی صادره را نقض و پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود.

نکته ۵۳۴: اگر رأی بدوی به صورت قرار باشد و دادگاه تجدیدنظر به هر علتی غیر از عدم صلاحیت، آن را نقض کند، پرونده را جهت رسیدگی ماهوی به همان شعبه‌ی بدوی ارسال می‌کند.

نکته ۵۳۵: در صورت نقض حکم صادره از دادگاه بدوی (به هر علتی غیر از عدم صلاحیت) دادگاه تجدیدنظر، وارد رسیدگی ماهوی شده و رأی مقتضی را صادر می‌کند.

نکته ۵۳۶: استرداد دادخواست بدوی تا جلسه‌ی اول دادرسی امکان‌پذیر است و در این صورت، قرار ابطال دادخواست بدوی صادر می‌شود (بعد از جلسه اول دادرسی، استرداد دعوا داریم).

نکته ۵۳۷: استرداد دادخواست تجدیدنظر، محدود به زمان نیست (تا قبل از ختم دادرسی قابل انجام است) و در این صورت قرار ابطال دادخواست تجدیدنظر صادر می‌شود.

فرجام خواهی

نکته ۵۳۸: احکام دادگاه‌های بدوی که خواسته‌ی آن بیش از بیست میلیون ریال باشد به شرط آنکه به لحاظ عدم درخواست تجدیدنظر قطعیت یافته باشد قابل فرجام است (خواسته فقط باید وجه نقد رایج باشد).

نکته ۵۳۹: قرارهای سقوط دعوا، عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا و قرار ابطال یا ردّ دادخواست که از دادگاه بدوی

صادر شده‌اند به شرط آنکه اولاً: اصل حکم راجع به آن قابل فرجام باشد و ثانیاً: مورد تجدیدنظرخواهی هم واقع نشده باشد قابل فرجام‌خواهی هستند.

نکته ۵۴۰: احکام صادره در دعاوی مالی که از دادگاه تجدید نظر صادر شده باشد، به هیچ عنوان قابلیت فرجام‌خواهی ندارد.

نکته ۵۴۱: حکم مستند به اقرار قاطع دعوا، قابل فرجام نیست هر چند که مربوط به عدم صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده‌ی رأی باشد.

نکته ۵۴۲: حکم مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتباً رأی آنان را قاطع دعوا قرار داده باشند، قابلیت فرجام ندارد.

نکته ۵۴۳: حکم مستند به سوگند قاطع دعوا قابلیت فرجام ندارد.

نکته ۵۴۴: به سوگند قاطع دعوا، یمین قضایی یا سوگند بتی گفته می‌شود.

نکته ۵۴۵: انواع دیگر سوگند (سوگند تکمیلی و سوگند استظهاری) قاطع دعوا محسوب نمی‌شوند.

نکته ۵۴۶: فرجام‌خواهی، از طرق فوق‌العاده شکایت از آراء است و علی‌الاصول اثر تعلیقی بر اجرای حکم ندارد.

نکته ۵۴۷: وقتی درخواست فرجام به عمل می‌آید اگر محکوم‌به مالی باشد، دادگاه بدوی در صورت تشخیص ضرورت اخذ تأمین، پس از اخذ تأمین مناسب از محکوم‌له، حکم را اجرا می‌کند.

نکته ۵۴۸: وقتی درخواست فرجام به عمل می‌آید، اگر محکوم‌به غیرمالی باشد، به تشخیص دادگاه صادرکننده‌ی حکم (ممکن است بدوی یا تجدیدنظر باشد) تأخیر اجرای حکم، منوط است به اینکه محکوم‌علیه تأمین مناسب بدهد.

نکته ۵۴۹: تشخیص نوع تأمین، در فرضی که محکوم‌به مالی باشد، هیچگاه با دادگاه تجدیدنظر نیست. چون در دعاوی مالی که در دادگاه تجدیدنظر صادر می‌شود، اساساً قابلیت فرجام‌خواهی میسر نیست. بنابراین این تأمین را همیشه دادگاه بدوی اخذ می‌کند.

نکته ۵۵۰: اگر فرجام‌خواهی از طریق دادستان کل باشد، در صورت درخواست نقض رأی توسط دادستان کل از دیوان عالی کشور، محکوم‌علیه می‌تواند با ارائه گواهی مربوط به دادگاه اجراءکننده رأی (بدوی) تقاضای توقف اجرای حکم را پس از دادن تأمین مناسب بنماید و دادگاه مکلف است دستور توقف صادر کند.

نکته ۵۵۱: انواع فرجام‌خواهی:

۱. فرجام‌خواهی اصلی

۲. فرجام‌خواهی تبعی

۳. فرجام‌خواهی با واسطه (از طریق دادستان کل)

نکته ۵۵۲: فرجام‌خواهی اصلی یعنی محکوم‌علیه با تقدیم دادخواست در مهلت قانونی از حکم فرجام‌خواهی کند.

نکته ۵۵۳: در فرجام‌خواهی اصلی، رونوشت رأی مورد شکایت و لایحه‌ی اعتراضیه باید ضمیمه‌ی دادخواست بوده و به تعداد فرجام‌خواندگان به علاوه یک نسخه باشد.

نکته ۵۵۴: وکالت‌نامه‌ی وکیل که مثبت سمت است فقط در یک نسخه ضمیمه دادخواست اصلی می‌شود.

نکته ۵۵۵: اگر دادخواست فرجامی کامل باشد، مدیر دفتر دادگاه تبادل لوایح می‌نماید و فرجام خوانده می‌تواند ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ دادخواست، کتبا پاسخ دهد.

نکته ۵۵۶: فرجام‌خواهی تبعی؛ در حالتی است که حکم صادره جزئاً به ضرر شخص است و این شخص می‌تواند به تبع فرجام‌خواهی طرف مقابل و در ضمن پاسخ به لایحه فرجامی، خود نیز درخواست فرجام تبعی را در آن لایحه درخواست نماید.

نکته ۵۵۷: فرجام تبعی، مستلزم تقدیم دادخواست و ضامناً و لایحه و پرداخت هزینه دادرسی نیست.

نکته ۵۵۸: هر گاه دادخواست فرجام‌خواهی اصلی رد شود، به تبع آن فرجام تبعی هم ساقط می‌شود.

نکته ۵۵۹: فرجام‌خواهی با واسطه؛ در فرضی است که محکوم‌علیه از رأی در مهلت قانونی فرجام‌خواهی نکند یا قرار قطعی ردّ دادخواست وی صادر شود و محکوم‌علیه مدّعی خلاف شرع یا قانون بودن رأی باشد که در این صورت می‌تواند از طریق دادستان کل کشور با تقدیم دادخواست و رعایت شرایط قانونی و پرداخت هزینه‌ی دادرسی ظرف مهلت یک ماه از تاریخ انقضای مهلت فرجامی یا قطعی شدن قرار ردّ دادخواست فرجامی، تقاضای فرجام کند.

نکته ۵۶۰: دیوان در مقام انطباق یا عدم انطباق رأی فرجام خواسته با قانون، باید قوانین حاکم در زمان صدور رأی فرجام خواسته را ملاک قرار دهد.

نکته ۵۶۱: اگر قرار از دادگاه بدوی صادر و در دادگاه تجدیدنظر تأیید شود و دیوان آن را نقض کند، پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه بدوی می‌فرستد (چون در دادگاه بدوی رسیدگی ماهیّتی شده است).

نکته ۵۶۲: رسیدگی خارج از نوبت در دیوان در دو حالت است:

۱. به موجب قانون باشد.

۲. به تشخیص رییس دیوان عالی کشور

اعتراض شخص ثالث

نکته ۵۶۳: اعتراض شخص ثالث اصلی، عبارت است از اعتراض شخص ثالث نسبت به رأیی که محل حقوق شخص ثالث است و باید به موجب دادخواست به آخرین دادگاه صادرکننده رأی مورد اعتراض تقدیم شود.

نکته ۵۶۴: در اعتراض شخص ثالث، قاضی صرفاً به جهاتی که قبلاً مورد قضاوت گرفته رسیدگی می‌کند نه مسائل جدید. بنابراین طرح دعاوی طاری (تقابل، ورود ثالث و جلب ثالث) میسر نیست.

نکته ۵۶۵: اعتراض ثالث طاری، عبارت است از اعتراض یکی از طرفین دعوا به رأیی که قبلاً در یک دادگاه صادر شده و طرف دیگر در حین دادرسی، برای پیروزی در دعوی مطروحه آن را ابراز و به آن استناد می‌کند.

نکته ۵۶۶: اعتراض ثالث طاری، در دادگاهی به عمل می‌آید که رأی مورد اعتراض در آنجا ابراز شده است و نیازمند تقدیم دادخواست نیست و به صرف ابراز و یا اعلام، کفایت می‌کند.

نکته ۵۶۷: اعتراض ثالث طاری، توسط دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی، رسیدگی می‌شود لیکن اگر رأی مورد اعتراض از دادگاهی با درجه‌ی بالاتر صادر شده باشد معترض مراتب را به دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوای اصلی اعلام می‌کند و ظرف مدت بیست روز نسبت به تقدیم دادخواست اقدام می‌نماید.

نکته ۵۶۸: اعتراض شخص ثالث، علی‌الاصول موجب تأخیر اجرای حکم نمی‌شود مگر آنکه جبران ضرر و زیان ناشی از اجرای حکم میسر نباشد، که در این صورت با درخواست معترض ثالث و پس از اخذ تأمین مناسب، قرار تأخیر اجرای حکم برای مدت معین صادر می‌شود و پس از انقضای مدت، تمدید آن بلامانع است.

نکته ۵۶۹: قرار تأخیر اجرای حکم، اگر به واسطه‌ی اعاده دادرسی یا فرجام‌خواهی صادر شود، دارای مدت معین نیست.

نکته ۵۷۰: اعتراض شخص ثالث، ناظر بر رأی است و رأی اعم است از حکم و قرار.

نکته ۵۷۱: هر گونه رأی که از دادگاه عمومی و تجدیدنظر صادر شود، امکان اعتراض ثالث نسبت به آن میسر است.

نکته ۵۷۲: آرای دیوان عالی کشور، قابلیت اعتراض شخص ثالث ندارد. چون رسیدگی به اعتراض شخص ثالث، مستلزم دادرسی در ماهیت است، در حالی که در دیوان عالی کشور رسیدگی ماهیتی انجام نمی‌شود.

نکته ۵۷۳: اگر رأیی در دیوان عالی کشور ابرام شده باشد، اعتراض شخص ثالث به همان شعبه دیوان تقدیم می‌شود و اگر شعبه دیوان آن را پذیرفت آن را به دادگاه تالی می‌فرستد و به نوعی اجازه‌ی نقض رأی دیوان را هم می‌دهد.

نکته ۵۷۴: اعتراض شخص ثالث از طرق فوق‌العاده شکایت از آراء است که اثر تعلیقی بر اجرای حکم ندارد.

نکته ۵۷۵: در هر دعوا (خواهان، خوانده، وارد ثالث و مجلوب ثالث) اصحاب دعوا محسوب می‌شوند و حق اعتراض ثالث ندارند.

نکته ۵۷۶: اگر دادخواست شخص ثالث رد شود، او می‌تواند به عنوان ثالث، به رأی اعتراض کند زیرا در دادرسی به عنوان اصحاب دعوا شرکت نداشته است.

نکته ۵۷۷: هر گاه اصحاب دعوای رأی مورد اعتراض، متعدد باشند، معترض ثالث نمی‌تواند فقط بعضی از آنها را طرف دعوا قرار دهد مگر آنکه موضوع دعوا قابل تفکیک یا تجزیه باشد.

نکته ۵۷۸: مرجع صالح جهت رسیدگی به اعتراض ثالث، همواره آخرین دادگاه رسیدگی‌کننده به ماهیت دعوا است. در نتیجه اگر حکمی در دادگاه تجدیدنظر عیناً تأیید شود، مرجع رسیدگی به اعتراض ثالث، دادگاه تجدیدنظر خواهد بود.

نکته ۵۷۹: اعتراض شخص ثالث، مقید به مهلت خاصی نیست. چون اگر اصل حق از بین نرفته باشد چه قبل از

اجرا و چه بعد از اجرای حکم، اعتراض ثالث میسر است.

نکته ۵۸۰: اعتراض شخص ثالث، نسبت به قرارها محدود به قرارهای قاطع نمی‌باشد بلکه کلیه قرارها اعم از قاطع، اعدادی، تأمینی و... قابل اعتراض ثالث هستند.

نکته ۵۸۱: چنانچه نسبت به حکم بدوی، درخواست تجدیدنظر شده باشد، اعتراض ثالث در دادگاه بدوی مسموع نمی‌باشد و ثالث باید در دعوای تجدیدنظر به عنوان ثالث وارد شود.

نکته ۵۸۲: دادخواست اعتراض ثالث، می‌بایست به طرفیت محکوم‌له و محکوم‌علیه حکم مورد اعتراض تقدیم گردد.

اعاده دادرسی

نکته ۵۸۳: اعاده‌ی دادرسی از طرق فوق‌العاده شکایت از احکام است که صرفاً نسبت به احکام قطعیته یافته میسر است.

نکته ۵۸۴: اعاده‌ی دادرسی یک شیوه‌ی عدولی است و در نتیجه از استثنائات قاعده‌ی فراق دادرسی است.

نکته ۵۸۵: اعاده‌ی دادرسی اصلی، در حالتی است که درخواست‌کننده اعاده دادرسی در آخرین دادگاه رسیدگی‌کننده به ماهیت دعوا، با تقدیم دادخواست، درخواست اعاده دادرسی می‌نماید.

نکته ۵۸۶: اعاده‌ی دادرسی طاری، در حالتی است که یکی از طرفین دعوا در اثنا دادرسی به حکمی استناد کند و طرف مقابل از آن درخواست اعاده‌ی دادرسی نماید.

نکته ۵۸۷: وقتی اعاده‌ی دادرسی به عمل می‌آید، قاضی باید بدو جهت اعاده‌ی دادرسی را بررسی کند و اگر آن را پذیرفت، قرار قبولی اعاده‌ی دادرسی را صادر می‌نماید.

نکته ۵۸۸: با صدور قرار قبولی اعاده‌ی دادرسی، اگر محکوم‌به غیرمالی باشد، اجرای حکم متوقف می‌شود.

نکته ۵۸۹: با صدور قرار قبولی اعاده‌ی دادرسی، چنانچه محکوم‌به مالی باشد، اجرای حکم منوط است به سپردن تأمین از سوی محکوم‌له.

نکته ۵۹۰: اعاده‌ی دادرسی، مستلزم رسیدگی در ماهیت است. بنابراین نمی‌توان نسبت به رأی دیوان عالی کشور درخواست اعاده‌ی دادرسی نمود.

نکته ۵۹۱: اما اگر نسبت به یک حکم قطعیته یافته درخواست اعاده‌ی دادرسی بشود، در حالی که قبلاً مورد رسیدگی فرجامی قرار گرفته است، درخواست به شعبه‌ی دیوان تقدیم و شعبه‌ی دیوان حسب مورد آن را به دادگاه بدوی یا تجدیدنظر ارسال می‌نماید تا اعاده‌ی دادرسی به عمل آید.

نکته ۵۹۲: اگر حکمی در دادگاه بدوی قطعیته یافته باشد، مرجع اعاده‌ی دادرسی، همان دادگاه بدوی است.

نکته ۵۹۳: اگر حکمی در دادگاه تجدیدنظر و با حکم آن مرجع قطعیته یابد، مرجع اعاده‌ی دادرسی همان دادگاه تجدیدنظر است حتی اگر حکم بدوی را عیناً تأیید کرده باشد.

نکته ۵۹۴: کسی که می‌خواهد اعاده‌ی دادرسی کند، الزاماً باید یکی از جهات اعاده‌ی دادرسی مندرج در ماده ۴۲۶ را بیان کند.

نکته ۵۹۵: جهات اعاده دادرسی ۹ مورد است: یک مورد مربوط به تشخیص رییس قوه قضاییه دایر بر غیرشرعی بودن رأی دادگاه است؛ یک مورد دیگر آن موضوع ماده ۲۲۷ ق.آ.د.م است و ۷ مورد دیگر مربوط به بندهای ماده ۴۲۶ ق.آ.د.م است.

نکته ۵۹۶: مهلت اعاده‌ی دادرسی برای اشخاص مقیم، ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه می‌باشد که نسبت به آرای حضوری قطعی، از تاریخ ابلاغ و نسبت به آرای غیابی، از تاریخ انقضای مهلت واخواهی و درخواست تجدیدنظر محاسبه می‌گردد.

نکته ۵۹۷: اگر جهت اعاده‌ی دادرسی، مغایر بودن دو حکم باشد، ابتدای مهلت از تاریخ ابلاغ آخرین حکم است.

نکته ۵۹۸: اگر جهت اعاده‌ی دادرسی، جعل و تقلب باشد، مهلت بیست روز از تاریخ ابلاغ حکم نهایی مربوط به جعل، حيله و تقلب محاسبه می‌گردد.

نکته ۵۹۹: اگر جهت اعاده‌ی دادرسی، مکتوم بودن اسناد باشد، مهلت بیست روز از تاریخ اطلاع از وجود اسناد، محاسبه می‌گردد.

نکته ۶۰۰: اگر قاضی درخواست اعاده‌ی دادرسی را بپذیرد، حکم قبلی خود را نقض و رأی مقتضی صادر می‌کند مگر اینکه جهت اعاده‌ی دادرسی مغایر بودن دو حکم باشد که همیشه، حکم دوم نقض می‌شود.

نکته ۶۰۱: اگر در دو پرونده با موضوع واحد و سبب واحد و اصحاب واحد، دو حکم متعارض از یک دادگاه صادر شده باشد، از حکم صادره هم می‌توان اعاده‌ی دادرسی نمود و هم فرجام‌خواهی.

نکته ۶۰۲: اگر در دو پرونده با موضوع واحد و سبب واحد، اصحاب واحد، دو حکم متعارض از دو دادگاه صادر شده باشد، فقط از موجبات فرجام‌خواهی است.

نکته ۶۰۳: حيله و تقلب طرف دعوا در صورتی از جهات اعاده‌ی دادرسی است که در حکم دادگاه مؤثر باشد و به موجب رأی نهایی اثبات شده باشد.

نکته ۶۰۴: رأیی نهایی محسوب می‌گردد که قابل واخواهی، تجدیدنظر و فرجام نباشد.

نکته ۶۰۵: جعلی بودن اسناد در صورتی از جهات اعاده‌ی دادرسی است که به موجب رأی نهایی جعلی بودن سند، اثبات شده باشد.

نکته ۶۰۶: اعاده‌ی دادرسی از جهات فوق‌العاده شکایت از رأی می‌باشد و جهات اعاده‌ی دادرسی مذکور در ماده ۴۲۶ قانون آئین دادرسی مدنی، حصری محسوب می‌گردند.

نکته ۶۰۷: اعاده‌ی دادرسی، دارای اثر انتقالی مطلق نیست بلکه اثر انتقالی آن محدود به همان جهتی است که در دادخواست اعاده‌ی دادرسی ذکر شده است.

نکته ۶۰۸: دعاوی طاری، یعنی جلب ثالث، ورود ثالث و دعوی تقابل در اعاده دادرسی ممکن نیست.

نکته ۶۰۹: نسبت به رأی داور، اعاده دادرسی میسر نیست مگر در دادرسی بین‌المللی.

نکته ۶۱۰: اعاده دادرسی، دارای اثر تعلیقی محدود و مقید است. یعنی به صرف درخواست اعاده دادرسی، اثر تعلیقی ندارد بلکه قبول آن دارای اثر تعلیقی است.

نکته ۶۱۱: قرار قبولی در دو مورد صادر می‌شود:

۱. در اعاده دادرسی

۲. در واخواهی خارج از موعد

نکته ۶۱۲: اگر واخواهی خارج از مهلت انجام شده باشد، قاضی ابتدا بررسی می‌کند که آیا واخواهی خارج از مهلت، مستند به عذر موجهی بوده است یا خیر. اگر مستند به عذر موجه باشد، قرار قبولی صادر می‌کند و اگر واخواه عذر موجه نداشته باشد، واخواهی از همان ابتدا رد می‌شود.

نکته ۶۱۳: قرار قبولی، دادنامه نمی‌شود، به طرفین ابلاغ نمی‌شود و قابل اعتراض هم نیست.

نکته ۶۱۴: نسبت به یک حکم، به واسطه‌ی یک جهت، فقط می‌توان یک بار درخواست اعاده دادرسی نمود اما نسبت به سایر جهات، اعاده دادرسی امکان‌پذیر است.

نکته ۶۱۵: اگر پس از صدور حکم و قطعیت آن، محکوم‌له فوت کند درخواست اعاده دادرسی علیه ورثه او مجاز است.

نکته ۶۱۶: در اعاده دادرسی غیر از طرفین دعوا، شخص دیگری به هیچ عنوان نمی‌تواند داخل دعوا شود.

نکته ۶۱۷: رأیی که براساس اعاده دادرسی صادر می‌شود، تابع قواعد عام قانون دادرسی مدنی بوده و قابل تجدیدنظر و حسب مورد قابل فرجام می‌باشد.

مواعد

نکته ۶۱۸: موعده عبارت از دوره‌ی زمانی خاصی است که در آن مدت، قاضی، وکیل، اصحاب دعوا و یا شخص ثالثی که در ارتباط با دادرسی مدنی است مثل کارشناس یا داور باید عملی را انجام دهد.

نکته ۶۱۹: اگر مدت زمان موعده را خود قانون‌گذار مشخص کرده باشد به آن موعده قانونی می‌گویند مثل اینکه قانون مهلت اعتراض واخواهی، تجدیدنظر و فرجام را بیست روز اعلام کرده است.

نکته ۶۲۰: اگر در خود قانون، اصل مهلت مقرر شده باشد اما مدت آن تعیین نشده باشد، دادگاه مدت را تعیین می‌کند که به آن موعده قضایی می‌گویند مثل مهلت اعلام نظر کارشناس.

نکته ۶۲۱: در احتساب مواعد، روز ابلاغ و روز اقدام محاسبه نمی‌شود.

بخش چهارم

نکات مهم حقوق تجارت

ورشکستگی

نکته ۸۲۴: مقررات ورشکستگی فقط مختص به تجار است اعم از حقیقی یا حقوقی (شرکتها و حتی تعاونیها). توقف از سوی غیرتاجر تحت عنوان افلاس رسیدگی می شود (اعسار). وفق ماده ۵۱۲ ق.آ.د.م از تاجر، دادخواست اعسار پذیرفته نمی شود. کسبه‌ی جزء مشمول مقررات ورشکستگی نیستند و باید درخواست اعسار کنند.

نکته ۸۲۵: تاجری که مدعی اعسار نسبت به هزینه‌ی دادرسی می باشد باید برابر مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی دهد. کسبه‌ی جزء مشمول این ماده نخواهند بود.

نکته ۸۲۶: **تأثیر صدور حکم ورشکستگی شرکت بر شرکای شرکت:** ورشکستگی شرکت تضامنی، ملازمه‌ی قانونی با ورشکستگی شریک ندارد مگر آنکه شرکت منحل شود و طلبکار به شریک مراجعه نماید و شریک از پرداخت طلب عاجز باشد و شخصاً نیز تاجر باشد و طلبکار طرح دعوی نماید و دادگاه توقف شریک تاجر را احراز نماید و حکم به ورشکستگی شریک دهد.

نکته ۸۲۷: صرف عدم پرداخت دین، موجب توقف است و استمرار عدم امکان پرداخت تا زمان صدور حکم ملاک نیست.

نکته ۸۲۸: توقف در پرداخت دیون اعم از دیون مدنی یا تجاری ضابطه‌ی ورشکستگی می باشد اما توقف در پرداخت دینی را می توان ملاک توقف قرار داد که مسلم و منجز باشد اعم از آنکه دین مربوط به امور تجاری یا غیرتجاری باشد. در نتیجه اگر دینی موجب باشد توقف از پرداخت سالبه به انتفاع موضوع است و دینی هم که محل اختلاف باشد و محتاج رسیدگی قضایی باشد، عدم پرداخت آن موجب توقف نمی باشد مگر آنکه ادعای تاجر رد شده و دین وی ثابت شود و تاجر از پرداخت آن و اجرای حکم استنکاف ورزد.

نکته ۸۲۹: توقف در تعهدات غیر مالی مانند تعهد به انجام امری نمی تواند ضابطه‌ی توقف باشد اما در صورتی که تاجر از انجام تعهد مانند شرط فعلی که ضمن عقد بوده خودداری کرده و وفق ماده ۲۳۸ قانون مدنی، محکوم به پرداخت مابه ازای مالی آن شده باشد - یعنی دادگاه حکم به انجام تعهد به وسیله‌ی متعهد له و به هزینه‌ی متعهد داده باشد - و تاجر از تأدیه و پرداخت محکوم به استنکاف ورزد، می تواند اماره ای بر توقف وی باشد.

نکته ۸۳۰: شرط پذیرش دعوی ورشکستگی، توقف در زمان معامله یا زمان سررسید بدهی است نه زمان طرح دعوا. در نتیجه اگر تاجر در زمان سررسید یا معامله متوقف باشد و پس از آن در حین رسیدگی امکان پرداخت داشته باشد، قانوناً حکم ورشکستگی صادر می شود و تاجر می تواند متعاقباً درخواست اعاده‌ی اعتبار کند. البته در روبه قضایی چنین امری واقع نمی شود.

نکته ۸۳۱: تاریخ توقف تاریخ وقفه در ادای دیون است و محدودیتی ندارد و می تواند یک ماه یا یک سال یا ۱۰ سال قبل از تاریخ رسیدگی دادگاه باشد و طلبکاران می توانند نظر خود را راجع به این تاریخ بیان کنند و وفق ماده ۵۳۸ ق.ت.پس از انقضای مدتی که برای تشخیص و تصدیق طلب طلبکاران تعیین می شود دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکاران راجع به تعیین تاریخ توقف قبول نمی شود.

نکته ۸۳۲: اگر ورشکستگی راجع به تاجر متوفی باشد و دادگاه تاریخی را جهت توقف اعلام نکرده باشد، تاریخ فوت، تاریخ توقف محسوب می‌شود.

نکته ۸۳۳: اعلام توقف از سوی ورثه‌ی تاجر و طلبکاران و دادستان اختیاری است اما از سوی خود تاجر، اجباری است.

نکته ۸۳۴: وفق قانون تاجر باید ظرف سه روز از توقف، توقف خود را به دادگاه اعلام و صورت حساب دارایی و دفاتر تجاری خود شامل تقویم کلیه اموال و قروض و مطالبات و صورت نفع و ضرر و مخارج شخصی را به دفتر دادگاه تسلیم نماید. ضمانت اجرای تخلف از این حکم، می‌تواند منجر به صدور حکم ورشکستگی شود (**ورشکستگی به تقصیر اختیاری = دادگاه مخیر به محکوم نمودن تاجر به ورشکستگی به تقصیر می‌شود**).

نکته ۸۳۵: در مورد شرکت‌ها این وظیفه برعهده‌ی مدیران شرکت است. توجه کنید که این اعلام ماهیتاً اقرار نیست بلکه برعکس ممکن است بر اساس سوء نیت تاجر، اظهار به امری باشد که به نفع خود و به ضرر دیگری (یعنی طلبکاران) باشد در نتیجه دلیل قطعی نیست و دادگاه باید دقیقاً بررسی کند.

نکته ۸۳۶: وفق ماده ۱۴۵ ق.آ.د.م در صورتی که خواهان دعوی مدنی از اتباع بیگانه باشد باید به درخواست خوانده ایرانی تأمین مناسب بسپارد ولی در خصوص دعوی علیه متوقف به استناد بند ۵ همان ماده چنین الزامی وجود ندارد و خوانده‌ی دعوی توقف-تاجر ایرانی- نمی‌تواند از خواهان تبعه خارجه- طلبکار- درخواست تأمین اتباع بیگانه کند.

نکته ۸۳۷: وفق مواد ۲۱ و ۲۲ ق.آ.د.م دادگاه صالح برای رسیدگی دادگاه حقوقی محل اقامت تاجر است و در مورد شرکت‌ها مرکز اصلی شرکت ملاک است.

نکته ۸۳۸: دادخواست از سوی طلبکاران، به طرفیت تاجر طرح می‌شود و اگر تاجر وفق وظیفه قانونی خود اقدام به اعلام توقف نموده باشد باید دعوا را به طرفیت طلبکاران و دادستان طرح کند.

نکته ۸۳۹: این دعوا غیرمالی است. پس هزینه طرح دعوا معادل ۵۰ هزار ریال می‌باشد.

نکته ۸۴۰: وفق ماده ۴۹۶ ق.آ.د.م دعوی ورشکستگی قابل ارجاع به داوری و همچنین قابل رسیدگی در شوراهای حل اختلاف نیست.

نکته ۸۴۱: وفق ماده ۴۵۸ ق.ت نسبت به تمام دعوی که هیأت طلبکارها در آن ذینفع می‌باشند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعوی مزبوره راجع به اموال غیرمنقول باشد و در این مورد تاجر ورشکسته باید احضار شده باشد.

نکته ۸۴۲: وفق ماده ۴۵۹ اگر موضوع صلح قابل تقویم نبوده یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم‌الاجراء نخواهد بود مگر اینکه محکمه آن صلح را تصدیق نماید در موقع تصدیق صلح‌نامه تاجر ورشکسته احضار می‌شود و در هر صورت مشارالیه حق دارد که به صلح اعتراض کند. اعتراض ورشکسته در صورتی که صلح راجع به اموال غیرمنقول باشد برای جلوگیری از صلح کافی خواهد بود تا محکمه تکلیف صلح را معین نماید.

ورشکستگی به تقصیر اجباری:

نکته ۸۴۳: بند ۱) ولخرجی و بی کفایتی در مخارج شخصی یا مخارج خانه تاجر ورشکسته در ایام عادی

نکته ۸۴۴: بند ۲) ریسک غیرمنطقی و بی حساب تاجر

نکته ۸۴۵: بند ۳) خرید گران برای معلوم نشدن کمبودهای تجاری وی یا فروش ارزان برای به دست آوردن نقدینگی یا قرض گرفتن یا صدور برات سازشی یا وام های با نرخ بهره بالا یا گرفتن ربا.

نکته ۸۴۶: بند ۴) ترجیح دادن یکی از طلبکارها پس از تاریخ توقف بر سایر طلبکاران و پرداخت طلب وی.

ورشکستگی به تقصیر اختیاری:

نکته ۸۴۷: بند ۱) برعهده گرفتن تعهدات مالی دیگری بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت نماید. با توجه به اینکه پذیرش اینگونه تعهدات با وضع وی فوق العاده و خارج از اصول تجاری می باشد مانند قبول ضمان موجب نقل ذمه بدون اجازه‌ی مضمون عنه.

نکته ۸۴۸: بند ۲) پس از سه روز از تاریخ توقف، آن را با وجود سوء نیت به دادگاه اعلام نکرده است.

نکته ۸۴۹: بند ۳) در صورتی که دفتر نداشته یا دفاتر او ناقص و یا بی ترتیب بوده و یا در صورت دارایی وضعیت حقیقی خود را اعم از قروض و مطالبات به طور صحیح معین نکرده باشد. البته مشروط به اینکه در این موارد مرتکب تقلب نشده باشد.

ورشکستگی به تقلب:

نکته ۸۵۰: بند ۱) مفقود کردن دفاتر تجاری (عمدی و به قصد تقلب).

نکته ۸۵۱: بند ۲) از میان بردن صورتی قسمتی از دارایی تاجر از طریق مواضعه و معاملات صورتی.

نکته ۸۵۲: بند ۳) مخفی کردن قسمتی از دارایی به وسیله‌ی تاجر.

نکته ۸۵۳: بند ۴) بیشتر نشان دادن متقلبانگی بدهی به وسیله‌ی تاجر برای کم کردن سهم گرمایی (غرمای یعنی طلبکاران).

نکته ۸۵۴: اگر از بین بردن تمام یا قسمتی از دارایی تاجر توسط یکی از اقوام ورشکسته و بدون مشارکت

مشاراییه باشد به مجازات مقرر در ماده ۵۵۲ ق.م.ا محکوم می شود یعنی در حکم سرقت است اما اگر این امر از

سوی سایر نزدیکان - غیر از اقوام - باشد و یا اقوام با مشارکت ورشکسته این اقام را بکنند مشمول مجازات مقرر

در ماده ۵۵۱ ق.ت. محکوم می شوند یعنی در حکم ورشکستگی به تقلب است.

صدور حکم ورشکستگی و آثار آن:

نکته ۸۵۵: محجوریت تاجر و متعاقباً منع مداخله وی در کلیه امور مالی: ورشکسته از تاریخ صدور حکم از

مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.

نکته ۸۵۶: ممنوعیت های تاجر شامل اموال موجود و همچنین اموالی که بعد از صدور حکم به دست می آید می باشد

چه ارادی و چه قهری (ارث)

نکته ۸۵۷: تاجر از مداخله در امور مالی دیگران ممنوع نیست.

نکته ۸۵۸: تاجر از مداخله در امور غیر مالی خود و دیگران ممنوع نیست.

نکته ۸۵۹: ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد، به واسطه‌ی اینکه دارایی ورشکسته متعلق حق همه‌ی طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفای حقوق خود به اداره‌ی تصفیه مراجعه نماید.

نکته ۸۶۰: اگر حکمی مالی علیه تاجر صادر شده باشد و در مهلت تجدیدنظر، حکم ورشکستگی وی نیز صادر شود وفق ماده ۳۳۷ ق.آ.د.م، مهلت جدید تجدیدنظرخواهی، از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار در مورد ورشکسته به مدیر تصفیه شروع می‌شود.

نکته ۸۶۱: وفق ماده ۳۳ ق.ا.ا.م هرگاه محکوم علیه بازرگان بوده و در جریان اجرای حکم مالی، ورشکسته شود مراتب از طرف مدیر اجرا به اداره‌ی تصفیه یا مدیر تصفیه اعلام می‌شود تا طبق مقررات راجع به تصفیه امور ورشکستگی اقدام شود.

نکته ۸۶۲: وفق ماده ۴۲۱ همین که حکم ورشکستگی صادر شد **قروض موجل** با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به **قروض حال** مبدل می‌شود. بر همین مبنا وفق ماده ۴۲۲ اگر تاجر ورشکسته سفته صادر کرده باشد یا براتی صادر کرده که قبول نشده یا براتی را قبولی نوشته باشد؛ سایر اشخاصی که مسؤول تأدیه وجه فته طلب یا برات می‌باشند باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند.

نکته ۸۶۳: ضامن وی از این حکم مستثنی است و وفق ماده ۴۰۵ ق.ت قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو اینکه به واسطه‌ی ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجل او حال شده باشد. توجه کنید در این ماده از چک سخنی به میان نیامده و دلیل آن این است که از نظر قانون تجارت چک سندی حال و بی وعده است در نتیجه به محض صدور باید کارسازی (پرداخت) شود.

بطلان برخی معاملات از تاریخ صدور حکم (موضوع ماده ۴۲۳ ق.ت)

نکته ۸۶۴: الف. صلح محاباتی - صلح معوضی که عوض آن ناچیز است - هبه و به طور کلی هر نقل و انتقال **بلاعوض** اعم از این که راجع به عین منقول یا غیرمنقول یا منافع یا حقوق مالی باشد.

نکته ۸۶۵: ب. تأدیه کردن هر قرض اعم از حال یا موجل به هر وسیله که به عمل آمده باشد.

نکته ۸۶۶: ج. هر معامله که مالی از اموال منقول یا غیرمنقول تاجر را **مقید نماید** و به **ضرر** طلبکاران تمام شود منظور معاملاتی مثل رهن است که هر دو شرط مقید شدن و به ضرر طلبکاران را دارد.

نکته ۸۶۷: وفق رای وحدت رویه: ماده ۴۱۷ قانون تجارت حکم ورشکستگی تاجر را موقتاً قابل اجرا شناخته است. در بند ۲ و بند ۳ ماده ۴۲۳ قانون تجارت هم تصریح شده که تأدیه‌ی هر قرض تاجر ورشکسته اعم از حال یا موجل

به هر وسیله که به عمل آمده باشد و هر معامله که مالی از اموال منقول و غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود، باطل و بی اثر است.

نکته ۸۶۸: در هر مورد که بعد از تاریخ توقف، حکمی علیه تاجر متوقف در مورد بدهی او به بعضی از بستانکاران وی صادر و اجرا شود، کلیه عملیات اجرایی و نقل و انتقالات مربوط که متضمن ضرر سایر طلبکاران تاجر ورشکسته می‌باشد مشمول ماده ۴۲۳ قانون تجارت بوده و باطل و بی اعتبار است.

نکته ۸۶۹: استماع دعاوی استرداد: در دعاوی استرداد، خواهان دعوی در زمره‌ی طلبکاران نیست بلکه مالک و خواهان عین است و استرداد آن را از دادگاه می‌خواهد.

نکته ۸۷۰: تاجر حق العمل کار بوده جهت فروش مال خواهان -موضوع مواد ۵۲۹ و ۵۳۱ قانون تجارت- و در حین ورشکستگی، مال التجاره نزد تاجر ورشکسته بوده و مادام که عین آنها کلاً یا جزئاً نزد تاجر ورشکسته موجود باشد قابل استرداد است.

نکته ۸۷۱: هرگاه مال التجاره معامله شده و بین خریدار و تاجر ورشکسته قیمت آن پرداخت نشده باشد، از طرف صاحب مال (فروشنده) قابل استرداد است اعم از اینکه نزد تاجر یا خریدار باشد. به طور کلی هر مال متعلق به دیگری در نزد تاجر ورشکسته، قابل استرداد است.

نکته ۸۷۲: تاجر حق العمل کار جهت خرید بوده است -موضوع ماده ۵۳۰ ق.ت- و مال التجاره‌ای به حساب دیگری خریداری کرده و عین آن موجود است، اگر قیمت آن پرداخت نشده باشد از طرف فروشنده و اگر پرداخت شده باشد از طرف خریدار قابل استرداد است.

نکته ۸۷۳: فروش مال به تاجر موضوع ماده ۵۳۳ قانون تجارت: فردی مال التجاره‌ای به تاجر ورشکسته فروخته لیکن هنوز جنس به تاجر تسلیم نشده و نه به کسی که به حساب او بیاورد (تاجر خود اصیل در معامله بوده)، آن کسی می‌تواند به اندازه‌ی آن که وجه را نگرفته از تسلیم آن امتناع کند. یعنی حق حبس دارد (ماده ۵۳۳ قانون مدنی در خصوص خیار تفریس).

نکته ۸۷۴: اگر مال فروخته شده و به متصدی حمل داده شده باشد تا آن را به تاجر برساند و در این حین تاجر ورشکسته شود، فروشنده می‌تواند استرداد آن را از متصدی حمل بخواهد (مادام که به تاجر تسلیم نشده است) و استرداد کننده باید وجوهی را که به طور علی‌الحساب گرفته یا مساعدتاً از بابت کرایه حمل و نقل و کمیسیون و بیمه تأدیه شده به طلبکارها بپردازد اما اگر تاجر مالی را که به وسیله‌ی متصدی حمل برای وی ارسال شده است به وسیله‌ی بارنامه فروخته باشد و فروش صوری نباشد، دعوی استرداد پذیرفته نیست.

نکته ۸۷۵: طبق ماده ۴۲۴ قانون تجارت: معاملات تاجر به قصد فرار از دین یا برای اضرار به طلبکاران باشد و متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت باشد در این صورت معامله در ظرف دو سال از تاریخ انعقاد قابل فسخ می‌باشد.

نکته ۸۷۶: وفق ماده ۴ ق.ن.ا.م.م هر کس با قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی، مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقیمانده‌ی اموالش برای پرداخت بدهی او

کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهار ماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می‌گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از اموال انتقال گیرنده بابت تادیه‌ی دین استیفا خواهد شد.

نکته ۸۷۷: وفق ماده ۲۱۸ مکرر ق.م هرگاه طلبکار به دادگاه دادخواست داده و دلایل اقامه نماید که مدیون برای فرار از دین قصد فروش اموال خود را دارد، دادگاه می‌تواند قرار توقیف اموال وی را به میزان بدهی او صادر نماید که در این صورت بدون اجازه دادگاه حق فروش اموال را نخواهد داشت.

نکته ۸۷۸: وضعیت معاملات بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی: سه نص قانونی در این باره وجود دارد:

۱. ماده ۴۲۳ قانون تجارت

۲. ماده ۵۵۷ قانون تجارت

۳. ماده ۴۲۶ قانون تجارت (این ماده در هر سه دوره شمول دارد)

نکته ۸۷۹: اصل تساوی بستانکاران: این اصل در خصوص بستانکاران عادی رعایت می‌شود یعنی در طبقه‌ی طلبکارانی که در ردیف غرمای با وثیقه و حق تقدم نیستند.

نکته ۸۸۰: بر مبنای اصل منع اعمال حقوق کاهش دهنده‌ی دارایی، ماده ۴۲۳ قانون تجارت که ناظر به ورشکستگی عادی و به تقصیر است بیان نموده است.

نکته ۸۸۱: از آنجا که تاریخ توقف در صحت قراردادهای تاجر موثر است، تعیین تاریخ توقف نقش تعیین کننده‌ی ای در بطلان یا صحت قراردادها و در نتیجه اموال تاجر خواهد داشت.

نکته ۸۸۲: تاریخ توقف با اعتراض ذینفعان قابل تغییر است.

نکته ۸۸۳: در صورتی در حکم دادگاه، تاریخ توقف تعیین نشده باشد، تاریخ توقف همان تاریخ حکم خواهد بود.

نکته ۸۸۴: در صورتی که امور تصفیه در اداره‌ی تصفیه صورت گیرد تابع قانون اداره‌ی تصفیه امور ورشکستگی و در موارد سکوت، تابع قانون تجارت است ولی در محل هایی که اداره‌ی تصفیه تشکیل نشده و امور تصفیه توسط مدیر تصفیه و عضو ناظر صورت می‌گیرد تابع قانون تجارت است.

نکته ۸۸۵: بر مبنای اصل منع اعمال حقوقی کاهش دهنده‌ی دارایی، ماده ۵۵۷ ق.ت ناظر بر ورشکستگی به تقلب مقرر نموده است: کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد، نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است و طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل دریافت نموده به اشخاص ذیحق مسترد نماید.

نکته ۸۸۶: طبق ماده ۴۲۶ قانون تجارت: چنانچه معامله تاجر صوری یا مسبوق به تبانی باشد، باطل و کن لم یکن می‌باشد.

نکته ۸۸۷: وضعیت معاملات دوره سوم: طبق ماده ۴۱۸ قانون تجارت معاملات تاجر در این دوره، باطل است.

نکته ۸۸۸: وفق رای وحدت وریه شماره ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۴: طلبکاران ورشکسته اعم از این که وثیقه داشته باشند یا نه حق مطالبه‌ی خسارت تاخیر تادیه ایام بعد از تاریخ توقف را ندارند.

نکته ۸۸۹: وفق رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور: چون ورشکسته از تاریخ صدور حکم ورشکستگی به موجب ماده ۴۱۸ قانون تجارت از مداخله در کلیه اموال خود ممنوع است و مدعی خصوصی نیز در صورتی که به اموال او دسترسی داشته باشد به واسطه‌ی این که دارایی ورشکسته متعلق حق همه طلبکاران است حق مداخله نداشته و باید برای استیفا حقوق خود به اداره‌ی تصفیه مراجعه نماید و نمی توان ورشکسته را به استناد آن توقیف کرد. بنا بر این تصمیم شعبه سی ام دادگاه جنحه تهران صحیح و مطابق با موازین قانونی است.

نکته ۸۹۰: طلبکارانی که در دوره اول و دوم طلبکار شده‌اند داخل در صف غرما می‌شود اما طلبکاران دوره سوم (اشخاصی که پس از اعلان حکم ورشکستگی از تاجر طلبکار شوند) داخل در صف غرما نمی‌شوند. این طلبکاران باید منتظر بمانند تاجر بدهی طلبکاران دیگر را بپردازد اگر چیزی ماند بعداً طلب خود را وصول نمایند.

نکته ۸۹۱: عملیات تصفیه و تقسیم: این عملیات شامل پرداخت بدهی های تاجر و وجوه مطالبات و انجام تعهدات و تقسیم اموال باقیمانده است.

نکته ۸۹۲: عملیات تصفیه از طریق دو مجرا صورت می‌گیرد: ۱- مدیر تصفیه ۲- عضو ناظر (البته در شهرهایی که اداره تصفیه است این امور کلاً توسط اداره تصفیه انجام می‌شود).

نکته ۸۹۳: مدیر تصفیه شخصی است که از سوی دادگاه برای انجام امور تصفیه ورشکسته تعیین می‌شود.

نکته ۸۹۴: وفق نظامنامه راجع به مواد ۴۴۰ و ۴۴۱ و... اشخاصی که با تاجر ورشکسته قرابت نسبی یا سببی تا درجه چهارم دارند یا طلبکار ورشکسته هستند نباید به مدیریت تصفیه معین شوند اما قانون ممنوعیتی برای مدیران شرکت در نظر نگرفته است. بنابراین آنها می‌توانند به سمت مدیر تصفیه انتخاب شوند.

نکته ۸۹۵: پس از تعیین مدیر تصفیه اولین وظیفه وی تهیه صورتی از طلبکاران احتمالی تاجر ورشکسته است.

نکته ۸۹۶: تهیه صورت مزبور پس از پایان مهلت ۲۰ روزه اعتراض به تاریخ توقف می‌باشد (موضوع ماده ۵۳۸ ق.ت).

نکته ۸۹۷: صورت مزبور را مدیر تصفیه با مراجعه به صورت قروضی که تاجر متوقف مطابق ماده ۴۱۴ قانون تجارت می‌دهد و یا بر طبق دستور ماده ۴۴۹ در صورتی که تاجر ورشکسته صورت دارایی خود را تسلیم نموده باشد تنظیم می‌کند.

نکته ۸۹۸: پس از آنکه صورت طلبکاران احتمالی موافق ماده فوق تنظیم گردید، مدیر تصفیه به وسیله‌ی اعلان در مجله‌ی رسمی و لااقل یک روزنامه کثیر الانتشار دیگر **به فاصله پنج روز**، به طلبکاران احتمالی اخطار می‌کند که در مدت های ذیل خود را معرفی کرده و اسناد طلب خود یا سواد مصدق آن را به انضمام فهرستی که کلیه مطالبات آنها را معین می‌نماید به دفتردار محکمه تسلیم کرده قبض دریافت دارند.

نکته ۸۹۹: مدت های مذکور از این قرار است:

الف. برای طلبکاران مقیم در مقر دادگاه **یک ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.

- ب. برای طلبکاران مقیم در سایر نقاط ایران **دو ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.
- ج. برای طلبکاران مقیم در خارج **سه ماه** از تاریخ نشر آخرین اعلان.
- نکته ۹۰۰:** تشخیص مطالبات طلبکارها در ظرف سه روز از تاریخ انقضای مهلت مذکور شروع شده و بدون وقفه در محل و روز و ساعتی که از طرف عضو ناظر معین می‌گردد تعقیب می‌شود.
- نکته ۹۰۱:** وفق ماده ۴۶۷ اگر طلب مسلم و قبول شد، مدیر تصفیه در روی سند عبارت "جزو دیون منظور شد" را نوشته، امضاء نموده و عضو ناظر نیز آن را تصدیق می‌کند.
- نکته ۹۰۲:** هر طلبکار باید در ظرف مدت و به ترتیبی که به موجب نظامنامه وزارت عدلیه معین می‌شود التزام بدهد طلبی را که اظهار کرده طلب حقیقی و بدون قصد استفاده نامشروع می‌باشد.
- نکته ۹۰۳:** وفق ماده ۴۶۴ ق.ت هر طلبکاری که طلب او تشخیص یا جز صورت حساب دارایی منظور شده می‌تواند در حین تشخیص مطالبات سایر طلبکارها حضور به هم رسانیده و نسبت به طلبهایی که سابقاً تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است اعتراض نماید. همین حق را خود تاجر ورشکسته هم خواهد داشت.
- نکته ۹۰۴:** **طلب تصدیق شده:** طلبی است که اداره‌ی تصفیه آن طلب را قبول نموده است و طلبکاران دیگر به آن اعتراض نکرده‌اند.
- نکته ۹۰۵:** **طلب موقت قبول شده:** طلبی است که اداره‌ی تصفیه طلب را قبول نموده ولی یک یا چند نفر از طلبکاران بدان اعتراض کرده‌اند. معترض به هزینه خود اقامه‌ی دعوی می‌کند. اگر دعوی محکوم به رد شد هزینه از کیسه معترض رفته است ولی اگر حکم به نفع خواهان صادر شود از آن طلب اعتراض شده تا حد طلب معترض به ایشان به عنوان پاداش داده می‌شود و هزینه‌ی دعوی نیز به وی مسترد می‌شود.
- نکته ۹۰۶:** طلبکارانی که رهینه دارند فقط در صورت غرما برای یادداشت قید می‌شوند.
- نکته ۹۰۷:** اعتراض به صورت مطالبات از سوی طلبکارانی که طلبشان جزء صورتی دارایی تشخیص شده یا فعلاً در تحت رسیدگی است و تاجر ورشکسته پذیرفته می‌شود.
- نکته ۹۰۸:** هرگاه در قبال طلبی اموال شخص ثالثی در رهن بوده باشد، این قسمت جزو بستانکاری های عادی ثبت خواهد شد.
- نکته ۹۰۹:** در صورتی که مال مورد رهن قبل از تقسیم وجوه حاصله به فروش رسیده و بستانکار به حق خود برسد صاحب مال جانشین بستانکار شناخته شده و در سهم بندی به همان نسبت شرکت خواهد کرد.
- نکته ۹۱۰:** مدیر تصفیه می‌تواند با اجازه‌ی عضو ناظر طلب طلبکاران دارای رهینه را داده و شیء مرهون را از رهن خارج و جزء دارایی تاجر منظور کند.
- نکته ۹۱۱:** وفق ماده ۴۴۳ ق.ت اگر مهر و موم قبل از تعیین مدیر تصفیه به عمل نیامده باشد مدیر مزبور تقاضای انجام آن را از عضو ناظر خواهد نمود.

نکته ۹۱۲: مدیر تصفیه ظرف ۱۵ روز از تاریخ مأموریت خود خلاصه‌ای از وضعیت ورشکستگی و علل و اوضاعی که موجب آن شده و نوع ورشکستگی را به تشخیص خود تهیه و به عضو ناظر می‌دهد و عضو ناظر فوراً آنرا به مدعی العموم تسلیم می‌کند.

نکته ۹۱۳: فروش اشیایی که ممکن است قریباً ضایع شده و یا کسر قیمت حاصل کند و اشیایی که نگاه داشتن آنها مفید نیست و همچنین به کار انداختن سرمایه تاجر ورشکسته با اجازه‌ی عضو ناظر توسط مدیر تصفیه انجام می‌شود.

نکته ۹۱۴: مدیر تصفیه می‌تواند با تصویب عضو ناظر تقاضای استرداد اموال شخص ثالث را قبول نماید و در صورت اختلاف محکمه پس از استماع عقیده‌ی عضو ناظر حکم مقتضی را می‌دهد.

نکته ۹۱۵: نسبت به تمام دعاوی که هیات طلبکاران در آن ذینفع هستند، مدیر تصفیه با اجازه‌ی عضو ناظر می‌تواند دعوی را به صلح خاتمه دهد اگر چه دعاوی راجع به اموال غیر منقول باشد.

نکته ۹۱۶: اگر موضوع صلح قابل تقویم نباشد یا بیش از پنج هزار ریال باشد، صلح لازم الاجرا نخواهد بود مگر اینکه دادگاه آن را تصدیق کند.

نکته ۹۱۷: وجوهی که توسط مدیر تصفیه دریافت می‌شود در حساب مخصوصی در صندوق دادگستری تسلیم می‌شود. وجوه مزبور مسترد نمی‌گردد مگر به حواله‌ی عضو ناظر و تصدیق مدیر تصفیه.

نکته ۹۱۸: مدیر تصفیه در آخرین جلسه‌ی مجمع عمومی طلبکارها که برای تصفیه عمل ورشکستگی یا قرارداد ارفاقی منعقد می‌شود صورت مخارج و حق الزحمه‌ی خود و متصدیان امر تصفیه را که از طرف عضو ناظر معین می‌شود به اطلاع طلبکارها می‌رساند صورت مخارج و میزان حق الزحمه در دفتر محکمه تودیع می‌شود و تاجر ورشکسته و طلبکارها می‌توانند اعتراضاتی که نسبت به آن دارند کتبا به مدیر دفتر در ظرف یک هفته تقدیم دارند و محکمه در جلسه‌ی اداری پس از رسیدگی به اعتراضات وارده میزان قطعی آن را معین خواهد نمود.

نکته ۹۱۹: عضو ناظر و وظایف وی: دادگاه ضمن حکم خود یک عضو ناظر تعیین می‌کند. وفق ماده ۴۲۸ عضو ناظر مکلف به نظارت در اداره امور راجعه به ورشکستگی و سرعت جریان آن است.

نکته ۹۲۰: مهر موم: دادگاه در حکم خود امر به مهر و موم نیز می‌دهد و مهر و موم اموال تاجر، توسط عضو ناظر انجام می‌شود. توجه کنید که در صورتی که اداره تصفیه در محل باشد این امر نیز برعهده‌ی اداره‌ی تصفیه است.

نکته ۹۲۱: وفق ماده ۴۳۴ ق.ت.مهر و موم باید فوراً به توسط عضو ناظر به عمل آید مگر در صورتی که به عقیده‌ی عضو مزبور برداشتن صورت دارایی تاجر در یک روز ممکن باشد. در این صورت باید فوراً شروع به برداشتن صورت شود.

نکته ۹۲۲: تعیین روز و محل تشخیص مطالبات: پس از تهیه صورت طلبکاران توسط مدیر تصفیه، تعیین محل و روز و ساعت جلسه جهت تشخیص مطالبات، توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد. همچنین امر و دستور به ابراز دفاتر طلبکارها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.

- نکته ۹۲۳:** تصدیق طلب طلبکاران: پس از امضای مدیر تصفیه و همچنین مستثنا کردن اشیاء ذکر شده در ماده ۴۴۴ قانون تجارت از مهر و موم و رفع توقیف آنها توسط عضو ناظر صورت می‌گیرد.
- نکته ۹۲۴:** رسیدگی به شکایت از عملیات مدیر تصفیه: عضو ناظر باید در ظرف سه روز به شکایت واصله رسیدگی نموده و تکلیف شکایت را معلوم کند. از تصمیم عضو ناظر ممکن است به محکمه شکایت نمود.
- نکته ۹۲۵:** عضو ناظر می‌تواند برحسب شکایت موجه تاجر ورشکسته طلبکارهای او و یا به نظر خود تغییر مدیر تصفیه را از محکمه بخواهد. در صورتی که عضو ناظر در ظرف ده روز به شکایات واصله رسیدگی نکند شاکی می‌تواند به محکمه مراجعه نماید.
- نکته ۹۲۶:** گزارش دادن: گزارش تمامی منازعات و تسلیم گزارش خلاصه وضعیت به دادستان و گزارش برای حل اختلاف در طلب متنازع فیه و گزارش در راستای صدور رأی تصدیق قرارداد ارفاقی توسط عضو ناظر انجام می‌شود.
- نکته ۹۲۷:** تاجر ورشکسته در صورتی که وسیله‌ی دیگری برای اعاشه نداشته باشد می‌تواند نفقه خود و خانواده‌اش را از دارایی خود درخواست کند.
- نکته ۹۲۸:** عضو ناظر نفقه و مقدار آن را با موافقت اکثریت عددی و رقمی طلبکارانی که حق انعقاد قرارداد ارفاقی دارند، تعیین و آن را برای تصویب به محکمه ارائه می‌دهد.
- نکته ۹۲۹:** دعوت از طلبکاران برای مشاوره در انعقاد قرارداد ارفاقی: عضو ناظر **ظرف ۸ روز** از تاریخ موعدی که طلبکاران به صحیح بودن طلب خود التزام می‌دهند (ماده ۴۶۷ ق.ت) توسط مدیر دفتر دادگاه، کلیه طلبکارانی را که طلب آنها تشخیص و تصدیق یا موقتاً قبول شده جهت مشاوره در انعقاد قرارداد دعوت می‌کند.
- نکته ۹۳۰:** تهیه صورت مجلس از کلیه مذاکرات و تصمیمات مجمع عمومی طلبکاران راجع به قرارداد ارفاقی.
- نکته ۹۳۱: قرارداد ارفاقی:** پس از تعیین و مشخص شدن دارایی تاجر ورشکسته - اعم از مثبت و منفی - طلبکاران می‌توانند با ارفاق به تاجری که ورشکستگی وی معلول تقلب نیست قرارداد ارفاقی منعقد کنند تا اجازه‌ی ادامه کار و تجارت به تاجر داده شود.
- نکته ۹۳۲:** قرارداد ارفاقی اولین عقدی است که پس از توقف و صدور حکم ورشکستگی، تاجر آن را منعقد می‌کند.
- نکته ۹۳۳:** با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب **تحت تعقیب** است می‌توان قرارداد ارفاقی تنظیم نمود اما با تاجری که به عنوان ورشکستگی به تقلب **محکوم** شده است **نمی‌توان** قرارداد ارفاقی تنظیم نمود.
- نکته ۹۳۴:** وفق ماده ۴۷۶ قرارداد ارفاقی پس از اجرای مراسم مقرر در قانون امکان پذیر است. مجمع عمومی در محل و روز و ساعت تعیین شده توسط عضو ناظر حضور پیدا می‌کنند.
- نکته ۹۳۵: اشخاص و اکثریت لازم جهت تشکیل و رسمیت جلسه تنظیم قرارداد ارفاقی:**
۱. شخص تاجر ورشکسته شخصاً باید حضور داشته باشد مگر در صورت عذر موجه که می‌تواند وکیل اعزام کند.

۲. عضو ناظر که سمت ریاست جلسه را نیز دارد.

۳. حداقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکاران - یا وکیل آنها - با داشتن حداقل سه چهارم کل مطالبات تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول شده.

نکته ۹۳۶: ترتیب جلسه: مدیر تصفیه گزارش وضعیت ورشکستگی و اقدامات و عملیات صورت گرفته را در جلسه مطرح می کند و به امضای وی و عضو ناظر می رسد و از کلیه مذاکرات عضو ناظر صورت مجلسی تنظیم می کند.

نکته ۹۳۷: اجرای قرارداد ارفاقی: قرارداد ارفاقی برای اینکه لازم الاجرا و معتبر شود باید به تصدیق محکمه برسد.

نکته ۹۳۸: تصدیق محکمه پس از پایان مدت اعتراض به قرارداد ارفاقی انجام می شود (یعنی ظرف یک هفته پس از تنظیم قرارداد ارفاقی).

نکته ۹۳۹: اعتراض به قرارداد ارفاقی: کلیه طلبکارانی که حق شرکت در قرارداد ارفاتی را دارند می توانند ظرف یک هفته از تاریخ انعقاد قرارداد ارفاقی به آن اعتراض کنند. اعتراض به قرارداد ارفاقی به مدیر تصفیه و خود تاجر (هر دو) ابلاغ می شود.

نکته ۹۴۰: اگر اعتراض وارد باشد دادگاه اعتراض را تصدیق نموده و قرارداد ارفاقی کلاً بلااثر می شود ولی اگر اعتراض را وارد نداند، قرارداد ارفاقی را تصدیق می کند و از این زمان قرارداد مذکور معتبر می شود.

نکته ۹۴۱: اثر تصدیق قرارداد ارفاقی: با تصدیق این قرارداد، نسبت به طلبکارانی که قرارداد را تصدیق نموده اند قطعی می شود. به علاوه با تصدیق قرارداد ارفاقی تاجر از حجر خارج می شود و دفاتر و حسابهای تاجر به وی مسترد شده و تاجر فعالیت تجاری خود را از سر می گیرد.

نکته ۹۴۲: تصدیق قرارداد ارفاقی نسبت به طلبکاران معترض و مخالف قرارداد ارفاقی بی اثر است و تاجر باید سهم این گونه طلبکاران را از دارایی زمان توقف پرداخت کند و اینگونه طلبکاران حقی نسبت به دارایی آتیه تاجر ندارند مگر پس از تأدیه تمام طلب طلبکاران موافق و حاضر در قرارداد ارفاقی.

نکته ۹۴۳: اگر طلبکاران مخالف و معترض، ظرف ۱۰ روز از تصدیق قرارداد ارفاقی در دادگاه، آن را امضاء کنند مانند طلبکاران گروه اول می شوند.

نکته ۹۴۴: طرق منتفی شدن قرارداد ارفاقی: ۱- بطلان ۲- فسخ ۳- ورشکستگی مجدد

نکته ۹۴۵: فسخ قرارداد ارفاقی: چنانچه تاجر به شرایط قرارداد ارفاتی عمل نکند، برای فسخ قرارداد می توان علیه وی اقامه دعوی کرد.

نکته ۹۴۶: ابطال قرارداد ارفاقی:

۱. تاجر ورشکسته به تقلب اعلام شود.

۲. بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی معلوم گردد تاجر در میزان دارایی یا قروض خود حيله و تقلب به کار برده و میزان واقعی را بیان نموده است.

بخش پنجم

نکات مهم حقوق مدنی

سایر عقود معین

- نکته ۴۴۱:** هرگاه فردی زمینی را برای زراعت و به مدت معین در اختیار فرد دیگری بگذارد تا حاصل بین طرفین تقسیم شود، عقد مزارعه محقق شده است.
- نکته ۴۴۲:** هرگاه موضوع عقد فوق کاشتن درخت باشد، آن عقد را مغارسه گویند که تابع مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی می‌باشد.
- نکته ۴۴۳:** اصولاً در مزارعه، حصه‌ی طرفین باید به نحو اشاعه باشد اعم از نصف یا ثلث یا ربع و غیره.
- نکته ۴۴۴:** تعیین سهم غیرمشاع برای عامل و مزارع، عقد را باطل نمی‌کند و احکام متناسب با ماهیت خود را دارد. بنابراین احکام مزارعه بر چنین عقدی حاکم نیست.
- نکته ۴۴۵:** در عقد مزارعه می‌توان شرط کرد احد طرفین مال دیگری نیزعلاوه بر حصه‌ی معهود به طرف دیگر تسلیم نماید.
- نکته ۴۴۶:** در عقد مزارعه لازم نیست که متصرف مالک زمین باشد اما باید حتماً مالک منافع باشد یا از طرف مالک حق تصرف در آنرا داشته باشد.
- نکته ۴۴۷:** زمین موضوع عقد مزارعه باید طبق عرف بلد ذاتاً و بصورت بالقوه قابلیت زرع مورد نظر را داشته باشد.
- نکته ۴۴۸:** هرگاه زمین برای بهره برداری به عملیات غیرمتعارف نیاز داشته باشد، عامل حق فسخ خواهد داشت.
- نکته ۴۴۹:** هرگاه زمین از قابلیت انتفاع خارج شود، عقد مزارعه مانند دیگر عقود مستمر پس از انقضاء موضوع عقد در اثناء مدت عقد، منفسخ خواهد شد.
- نکته ۴۵۰:** غصب مورد مزارعه پیش از قبض، موجب حق فسخ برای عامل و پس از قبض بی تأثیر خواهد بود.
- نکته ۴۵۱:** فوت متعاملین از اسباب بطلان عقد مزارعه نیست مگر در صورت قید مباشرت عامل.
- نکته ۴۵۲:** پس از آنکه محصول رسید، عامل مالک سهم خود خواهد شد.
- نکته ۴۵۳:** شرط تملک کل محصول برای هریک از متعاملین، خلاف مقتضای ذات عقد است. بنابراین شرط باطل و مبطل عقد می‌باشد.
- نکته ۴۵۴:** پس از بطلان عقد مزارعه، محصول به طور کلی از آن صاحب بذراست و طرف دیگر به تناسب، مستحق اجرت المثل عمل یا ابزار خود می‌باشد.
- نکته ۴۵۵:** اگر عامل به تعهدات خود عمل نکند، اول به تقاضای مزارع توسط حاکم اجباریه انجام می‌شود و اگر امکانپذیر نشد به خرج عامل تعهد اجرا می‌شود و در غیر این صورت مزارع حق فسخ دارد.
- نکته ۴۵۶:** مزارع مستحق اجرت المثل زمین به عنوان خسارت ناشی از تلف منفعت است حتی اگر مدت عقد منقضی شده و عامل زراعت نکرده باشد.
- نکته ۴۵۷:** ید عامل، امانی است. بنابراین هرگاه بتوان تقصیر عامل را اثبات کرد عامل مسؤول جبران خسارات حاصله ناشی از افراط یا تفریط خود می‌باشد.
- نکته ۴۵۸:** تعهد عامل، تعهد به وسیله است اما می‌توان تعهد به تحقق نتیجه معین را در عقد شرط نمود.
- نکته ۴۵۹:** اگر در عقد مزارعه، زرع معین شرط شده باشد، زراعت غیر از آن سبب بطلان عقد می‌شود و حاصل از آن صاحب بذراست.
- نکته ۴۶۰:** در فسخ عقد مزارعه پیش از انقضای مدت نیز حاصل از آن صاحب بذراست و طرف دیگر مستحق اجرت المثل خواهد بود.
- نکته ۴۶۱:** هرگاه پس از انقضای مدت مزارعه بذر که ملک عامل است در زمین بماند، مزارع مستحق اجرت المثل زمین است.
- نکته ۴۶۲:** در فسخ پس از ظهور محصول، متعاملین مستحق حصه‌ی مقرر بین خود خواهند بود.

نکته ۴۶۳: هرگاه پس از انقضای مدت مزارعه، محصول نرسیده باشد، مزارع مجاز است دو کار انجام دهد:

الف. قلع زرع ب. بقای زرع با اخذ اجرت المثل زمین

نکته ۴۶۴: اگر برای عامل شرط مباشرت نشده باشد، او مجاز است برای زراعت کارگر استخدام کند یا با شخص دیگری شریک شود یا در مقام اجرای تعهدات ناشی از عقد مزارعه، خودبه عنوان مزارع با عامل دیگری قرارداد مزارعه منعقد نماید.

نکته ۴۶۵: هرگاه موضوع عقد، سهم مشاع معینی از میوه، برگ گل و... باشد معامله بین صاحب درخت با عامل راعدمساقات گویند.

نکته ۴۶۶: عقد مساقات قائل به مدت است و ضمانت اجرای عدم تعیین مدت، بطلان عقداست.

نکته ۴۶۷: پس از فسخ یا بطلان عقد مساقات، تمام ثمره ملک مالک درخت است و عامل فقط مستحق اجرت المثل است.

نکته ۴۶۸: عامل نمی تواند در عقد مساقات با دیگری شریک شود یا عقد را به دیگری انتقال دهد (برخلاف عقد مزارعه).

نکته ۴۶۹: هرگاه کسی (مالک) به دیگری (مضارب) برای تجارت کردن سرمایه بدهد باین قید که در سود آن شریک باشند، عقد مضاربه محقق شده است.

نکته ۴۷۰: سرمایه باید لزوماً وجه نقد باشد.

نکته ۴۷۱: حصه‌ی هر یک از مالک و مضارب باید به نحو اشاعه در قالب نصف، ثلث و غیره باشد.

نکته ۴۷۲: هرگاه تمام سود از آن مالک باشد توافق مذکور مضاربه نخواهد بود.

نکته ۴۷۳: حصه‌ی هر یک از متعاملین باید معین باشد مگر آن که سکوت طرفین به دلیل معین بودن حصه طبق عرف بلد و منجز باشد.

نکته ۴۷۴: طرق انفساخ عقد مضاربه عبارت است از:

۱- فوت یا حجر احد طرفین (مضارب / مالک)

۲- مفلس شدن مالک سرمایه

۳- تلف کل سرمایه و سود

۴- عدم امکان تجارت

نکته ۴۷۵: عقد مضاربه برخلاف مزارعه و مساقات قائل به مدت نیست.

نکته ۴۷۶: شرط مدت در عقد مضاربه سبب لزوم عقد نمی شود و انعقاد معامله توسط مضارب پس از انقضای مدت عقد، تابع احکام معاملات فضولی است.

نکته ۴۷۷: در مضاربه بدون تعیین نوع تجارت (مضاربه مطلق) عامل در انتخاب نوع تجارت آزاد است اما در انجام طرز آن باید عرف را رعایت کند.

نکته ۴۷۸: مضارب نمی تواند سرمایه مالک را به دیگری انتقال دهد مگر به اذن مالک.

نکته ۴۷۹: هرگاه طبق عرف لازم است اعمالی توسط اجیر انجام شود، مضارب باید اجیر استخدام کند. پس اگر خودش آن کارها را انجام دهد مستحق اجرت اجیر نخواهد بود.

نکته ۴۸۰: مضارب موظف است طبق عرف آنچه برای تجارت لازم است را خودش انجام دهد.

نکته ۴۸۱: تعهد مضارب، تعهد به وسیله است. بنابراین اثبات تقصیر مضارب با مالک است.

- نکته ۴۸۲:** شرط تضمین سرمایه توسط مضارب و شرط عدم توجه خسارت به مالک از شروط باطل و مبطل عقد مضاربه هستند اما شرط تملیک مجانی مال توسط مضارب به مالک به مقدار خسارات یا ضرر صحیح است.
- نکته ۴۸۳:** جعاله عقدی است که در آن جاعل در مقابل انجام عملی ملزم به پرداخت اجرت معلوم می‌شود.
- نکته ۴۸۴:** تعیین عامل در جعاله موضوعیت ندارد.
- نکته ۴۸۵:** شرط اخذ اجرت، رسیدن به نتیجه‌ی مطلوب جاعل است.
- نکته ۴۸۶:** تعهد عامل در عقد جعاله تعهد به نتیجه است.
- نکته ۴۸۷:** انجام موضوع جعاله پیش از ایجاب نیز موجب استحقاق عامل به کسب اجرت می‌باشد.
- نکته ۴۸۸:** انجام موضوع جعاله پیش از ایجاب مقید به آینده موجب عدم استحقاق عامل جهت کسب اجرت است.
- نکته ۴۸۹:** در جعاله، آن کس که ملتزم به پرداخت اجرت است، جاعل نام دارد و کسی که کار را انجام می‌دهد، عامل و اجرت را جعل گویند.
- نکته ۴۹۰:** در جعاله التزام به اجرت، مجهول و مبهم باطل است اما نیاز نیست اجرت از جمیع جهات معلوم باشد لکن اما جعل حداقل باید قابل تعیین باشد.
- نکته ۴۹۱:** ممکن است در جعاله عامل و عمل هر دو مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد و این امر خللی به عقد وارد نمی‌آورد.
- نکته ۴۹۲:** جعاله عقدیست جایز. بنابراین در هر زمان هر یک از جاعل و عامل حق رجوع خواهند داشت.
- نکته ۴۹۳:** هرگاه در اثنای عمل، جاعل رجوع کند، عامل مستحق جعل نیست اما مستحق اجرت المثل از باب جبران خسارت بر مبنای الزامات خارج از قرارداد می‌باشد.
- نکته ۴۹۴:** در صورت فوت یا جنون یکی از طرفین یا انفساخ عقد، هرگاه عمل انجام شده جزئی از مطلوب جاعل باشد، اجرت آن بخش پرداخت می‌شود.
- نکته ۴۹۵:** هرگاه عمل موضوع جعاله، دارای اجزاء متعدد باشد، در صورت فسخ یا انفساخ، تحقق هر یک از اجزاء مطلوب جاعل، موجب استحقاق عامل برای اخذ جعل به نسبت عمل انجام شده خواهد بود.
- نکته ۴۹۶:** هرگاه عامل موضوع جعاله را انجام داد یا تسلیم کرد، آن گاه مستحق جعل (اجرت المسمی) خواهد بود.
- نکته ۴۹۷:** در جعاله به شرکت، هر یک از عاملین به نسبت انجام عمل، مستحق جعل می‌شوند.
- نکته ۴۹۸:** هرگاه عامل، کسی را به عنوان مساعدت دهنده داشته باشد، از اجرت او کم نمی‌شود اما هرگاه کسی با قصد تبرع به عامل کمک کند، آن گاه به همان نسبت از اجرت عامل به نفع جاعل کسر می‌گردد.
- نکته ۴۹۹:** از زمان یافتن مال مورد جعاله تا زمان تحویل به جاعل، ید عامل امانی است.
- نکته ۵۰۰:** هرگاه موضوع عقد جعاله عمل نامشروع یا غیر عقلایی باشد، عقد باطل است.
- نکته ۵۰۱:** اجتماع حقوق مالکین متعهد در شیء واحد مشاع به نحو اشاعه را عقد شرکت گویند.
- نکته ۵۰۲:** امتزاج حقوق شرکاء بدون توجه به منشاء آن، به گونه ای که تشخیص هر یک از دیگری ممکن نباشد، شرط تشکیل شرکت است.
- نکته ۵۰۳:** عقد شرکت ممکن است به دو صورت ارادی یا قهری ایجاد گردد.
- نکته ۵۰۴:** نحوه‌ی ایجاد عقد شرکت به صورت ارادی:

۲- عمل مادی شرکاء مانند مزج اختیاری، قبول مال مشاع به عنوان حق الزحمه و...

نکته ۵۰۵: عقدشُرکت، به صورت قهری، ناشی از دو موضوع است:

۱- امتزاج ۲- ارث

نکته ۵۰۶: شریک مدیر، درحکم امین است زیرا درحین عقد شرکت برای اداره‌ی اموال مشترک مأذون است.

نکته ۵۰۷: هرگاه چند شریک به طورمطلق مأذون دراداره شوند، اصل بر اجتماع آنان است.

نکته ۵۰۸: برای صحت اقدام انفرادی مدیران نیازبه اماره‌ای است مانند اعطای مدیریت درزمانهای متفاوت یا ضمن اعمال حقوقی جداگانه.

نکته ۵۰۹: تصرفات حقوقی یا مادی بدون اذن یا خارج از اذن هریک ازشرکاء، تابع مقررات معاملات فضولی خواهد بود.

نکته ۵۱۰: تصرف حقوقی شریک درسهام اختصاصی خود، صحیح است.

نکته ۵۱۱: شریکی که مال الشرکه درید اوست، درحکم امین است و فقط درصورت تعدی یا تفریط مسؤؤل خواهدبود.

نکته ۵۱۲: شریک غیرمأذون، مسؤؤل معاملات خودبا اشخاص ثالث است و دپان، ناشی از معاملات شریک غیرمأذون، تنها حق مراجعه به اورادارند.

نکته ۵۱۳: اگرمدت عقد شرکت ضمن یک عقدا لازم تعیین نشده باشد، هریک ازشرکاء درهرزمان حق رجوع دارد.(عقدیست جایز).

نکته ۵۱۴: عقدشُرکت، به دو صورت خاتمه می‌یابد:

۱- تقسیم مال شرکت ۲- تلف تمامی مال شرکت

نکته ۵۱۵: تلف جزیی مال شرکت موجب بطلان شرکت نیست و آنچه تلف شده ازمال تمام شرکاء خواهدبود.

نکته ۵۱۶: هرگاه تقسیم موجب بروز ضرر باشد، تنها راه انجام آن تراضی همه‌ی شرکاست.

نکته ۵۱۷: هرگاه تقسیم موجب بروز ضررنباشد و شرکا، نیزتوافق نکنند، حاکم اجباربه تقسیم می‌کند.

نکته ۵۱۸: هرگاه تقسیم برای برخی شرکاء مضر و برای برخی بی ضرر باشد، درصورت تقاضای طرف متضرر، طرف دیگر اجباربه تقسیم می‌شود اما در صورت تقاضای طرف دیگر، شخص متضرر اجباربه تقسیم نمی‌شود.

نکته ۵۱۹: منظور از ضرر درتقسیم مال مشاع، نقصان فاحش قیمت مال مشاع درصورت تقسیم است.

نکته ۵۲۰: هرگاه مال مشاع خراب شده و نیاز به تعمیرداشته باشد و برخی شرکاء برعلیه شرکای دیگر ازتعمیرامتناع کنند، شرکای متضرر می‌توانند به حاکم رجوع کنند:

حالت اول: اگرملک قابل تقسیم باشد، حاکم اجباربه تقسیم می‌کند.

حالت دوم: اگر تقسیم ملک متضمن بروز ضرر باشد، شرکای ممتنع از تعمیریا فروش یا اجاره سهم الشرکه خود، (باهدف رفع موضوع تنازع و دفع ضرر) توسط حاکم اجبار می‌شوند.

نکته ۵۲۱: علیرغم تراضی شرکاء، هرگاه تقسیم موجب ازمالیت افتادن کلی مال یا حصه‌ی هریک از شرکاء گردد تقسیم باطل است.

نکته ۵۲۲: انجام تقسیم به غلط، باطل است و هرگاه درحصه‌ی برخی شرکاء عیبی بوجود بیاید که درحین تقسیم مخفی باشد، ایشان به برهم زدن تقسیم مجاز هستند.

نکته ۵۲۳: هرگاه مال غیردرتمام حصص مفروز به تساوی تقسیم شده باشد، تقسیم صحیح والا باطل است.

نکته ۵۲۴: حق ارتفاق ثالث، مانع از تقسیم ملک نیست و پس ازتقسیم، حق ارتفاق ثالث به حال خود باقی می‌ماند.

- نکته ۵۲۵:** هرگاه پس از تقسیم، مجرا یا ممر، برخی شرکاء در حصه‌ی مختصه برخی دیگر قرار گرفته باشد، این حق ساقط نمی‌شود مگر اسقاط آن شرط شده باشد زیرا شرط اسقاط حقوق ارتفاقی شرکاء به صورت توافقی بین شرکا در تقسیم صحیح است.
- نکته ۵۲۶:** در صورت اثبات مدیونیت متوفی پس از تقسیم ترکه یا تقسیم ترکه پیش از ادای دیون، طلبکار جهت مطالبه‌ی دین، به نسبت سهم هریک می‌تواند به آنها مراجعه کند.
- نکته ۵۲۷:** در صورت اعسار برخی ورثه، سایر ورثه، مسؤؤل پرداخت دین خواهند بود.
- نکته ۵۲۸:** وجود دین، از اسباب بطلان تقسیم نیست.
- نکته ۵۲۹:** ودیعه عقدی است که در آن مودع مال خود را به مستودع می‌سپارد تا مجاناً آن را نگاه دارد.
- نکته ۵۳۰:** ودیعه عقد عینی نیست. بنابراین قبض شرط صحت آن نمی‌باشد.
- نکته ۵۳۱:** ید مستودع امانی است. بنابراین مطابق قاعده تنها اگر تعدی یا تفریط نماید، ضامن می‌باشد.
- نکته ۵۳۲:** شرط پاداش یا حق حفاظت ضمن عقد ودیعه، صحیح می‌باشد.
- نکته ۵۳۳:** مودع و مستودع، مطابق قواعد عمومی قراردادها، باید اهلیت معامله داشته باشند و هرگاه مودع محجور باشد، مستودع باید مال امانی را به ولی او رد نماید. در غیر این صورت در صورت تلف مال، وی ضامن است. اما هرگاه مستودع به لحاظ حمایت از محجور مال را به امانت بگیرد، فقط در صورت تعدی و تفریط ضامن است زیرا مال نزد او امانت شرعی (قانونی) است.
- نکته ۵۳۴:** هرگاه مستودع محجور باشد، فقط در صورت اتلاف و تسبیب در اتلاف، مسؤؤل است.
- نکته ۵۳۵:** هرگاه مستودع مجنون یا صغیر غیر ممیز باشد، مطلقاً مسؤؤل نیست زیرا اقدام مودع قوی تراز مستودع است و سبب اقوی از مباشر می‌باشد و نباید مالش را به شخص فاقد قصد تمیزی بسپارد.
- نکته ۵۳۶:** شرط مدت در ودیعه موجب لزوم آن نمی‌شود فقط به اقتضای اتمام مدت، عقد ودیعه منفسخ خواهد شد.
- نکته ۵۳۷:** تغییر در نحوه‌ی نگهداری مال توسط مستودع به جهت حفظ مال مجاز است ولی اگر مالک هرگونه تغییر را منع کرده باشد، مستودع در صورت انجام هرگونه تغییری ضامن است.
- نکته ۵۳۸:** استفاده از مال ودیعه توسط مستودع، فقط با اجازه‌ی صریح یا ضمنی مودع ممکن است و در غیر این صورت ید امین، ضمانی می‌شود.
- نکته ۵۳۹:** هرگاه اذن در انتفاع، به حفاظت جنبه‌ی فرعی بدهد، عقد ودیعه به عاریه تبدیل می‌شود.
- نکته ۵۴۰:** هرگاه ثالث مال ودیعه را قهراً غصب کند، امین ضامن نیست.
- نکته ۵۴۱:** هرگاه در مقابل غصب، عوضی پرداخت شود، امین موظف است همان را به مودع رد کند اما مودع نیز می‌تواند رد را نپذیرفته و مستقیماً به قاهر رجوع نماید.
- نکته ۵۴۲:** تلف مال ودیعه توسط وارث مستودع، موجب مسؤولیت وارث در نتیجه‌ی الزامات خارج از قرارداد است.
- نکته ۵۴۳:** هرگاه مشخص گردد مال ودیعه مستحق للغیر است، مستودع موظف است آن را به مالک اصلی رد نماید.
- نکته ۵۴۴:** هرگاه مالک حقیقی مال ودیعه مشخص نباشد، موضوع تابع احکام اموال مجهول المالک است.
- نکته ۵۴۵:** ودیعه عقدی است جایز. پس به فوت مودع باطل می‌شود و رد مال، فقط به وراث مودع جایز است.
- نکته ۵۴۶:** پس از فوت مودع مال ودیعه نزد مستودع امانت شرعی است. بنابراین مستودع نباید برای رد مال در انتظار مطالبه مالک باشد.
- نکته ۵۴۷:** هرگاه موضوع ودیعه اموال محجور باشد، پس از رفع حجر رد به او صورت می‌گیرد.

- نکته ۵۴۸:** هرگاه مودع ولی یا قییم باشد، مستودع پس از رفع سمت باید مال ودیعه را رد کند.
- نکته ۵۴۹:** اگر از محجور رفع حجر شده باشد رد مال به او و در غیر اینصورت به قییم یا ولی مؤخر صورت خواهد گرفت.
- نکته ۵۵۰:** هرگاه مال به غیر از عنوان ودیعه در تصرف شخص باشد وقانون مدنی، وی را امین تلقی کند مانند مستأجر، قییم، ولی و... مقررات مستودع بر او حاکم است.
- نکته ۵۵۱:** صاحبان اماکن عمومی نسبت به اشیا و مشتری ها، وقتی مسؤول هستند که اشیا به آنها ایداع شده باشد یا اینکه بر حسب عرف در حکم ایداع باشد.
- نکته ۵۵۲:** مودع، مسؤول هزینه‌ی نگهداری و حفاظت مال و همچنین رد مال می‌باشد.
- نکته ۵۵۳:** عاریه دادن، اذن به مستعیر در انتفاع مجانی، از مال معیر است.
- نکته ۵۵۴:** عاریه و ودیعه، از عقود رایگان و مجانی هستند که البته می‌توان شرط عوض نیز گذاشت.
- نکته ۵۵۵:** معیر باید، اهلیت و حداقل مالکیت منافع یا حق انتفاع مال عاریه را داشته باشد و برای معیر، مالکیت عین مال عاریه، شرط نیست.
- نکته ۵۵۶:** اگر برای صاحب حق انتفاع شرط مباشرت نشده باشد، می‌تواند مال موضوع حق انتفاع را عاریه دهد.
- نکته ۵۵۷:** مستعیر مسؤول نقصان منفعت ناشی از استعمال مال موضوع عاریه نیست مگر در مورد استعمال در غیر موارد اذن.
- نکته ۵۵۸:** در عاریه مطلق، استعمال باید بر اساس عرف انجام گیرد، در غیر اینصورت مستعیر مسؤول خواهد بود.
- نکته ۵۵۹:** اشتراط شرط ضمان، بر مستعیر نافذ است و همچنین شرط ضمان برای نقصان ناشی از استعمال بر مستعیر نیز صحیح است.
- نکته ۵۶۰:** هرگاه موضوع عقد عاریه، طلا و نقره (مسکوک یا غیر مسکوک) باشد، مستعیر به صورت مطلق (بدون اشتراط شرط ضمان) ضامن است و ید وی برخلاف عاریه های دیگر، امانی نبوده و ضمانی می‌باشد.
- نکته ۵۶۱:** مستعیر، جز به اذن معیر نمی‌تواند موضوع عاریه را به تصرف شخص ثالث دهد مگر در صورت عدم دسترسی به معیر، برای احتراز از خطر باشد.
- نکته ۵۶۲:** عقد قرض عبارتست از تملیک عین از طرف مقرض به مقترض که ضمن آن مقترض، متعهد به رد مثل مال موضوع عقد به مقرض می‌شود.
- نکته ۵۶۳:** اگر مثل موضوع عقد موجود نباشد، مقترض باید قیمت یوم الرد را بدهد و اگر مثل موجود باشد اما از مالیت افتاده باشد، مقترض باید آخرین قیمت زمان مالیت داشتن را بپردازد.
- نکته ۵۶۴:** موضوع عقد قرض حتماً باید عین باشد و قرض منفعت یا حقوق صحیح نمی‌باشد.
- نکته ۵۶۵:** موضوع عقد قرض می‌تواند اموال قیمی نیز باشد و نظریه آزادی اراده‌ی متعاملین، آنها می‌توانند مال قیمی را مثلی تلقی کرده و هنگام مطالبه‌ی مثل، قیمت یوم الرد را مطالبه نمایند.
- نکته ۵۶۶:** وکالت عقدی است که به موجب آن شخص به دیگری برای انجام امری اذن و نیابت می‌دهد.
- نکته ۵۶۷:** نظر به لزوم داشتن اهلیت برای انعقاد عقد وکالت، می‌گوییم اعطای وکالت فقط در امور حقوقی امکانپذیر است و قانونگذار وکالت در امور مادی را نپذیرفته است. امکانپذیر است و قانونگذار وکالت در امور مادی را نپذیرفته است.
- نکته ۵۶۸:** وکالت می‌تواند مجانی باشد یا با اجرت.
- نکته ۵۶۹:** وکالت به صورت مطلق، دلالت بر اداره‌ی اموال دارد نه تصرف در آنها.

نکته ۵۷۰: وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد و برای انجام آن اهلیت داشته باشد. پس سفیه می‌تواند برای انجام امور غیرمالی وکیل بگیرد و همچنین ورشکسته نیز می‌تواند برای انجام همه‌ی امور وکیل دیگران باشد چون وی ممنوع از تصرف در اموال خود می‌باشد نه اموال دیگران.

نکته ۵۷۱: وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق و وکیل در بیع، وکالت در اخذ ثمن ندارند مگر آنکه قراین دلالت برخلاف این امر داشته باشد.

نکته ۵۷۲: در فرض تعدد وکلا، اصل بر اجتماع ایشان می‌باشد مگر اینکه استقلال یا ترتیب ایشان تصریح شده باشد.

نکته ۵۷۳: در فرض وکلای استقلالی، اگر یکی از ایشان موضوع مورد وکالت را انجام دهد یکی از موارد زوال وکالت است و دیگر وکالتی برای دیگر وکلا باقی نمی‌ماند اما در فرض وکلای اجتماعی، اگر یکی به تنهایی مورد وکالت را انجام دهد، تنفیذش منوط به رضایت و امضاء دیگر وکلا می‌باشد و دیگران باید آن را تنفیذ نمایند.

نکته ۵۷۴: موارد زوال وکالت عبارتند از:

- ۱- استعفای وکیل
- ۲- عزل وکیل از سوی موکل
- ۳- فوت یا حجر هر یک از طرفین
- ۴- انجام مورد وکالت توسط وکیل یا موکل
- ۵- انجام عملی مغایر با موضوع وکالت توسط موکل
- ۶- از بین رفتن متعلق وکالت
- ۷- انقضای مدت در وکالت‌های موقت

نکته ۵۷۵: عقد ضمان عبارتست از اینکه شخصی مالی را که بر ذمه‌ی دیگری است برعهده بگیرد. متعهد جدید را ضامن، طرف دیگر را مضمون له و شخص ثالث را مضمون عنه یا مدیون اصلی گویند.

نکته ۵۷۶: عقد ضمان به دو نوع ضمان نقل ذمه به ذمه و ضمان ضم ذمه به ذمه تقسیم می‌شود:

الف. ضمان نقل ذمه به ذمه، عقدیست لازم، مسامحه‌ای، رضایی، تبعی و معوض که سبب انتقال دین است و برائت ذمه‌ی مضمون عنه در برابر اشتغال ذمه ضامن است و به موجب آن در برابر توافق ضامن و مضمون له مدیون اصلی بری می‌شود و دین وی بر ذمه‌ی ضامن منتقل می‌شود.

ب. ضمان ضم ذمه به ذمه یا ضمان وثیقه‌ای که عقدیست عهده‌ی رضایی، مسامحه‌ای، مجانی و لازم از طرف ضامن و جایز از طرف مضمون له که به موجب آن برعکس ضمان نقل ذمه به ذمه، دین مدیون اصلی منتقل نمی‌شود بلکه ذمه‌ی ضامن هم به ذمه‌ی وی ضمیمه می‌شود و هر دو در برابر مضمون له مسؤول پرداخت می‌شوند برعکس ضمان نقل ذمه به ذمه که مدیون اصلی بری می‌شود).

نکته ۵۷۷: مقتضای ذات عقد ضمان تعهد به پرداخت دین متعلق به دیگری می‌باشد که خلاف آن قابل تراضی نمی‌باشد.

نکته ۵۷۸: از تعهدات غیرمالی مانند حضانت و تمکین، نمی‌توان ضمانت کرد زیرا این تکالیف قابل انتقال به ذمه‌ی دیگری نیستند.

نکته ۵۷۹: در حالت اطلاق عقد ضمان، اصل بر ضمان نقل ذمه به ذمه و بری شدن مدیون اصلی است و ضمان ذمه به ذمه نیاز به تصریح یا قرینه دارد (در قانون تجارت نیز اصل بر ضمان نقل ذمه به ذمه می‌باشد).

نکته ۵۸۰: عقد ضمان بین ضامن و مضمون له منعقد می‌شود لذا رضایت مضمون عنه در آن شرط نیست.

- نکته ۵۸۱:** مضمون له درضمان ضم ذمه به ذمه می‌تواند سفیه یا صغیر ممیز باشد چون این عقد در حکم تملک بلاعوض می‌باشد و تملکات بلاعوض آنها نیز صحیح می‌باشد.
- نکته ۵۸۲:** ضامن شدن از میت نیز صحیح می‌باشد.
- نکته ۵۸۳:** مالدار بودن ضامن تأثیری در صحت عقد ضمان ندارد و فقط اگر ضامن در هنگام عقد مفلس باشد و مضمون له جاهل به این امر باشد می‌تواند به استنادخیار تخلف از شرط ضمنی عقداً فسخ کند. البته اگر فسخ حادث و پس از عقد باشد، هیچ تأثیری در عقد ندارد و حتی حق فسخ هم به مضمون له نمی‌دهد.
- نکته ۵۸۴:** برای ضمانت فقط کافی است، سبب دین ایجاد شده باشد و از دین بالقوه نیز می‌توان ضمانت کرد (ضمانت از نفقه‌ی آینده زوجه که سبب آن عقد نکاح می‌باشد).
- نکته ۵۸۵:** تعلیق درضمان مانند اینکه ضامن بگوید اگر فلان اتفاق بیفتد من ضامنم، باطل است و ضمانت باید منجز باشد.
- نکته ۵۸۶:** التزام به تأدیه دین باضمان متفاوت است و احکام ضمان بر آن بار نمی‌شود.
- نکته ۵۸۷:** ضمان و نکاح معلق باطل هستند ولی وقف معلق صحیح می‌باشد.
- نکته ۵۸۸:** صلح عقدی است: ۱- لازم ۲- مسامحه‌ای ۳- رضایی ۴- تملیکی (اگر موضوع آن تملیک مال باشد). ۵- معوض یا مجانی ۶- علم اجمالی در آن کافیت.
- نکته ۵۸۹:** ماهیت قرارداد ارفاقی در واقع عقد صلح می‌باشد که در حقوق تجارت نامی خاص دارد.
- نکته ۵۹۰:** صلح مطلقاً عقدیست لازم چه بلاعوض باشد، چه در مقام عقد جایز. یعنی صلح در مقام هبه باز هم عقدیست لازم.
- نکته ۵۹۱:** صلح می‌تواند در مقام هر عقدی واقع شود و نتیجه‌ی آن عقد را بدهد اما احکام خاصی آن عقد بر آن صلح بار نمی‌شود. صلح در مقام بیع با توجه به اینکه نتیجه یکی است و در هر دو نتیجه تملیک است ولی احکام و شرایط خاصه بیع مثل خیارات گانه و حق شفعه در صلح راه ندارد.
- نکته ۵۹۲:** صلح تنازع یا مبنی بر تسامح، قاطع دعواست و حتی به ادعای غبن نمی‌توانند آن را فسخ کنند مگر در صورت تخلف از شرط یا اشتراط خیاری.
- نکته ۵۹۳:** در صلح، طرف معامله یا مورد صلح باید معلوم باشد و اگر در تعیین آن اشتباهی حاصل شود، صلح باطل است زیرا عقدی است مسامحه‌ای که شخصیت طرف معامله علت عمده‌ی عقد می‌باشد.
- نکته ۵۹۴:** هرگاه طرفین با این تصور که بیع انجام شده درست است در مورد اختلافات نسبت به بیع باهم صلح کنند مثل تسلیم یا حق شفعه یا خیاریعیب و... و بعد معلوم شود که بیع از اول باطل بوده است، صلح آنان نیز باطل است زیرا صلح مبتنی بر معامله‌ی باطل است.
- نکته ۵۹۵:** هرگاه بطلان معامله‌ی بین طرفین معلوم باشد و دعوی ناشی از آثار بطلان مثلاً استرداد دو عوض و... به صلح خاتمه پیدا کند صلح ناشی از بطلان معامله، نافذ است و برخلاف صلح مبتنی بر معامله‌ی باطل، می‌باشد.
- نکته ۵۹۶:** عقد رهن، عینی تبعی است. عینی است چون قبض شرط صحت است. تبعی است چون پیش از آن باید دینی وجود داشته باشد تا برای تضمین آن مالی وثیقه داده شود.
- نکته ۵۹۷:** باید اشاره شود که در حقوق ما وثیقه دادن برای دین آینده ممکن نیست و حداقل باید سبب دین ایجاد شده باشد.
- نکته ۵۹۸:** شرط لازم در رهن مدیون بودن راهن به مرتهن است.

نکته ۵۹۹: اگر شخصی غیر از مدیون، مالش را برای تضمین دین مدیون نزد مرتهن به رهن بگذارد، به این نوع رهن می‌گوییم رهن مستعار.

نکته ۶۰۰: مال مرهون باید به قبض مرتهن یا به تصرف کسی که مرتهن مشخص کرده داده شود.

نکته ۶۰۱: همانطور که گفتیم قبض، شرط صحت در عقد رهن می‌باشد اما استمرار قبض، ملاک نمی‌باشد و عدم استمرار قبض خللی به عقد وارد نمی‌کند.

نکته ۶۰۲: قبض عرفی مال کفایت و استیلائی معنوی مرتهن بر توقیف و فروش مال مرهون در دید عرف برای صحت عقد کافی است حتی اگر قبض مادی انجام نشده باشد.

نکته ۶۰۳: قبض زمانی اثر دارد که با اذن راهن باشد و اگر پیش از رهن نیز وثیقه در اختیار مرتهن بوده باشد، صرف ایجاب و قبول دلالت بر اذن در ادامه‌ی تصرف خواهد داشت.

نکته ۶۰۴: رهن دین و منفعت باطل است زیرا قابلیت قبض ندارد.

نکته ۶۰۵: اموال غیر مادی را نمی‌توان به رهن گذاشت مانند حق اختراع، تألیف، سرقفلی و مطالبات و... اما اسنادی که دارای ارزش اعتباری و قابل داد و ستد هستند را می‌توان به رهن گذاشت زیرا در حکم عین معین هستند مانند اسکناس، اسناد در وجه حامل، سهام بی نام و...

نکته ۶۰۶: توکیل برای فروش مال مرهون، می‌تواند در ضمن عقد رهن یا به موجب عقد علی‌حده برقرار شود.

نکته ۶۰۷: اگر شرط شده باشد که مرتهن حق فروش عین مرهونه را ندارد، شرط باطل و عقد صحیح است.

نکته ۶۰۸: اگر شرطی فروش عین مرهونه را مقید به بهای معین یا اذن شخص ثالث نماید نافذ است.

نکته ۶۰۹: پرداخت بخشی از دین، باعث ایجاد حق برای آزاد کردن بخشی از رهن نمی‌باشد مگر ترتیب دیگری شرط شده باشد.

نکته ۶۱۰: اگر مرتهن راهن را از بخشی از دین ابراء کند، این اقدام وثیقه را آزاد نمی‌کند و تمام آن در رهن باقی می‌ماند.

نکته ۶۱۱: هرگاه چند مال وثیقه یک طلب باشند، مرتهن می‌تواند در صورتیکه قیمت مال کافی باشد تمام طلب خود را از هر کدام بخواهد وصول کند.

نکته ۶۱۲: تبدیل مال مورد رهن، فقط به تراضی طرفین امکان دارد.

نکته ۶۱۳: ثمره یا زیادتى حاصل در رهن اگر متصل باشد، جزو رهن و اگر منفصل باشد متعلق به راهن است مگر ضمن عقد بین طرفین ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

نکته ۶۱۴: مسؤولیت و امانت مرتهن، مسؤولیت قراردادی است و ید مرتهن، امانی است و فقط در صورت تعدی و تفریط (تقصیر) مسؤول تلف یا نقص مال مورد رهن است.

نکته ۶۱۵: در صورت تلف عین مرهونه توسط راهن یا شخص دیگر، اگر تلف کننده بدل بدهد، بدل مزبور قهراً در رهن قرار می‌گیرد و نیازی به ایجاب و قبول دوباره نمی‌باشد.

نکته ۶۱۶: وکالتی که مرتهن جهت فروش عین مرهونه می‌دهد، بعد از تلف عین شامل بدل عین مرهونه نمی‌شود.

نکته ۶۱۷: راهن نمی‌تواند در رهن تصرفات حقوقی کند که بالفعل یا بالقوه منافی حق مرتهن باشد. در این صورت این تصرفات غیر نافذ هستند و منوط به تنفیذ مرتهن می‌باشند.

نکته ۶۱۸: رهن مزاد یعنی رهن دادن مکرر از سوی راهن که منافی با حق مرتهن نیست زیرا او همواره مقدم است اما نباید به مرتهن دوم به ویژه در مورد اموال منقول مال را تسلیم نمود زیرا تصرف، منافی حق مرتهن می‌باشد.

- نکته ۶۱۹:** ماده ۷۹۵ در تعریف هبه آورده است: به موجب عقدهبه یک نفر مالی را مجاناً به شخص دیگری تملیک می‌کند. تملیک کننده واهب، طرف دیگر را متهب و مالی را که مورد هبه است عین موهوبه گویند.
- نکته ۶۲۰:** هبه دین و منفعت هم امکانپذیر است و هبه اختصاص به عین ندارد.
- نکته ۶۲۱:** هبه عقدی است جایز، غیراذنی، مجانی، مسامحه ای تملیکی و عینی (قبض شرط صحت عقد هبه می‌باشد).
- نکته ۶۲۲:** در هبه به محجور (صغیر، مجنون و سفیه) قبض با ولی است.
- نکته ۶۲۳:** اگر قبض پیش از هبه باشد، نیاز به قبض جدید نیست واهب اذن را به طور ضمنی به متهب داده است.
- نکته ۶۲۴:** هرگاه مال غیرمنقول (در منقول راه ندارد) قابل تقسیم (حتماً باید قابلیت تقسیم داشته باشند) بین دو نفر مشترک باشد (دو نفر نه بیشتر) و یکی از دو شریک حصه‌ی خود را به قصدبیع (فقط قصد بیع) به شخص ثالثی منتقل کند، شریک دیگر حق دارد قیمتی را که مشتری داده است به او بدهد و حصه‌ی مبیعه را تملک کند. صاحب این حق را شفیع و حق مزبور را حق شفعه گویند.
- نکته ۶۲۵:** اخذ به شفعه عمل حقوقی است زیرا ارادی می‌باشد و باتملک سهم فروخته شده در برابر تسلیم ثمن انجام می‌شود و ماهیت حقوقی آن ایقاع است.
- نکته ۶۲۶:** شرط محدودبودن شریکان (دو نفر باشند) مربوط به مرحله‌ی ایجادحق است نه اجرای آن. بنابراین پس از آنکه شریک فوت شود و وراثت متعدد باشند، بازهم شفعه باقی است و به ورثه منتقل می‌شود.
- نکته ۶۲۷:** اقاله‌ی بیع پس از اخذبه شفعه، در حق شفیع اثر ندارد زیرا پس از اجرای حق و تملک مبیع، شریک و خریدار نمی‌توانند به تراضی حقی را که به دارایی شفیع پیوسته است از او بگیرند.
- نکته ۶۲۸:** حق شفعه، فوری است. مقصود از فوریت مفهوم عرفی آن است و ازمزمانی آغاز می‌شود که شفیع از وقوع معامله آگاه شده باشد.
- نکته ۶۲۹:** تبعض در اجرای حق شفعه ممنوع است. در واقع تملک مبیع در مقابل دادن ثمن به خریدار است. پس به حکم قاعده، شفیع باید بی‌درنگ ثمن را پس از آگاهی بپردازد و در این اقدام تبعض روا نیست.
- نکته ۶۳۰:** اگر حصه‌ی یکی از دو شریک وقف باشد، متولی یا موقوف علیهم حق شفعه ندارند.
- نکته ۶۳۱:** بیع باید تمام ارکان صحت معامله را داشته باشد تا حق شفعه ایجاد گردد. در بیع فاسد، حق شفعه راه ندارد.
- نکته ۶۳۲:** چون در بیع خیار مالکیت از حین عقدبیع بوجود می‌آید نه از تاریخ انقضای خیار، پس خیار بودن بیع مانع ایجادحق شفعه نمی‌باشد.
- نکته ۶۳۳:** هر معامله ای که قبل از اخذبه شفعه یا بعد از آن انجام شود، باطل است. یعنی اعمال حق شفعه باعث می‌شود تا معاملات خریدار در برابر شریک قابل استناد نباشد.
- نکته ۶۳۴:** رد پیشنهاد فروش سهم از سمت شریک دیگر، به منزله‌ی اسقاط ضمنی حق شفعه نیست مگر از قرائن و اوضاع و احوال بتوان اینگونه استدلال کرد.

بخش ششم

نکات مهم اصول فقه

مفهوم و منطوق

- نکته ۱۳۴:** منطوق و مفهوم از مباحث پایه‌ای مربوط به بحث الفاظ می‌باشد.
- نکته ۱۳۵:** منطوق: معنایی که به صورت مستقیم از جمله برداشت می‌شود و موضوع آن در جمله ذکر شده است.
- نکته ۱۳۶:** مفهوم: معنایی که به صورت غیرمستقیم از جمله برداشت می‌شود و موضوع آن در جمله ذکر نشده است.
- نکته ۱۳۷:** مثالی حقوقی برای منطوق: ماده ۶۱۱ قانون مدنی: ودیعه عقدی است جایز.
- نکته ۱۳۸:** مثال حقوقی برای مفهوم: ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی: هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری نمود (پس اگر زنی خالی از موانع نکاح نباشد نمی‌توان خواستگاری نمود).
- نکته ۱۳۹:** هر کلامی منطوق دارد ولی می‌تواند مفهوم داشته باشد و می‌تواند مفهوم نداشته باشد.
- نکته ۱۴۰:** اقسام دلالت لفظ بر معنا:
- الف. دلالت مطابقی: دلالت لفظ بر کل معنا مثل دلالت خانه بر اجزای خانه به تمامه.
- ب. دلالت تضمینی: دلالت لفظ بر جزء معنای دلالت کتاب بر صفحه ۱ الی آخر کتاب.
- ج. دلالت التزامی: دلالت لفظ بر خارج معنا مثل دلالت میزبر نیمکت کلاس درس.
- نکته ۱۴۱:** منطوق خود بر دو قسم است:
- الف. منطوق صریح: دلالت مطابقی و تضمینی
- ب. منطوق غیر صریح: دلالت التزامی
- نکته ۱۴۲:** دلالت التزامی خود بر سه قسم است:
- دالالت اقتضاء: صحت جمله مستلزم در تقدیر گرفتن کلامی است مانند ماده‌ی ۹۵۴ قانون مدنی که کلمه‌ی جنون در تقدیر است.
- دالالت تنبیه و ایما: دلالتی است که در آن قید مذکور در کلام علت حکم است مانند ماده‌ی ۱۴۳ قانون مدنی که در آن قصد تملک علت حکم است.
- دالالت اشاره: دلالتی است که در آن از کلام حکم جدیدی استخراج می‌شود که معمولاً مقصود گوینده نیست ولی نتیجه‌ی کلامش همان حکم جدید است. مواد ۸۲۱ و ۸۰۸ قانون مدنی که از آنها حکم جدیدی خارج می‌شود.
- نکته ۱۴۳:** اقسام مفهوم: ۱: موافق ۲: مخالف.
- نکته ۱۴۴:** مفهوم موافق: مفهومی است که با منطوق موافق است.
- نکته ۱۴۵:** مفهوم موافق خود بر دو قسم است: ۱: مساوی ۲: اولویت.
- نکته ۱۴۶:** مفهوم موافق مساوی (قیاس مساوات): مفهومی که از نظر شدت و ضعف با منطوق مساوی است.
- نکته ۱۴۷:** مفهوم موافق اولویت (قیاس اولویت): مفهومی که از نظر علت در مفهوم قویتر از منطوق است.

نکته ۱۴۸: مثال برای مفهوم موافق مساوی: شرب شراب حرام است پس سایر نوشیدنی های مسکر نیز حرام هستند.

نکته ۱۴۹: مثال برای مفهوم موافق اولویت: به پدر و مادر نباید اُف گفت پس به طریق اولی نمی توان آنها را با ضربه ای آزد.

نکته ۱۵۰: انواع مفهوم مخالف: الف. شرط ب. وصف ج. غایت د. حصر ن. لقب و. عدد.

نکته ۱۵۱: مفهوم مخالف شرط: جمله شرطیه از دو منظر قابل بررسی است:

۱: یک منظر آن است که جمله شرطیه برای بیان موضوع حکم باشد یعنی مَقْدَم همان خود موضوع حکم باشد و این در جایی است که حکم در تالی، منوط به شرط در مقدم است مثل اگر خداوند به تو فرزند پسری داد او را ختنه کن. پس اگر فرض اعطای پسر موجود نباشد حکم نیز غافل است. پس اینجا مفهوم مخالفی وجود ندارد.

۲: منظر دیگر از جمله‌ی شرطیه همان ترکیب اصلی جمله شرطیه است یعنی جمله‌ی شرط و جزا و ادات شرط مثل اگر قهرمان شوی مدال طلا می گیری. این جمله شرطیه مفهوم مخالف دارد.

نکته ۱۵۲: مفهوم مخالف وصف: مقصود از وصف معنایی اعم از نعت و غیرنعت است و شامل حال و تمییز و امثال آنها از اموری که می توانند قید موضوع تکلیف باشند می شود.

نکته ۱۵۳: مفهوم مخالف وصف خود بر دو نوع است: ۱: احترازی ۲: توضیحی

نکته ۱۵۴: مفهوم مخالف وصف از منظر احترازی مفهوم دارد ولی توضیحی مفهوم ندارد.

نکته ۱۵۵: مثال قید احترازی: نکاح معلق باطل است. این یعنی نکاح غیرمعلق، باطل نیست.

نکته ۱۵۶: ولی در کنکور بیشتر مفهوم وصف را در جایی به کار می برند که مفهوم وصف، حجت نیست یعنی قید توضیحی است.

نکته ۱۵۷: مفهوم مخالف غایت: غایت لفظی از انتهای حکم را با توجه به مصادیق آن مشخص می کند.

نکته ۱۵۸: از نظر برخی اصولیون، غایت داخل در مغیا است و از نظر برخی دیگر غایت داخل در مغیا نیست.

نکته ۱۵۹: مغیا: منطوقی است که غایت دارد.

نکته ۱۶۰: از نظر کنکوری اینکه غایت داخل در مغیا است بستگی به قراین و اوضاع و احوال دارد ولی چنانچه شرایط فوق الذکر موجود نبود حکم نسبت به غایت مجمل است و راه برای اجرای اصول عملیه فراهم می باشد.

نکته ۱۶۱: مفهوم مخالف حصر: مفهومی است که انحصار در مصداق، حکم را برای آن مصادیق قطعی و حجت می سازد و دارای ادات حصر مثل فقط، تنها و امثالهم می باشد مثل ماده ۵۸ قانون مدنی.

نکته ۱۶۲: از نظر اصولیون و در کنکور مفهوم حصر حجت است یابه عبارتی مفهوم حصر، مفهوم مخالف دارد.

نکته ۱۶۳: مفهوم مخالف لقب: مقصود از لقب هر اسمی است که موضوع حکم قرارگیرد مثل لفظ سارق یا زانیه.

- نکته ۱۶۴:** از نظر اصولیون و کنکوری لقب مفهوم مخالف ندارد یا به عبارتی مفهوم لقب، حجت نیست.
- نکته ۱۶۵:** مفهوم مخالف عدد: انتفاء حکم به یک عدد خاص را مفهوم مخالف عدد می‌گویند.
- نکته ۱۶۶:** از نظر اصولیون عدد مفهوم ندارد مگر درجایی که قرینه وجود داشته باشد. مثال برای اینکه عدد مفهوم دارد ماده ۸۰۸ قانون مدنی و مثال برای جایی که عدد مفهوم ندارد ماده ۸۵۷ قانون مدنی خواهد بود.

عام و خاص

- نکته ۱۶۷:** عام و خاص از مباحث مهم اصولی هستند.
- نکته ۱۶۸:** عام: لفظی است که معنای آن شامل همه‌ی مصادیقی که حکم عام در آن تثبیت شده، می‌شود.
- نکته ۱۶۹:** خاص: لفظی است که معنای آن شامل بعضی مصادیقی است که حکم عام در آن تثبیت شده است.
- نکته ۱۷۰:** معمولاً ادات عام شامل مواردی از جمله همه، هر، هیچ، کل، جمیع و مصادیقی از این دست می‌شود مانند ماده‌ی ۲۰ قانون مدنی.
- نکته ۱۷۱:** مثال حقوقی برای خاص، ماده‌ی ۲۰۰ قانون مدنی می‌باشد.
- نکته ۱۷۲:** مخصص: دلیلی که پاره‌ای از افراد عام را از حکم خارج می‌سازد.
- نکته ۱۷۳:** مثال حقوقی برای مخصص، ماده‌ی ۴ قانون مدنی است.
- نکته ۱۷۴:** تخصیص: اخراج بعضی از شمول حکم عام است.
- نکته ۱۷۵:** تخصص: خود لفظ از ابتدا امر شامل فردی که مشمول حکم نیست نشود.
- نکته ۱۷۶:** اقسام عام: ۱: عام افرادی یا استغراقی ۲: عام مجموعی ۳: عام بدلی
- نکته ۱۷۷:** عام افرادی یا استغراقی: حکمی که به عام تعلق می‌گیرد شامل تک تک افراد بشود و در نتیجه هر فرد به تنهایی موضوع حکم باشد و هر حکم که متعلق به فردی از موضوع است عصیان خاص خود را داشته باشد.
- نکته ۱۷۸:** مثال حقوقی عام افرادی یا استغراقی، اصل ۴۱ قانون اساسی است.
- نکته ۱۷۹:** عام مجموعی: بدین معناست که حکم برای مجموع با همان اصول مجموعی ثابت باشد و در نتیجه خود مجموع به عنوان موضوع واحدی تلقی می‌شود.
- نکته ۱۸۰:** مثال حقوقی عام مجموعی: ماده ۱۰۲۴ قانون مدنی است.
- نکته ۱۸۱:** عام بدلی: بدین معناست که حکم برای یکی از افراد به صورت علی‌البدل ثابت باشد. پس به گونه‌ای است که منظور یک فرد غیر معین از همه‌ی افراد عام است.
- نکته ۱۸۲:** مثال حقوقی عام بدلی: ماده ۳۱۷ قانون مدنی است.
- نکته ۱۸۳:** اقسام مخصص: ۱: متصل ۲: منفصل
- نکته ۱۸۴:** انواع مخصص متصل: ۱: صفت ۲: شرط ۳: استثنای متصل ۴: بدل بعض از کل ۵: غایت

- نکته ۱۸۵:** مخصص متصل: جزیی از جمله عام است و خود مستقل نیست.
- نکته ۱۸۶:** مخصص متصل صفت: مقتضی صفتی در بیان مخصص است مانند ماده‌ی ۹۵۴ قانون مدنی.
- نکته ۱۸۷:** مخصص متصل شرط: شرط موجب جدایی مخصص در کلام است مانند ماده‌ی ۹۲۹ قانون مدنی.
- نکته ۱۸۸:** مخصص متصل (استثنای متصل): ماده‌ی ۱۲۸۷ قانون مدنی.
- نکته ۱۸۹:** مخصص متصل (بدل بعض از کل).
- نکته ۱۹۰:** مخصص متصل غایت: ماده‌ی ۸۷۱ قانون مدنی.
- نکته ۱۹۱:** مخصص منفصل، مخصصی است که در کلام موجود نبوده بلکه در کلامی مستقل موجود باشد.
- نکته ۱۹۲:** مخصص منفصل لفظی: لفظی که عام را تخصیص می زند.
- نکته ۱۹۳:** مخصص منفصل لبی یا عقلی: با ادراک عقلی، عام تخصیص می خورد.
- نکته ۱۹۴:** برخی معتقدند مخصص منفصل لبی یا عقلی خود بر سه قسم است:
- ۱: قرائن و اوضاع و احوال ۲: اجماع ۳: عقل
- نکته ۱۹۵:** اجمال مخصص: با توجه به قاعده‌ی اصالة العموم که پیش تر توضیح داده شده، اصل بر عمومیت لفظ است و خاص بودن نیازمند شرایط فوق است و چنانچه صراحت کافی در مخصص باشد عام را از عمومیت می اندازد ولی چنانچه مخصص واضح و روشن نباشد، مخصص مجمل است و برخی معتقدند که اجمال به عام سرایت می کند و اصالة العموم باید نادیده گرفته شود و برخی دیگر نیز معتقدند عموم همچنان برقرار است که البته نظر بهتر آن است که اجمال به عام سرایت می کند.
- نکته ۱۹۶:** اجمال مخصص دو گونه است: ۱: اجمال مفهومی ۲: اجمال مصداقی.
- نکته ۱۹۷:** اجمال مفهومی: اجمالی است که در مفهوم شفافیت وجود ندارد و معنی مخصص روشن نیست. مثال لفظ تهرانی: متولد تهران، مقیم تهران، فامیلی تهرانی.
- نکته ۱۹۸:** اجمال مصداقی: اجمالی است که مفهوم را می دانیم اما در مصداق آن مفهوم شک و شبهه است. مثال: حکم شراب را می دانیم که حرام است اما در مصداق آن آیا این لیوان دارای محتوای شراب است یا خیر شک داریم.
- نکته ۱۹۹:** مثال حقوقی لفظ مجمل در ماده‌ی ۲۰۱ قانون مدنی است.
- نکته ۲۰۰:** اجمال مفهومی دو گونه است: ۱: تردید در میان دو معنای مختلف و متباین است. ۲: تردید در میان دو معنای اقل و اکثر است.
- نکته ۲۰۱:** آیا اجمال مخصص به عام هم سرایت می کند؟ باید در هر مورد قائل به تفکیک شد (به شرح ذیل):
- اجمال مخصص از حیث مفهوم در چهار وضع قابل بررسی است:
- الف. مخصص متصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان دو امر متباین: اجمال به عام سرایت می کند.

مثال برای مخصص متصل در جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان دو امر متباین: به همه دانشجویان حقوق وام داده می‌شود مگر دانشجویان تهرانی.

ب. مخصص متصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان اقل و اکثر: اجمال به عام سرایت می‌کند.

مثال برای مخصص متصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان اقل و اکثر: همه‌ی دانشجویان حقوق می‌توانند قاضی شوند مگر فاسق.

ج. مخصص منفصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان دو امر متباین: اجمال به عام سرایت می‌کند.

مثال برای مخصص منفصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان دو امر متباین: کلیه دانشجویان حقوق وام می‌گیرند. به دانشجویان تهرانی وام داده نمی‌شود.

د. مخصص منفصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان اقل و اکثر: اجمال به عام سرایت نمی‌کند.

مثال برای مخصص منفصل از جهت مفهوم به واسطه‌ی تردید میان اقل و اکثر: تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۱ قانون مالک و مستأجر: هرگاه در زمینی گل کاری یا نهال کاری شود آیا می‌توان آن را زمین مزروعی دانست یا نه؟

نکته ۲۰۲: اجمال مخصص از حیث مصداق نیز بر دو قسم است:

الف. مخصص متصل اجمال مصداقی: اجمال به عام سرایت می‌کند.

مثال برای مخصص متصل اجمال مصداقی: ماده‌ی ۴ قانون مجازات اسلامی سابق بیان می‌داشت: هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می‌شود. حال اگر تردید ایجاد شود که مقدار عملی که به جا آورده شده جرم است یا خیر؟ در این حالت با توجه به اجمال مخصص که به عام سرایت پیدا می‌کند مجرای اجرای حکم محل تردید است.

ب. مخصص منفصل اجمال مصداقی: اجمال مخصص به عام سرایت پیدا می‌کند.

مثال مخصص منفصل اجمال مصداقی: ماده‌ی ۵ قانون مدنی مقرر می‌دارد: کلیه سکنه‌ی ایران اعم از اتباع داخله و خارجه مطیع قانون ایران خواهند بود. ماده‌ی ۷ قانون مدنی مقرر می‌دارد: اتباع خارجه مقیم در خاک ایران از حیث مسائل مربوط به اموال شخصی و مطیع قوانین و مقررات دولت متبوع خود خواهند بود. اگر شک شود که جهیزیه و مهریه زن مورد بحث قرار گیرد که آیا جزء احوال شخصیه است یا خیر؟ می‌تواند مثال این اجمال باشد.

نکته ۲۰۳: آیا عمل به عام قبل از فحص و جستجو از مخصص جایز است؟ با توجه به قاعده ما من آلا و قد

خُصَّ باید میان مخصص منفصل و متصل تفاوت قائل شد:

الف. در مورد مخصص منفصل به دلیل وجود علم اجمالی نمی‌توان به اصاله العموم استناد نمود و باید به فحص و جستجو پرداخت.

ب. در مورد مخصص متصل به دلیل اینکه احتمال وجود مخصص ضعیف است، این احتمال ضعیف نمی‌تواند با اصالة العموم معارضه کند و نیازی به فحص و جستجو نیست.

نکته ۲۰۴: اگر در انتهای چند جمله یک مخصص قرارگیرد این سوال فرض می شود که آیا مخصص فقط مربوط به آخرین جمله است یا به تمام جملات باز می گردد؟ به این سوال چندگونه پاسخ داده شده است ولی از منظر کنکوری چنانچه موضوع در تمام جملات به صورت اسم باشد اعم از اینکه اسامی یکی باشد یا متفاوت، مخصص فقط به آخری برخورد می کند اما چنانچه موضوع در جمله اول اسم باشد در جملات بعدی ضمیر باشد در این فرض مخصص به همه می خورد.

نکته ۲۰۵: آیا مفهوم خاص می تواند منطوق عام را تخصیص بزند؟ بله، به شرطی که خاص مفهوم داشته باشد چه مفهوم موافق و چه مفهوم مخالف.

نکته ۲۰۶: دوران امر بین تخصیص و نسخ: گاهی اوقات این شبهه پیش می آید که آیا جمله‌ی دوم ناسخ جمله اول است یا مخصص آن. این فرض در این وادی قابل طرح است.

نکته ۲۰۷: نسخ در اصول فقه به معنای برداشتن حکمی شرعی با دلیل شرعی دیگر که بعد از آن بیان شده باشد، است.

نسخ دو گونه است: ۱: نسخ جزئی ۲: نسخ کلی

الف. نسخ جزئی: فقط بخشی از عام را نسخ می کند.

ب. نسخ کلی: تمامی عام را نسخ می کند.

نکته ۲۰۸: نسخ جلوگیری از امتداد زمانی قانون است اما تخصیص محدود کردن حکم قانون عام نسبت به برخی از افراد آن می باشد.

نکته ۲۰۹: فروض مختلف در دوران بین نسخ و تخصیص:

۱: تاریخ عام و خاص معلوم است.

الف. تاریخ عام و خاص هم زمانند: خاص، مخصص عام است.

ب. عام اول و خاص بعدی: اگر خاص قبل از عمل به عام آمده باشد، مخصص است ولی اگر بعد از عمل به عام آمده باشد، ناسخ است.

ج. خاص اول و عام بعدی: مشهور اصولیون معتقدند که خاص مقدم عام مؤخر را تخصیص می زند.

۲: تاریخ یکی معین و دیگری مجهول است:

الف. تاریخ عام معلوم و خاص مجهول: طبق اصل تأخر حادث، خاص تخصیص دهنده عام می شود.

ب. تاریخ خاص معلوم و عام مجهول: طبق اصل تأخر حادث، عام مؤخر، خاص فرض شده و اصل بر تخصیص است.

۳: تاریخ هر دو (عام و خاص) مجهول است: مطابق نظر اکثر اصولیون که در کنکور نیز مطرح است، خاص، عام را تخصیص می زند.

- نکته ۲۱۰:** در تمامی حالات فوق، اصل بر تخصیص است و فقط در جایی که خاص بعد از عام است و به عام عمل شده باشد در اینجا نسخ است.
- نکته ۲۱۱:** دلیل اینکه تخصیص نسبت به نسخ اولویت دارد آن است که با اجرای تخصیص مطابق قاعده (الجمع مهما ممکن اولی من الطرح) عمل نموده ایم.

مطلق و مقید

- نکته ۲۱۲:** مطلق و مقید از مباحث مهم اصول لفظیه می‌باشد.
- نکته ۲۱۳:** مطلق: آن لفظی است که بر معنای شایع در جنس خود دلالت کند.
- نکته ۲۱۴:** المطلق: ما دل علی شایع فی جنسه.
- نکته ۲۱۵:** مقید: آن لفظی است که در جنس خود از شمول و فراگیری خارج شده باشد.
- نکته ۲۱۶:** المقید: ما اخرج من شایع.
- نکته ۲۱۷:** تفاوت‌های میان مطلق و عام:
- الف. دلالت عام بر عموم ناشی از وضع است ولی دلالت مطلق بر اطلاق، ناشی از اموری به نام مقدمات حکمت است.
- ب. در عام تأکید به روی افراد است ولی در مطلق تأکید بر روی عوارض و حالات است.
- ج. وقتی عام تخصیص می‌خورد از عموم می‌افتد ولی مطلق باز هم علیرغم قید خوردن، مطلق می‌ماند.
- د. عموم عام بیشتر استغراقی است ولی مطلق بیشتر بدلی است.
- نکته ۲۱۸:** نسبت بین عام و مطلق، از نوع عموم و خصوص من وجه است.
- نکته ۲۱۹:** معنای اصاله الاطلاق آن است که اصل اطلاق است و تقیید نیازمند دلیل است.
- نکته ۲۲۰:** دلیل حجیت اصاله الاطلاق: بنای عقلاء، عدم رد شارع و ظهور لفظی است.
- نکته ۲۲۱:** طلاق و تقیید، متلازم هستند.
- نکته ۲۲۲:** اطلاق و تقیید نسبی هستند.
- نکته ۲۲۳:** تقابل مطلق و مقید، از نوع ملکه و عدم ملکه است.
- نکته ۲۲۴:** مقدمات حکمت: شرایطی است که موجب ایجاد لفظ مطلق می‌گردد و به شرح زیر است:
- الف. امکان اطلاق و تقیید: لفظی مطلق است که بتواند قیدی را بگیرد.
- ب. نبودن قرینه مبنی بر قید: برای اینکه لفظی مطلق باشد نباید قرینه مبنی بر قید داشته باشد.
- ج. در مقام بیان بودن متکلم: اگر متکلم در مقام بیان نباشد، لفظ مطلق نیست.
- د. نبودن قدر متیقن در مقام مخاطب: وجود قدر متیقن در حکم وجود قرینه لفظ بر تقیید می‌باشد.

ن. نبودن انصراف: انصراف ذهن از لفظ به برخی از مصادیق لفظ یا برخی از اصناف آن مانع از تمسک به اطلاق می شود.

نکته ۲۲۵: منظور از نبودن انصراف به عنوان مقدمات حکمت، انصراف به جهت کثرت استعمال است.

نکته ۲۲۶: هرگاه میان مطلق و مقید، تناقض وجود داشته باشد باید مطلق را بر مقید حمل کرد.

نکته ۲۲۷: مبین: کلامی که مجمل نباشد یا اجمال آن برطرف شده باشد.

نکته ۲۲۸: مجمل: کلامی است که معنای آن معین نبوده و مردّد میان دو یا چند احتمال باشد.

نکته ۲۲۹: مبین در مقابل مجمل است.

نکته ۲۳۰: مبین دو گونه است:

الف. مبینی که از ابتدا مبین بوده است (نص و ظاهر).

ب. مبینی که از ابتدا مبین نبوده و اجمالش برطرف شده است.

نکته ۲۳۱: تکلیف به مجمل درست نیست.

نکته ۲۳۲: تأخیر بیان از وقت خطاب، جایز است اما تأخیر بیان از وقت حاجت، جایز نیست.

نکته ۲۳۳: در اصطلاح اصولی نص و ظاهر را محکم می گویند.

نکته ۲۳۴: اجمال در قوانین موضوعه می بایست برای اجرا رفع گردد و مادهی ۳ قانون آ.د.مدنی مبین این مطلب است.

ادله استنباط احکام اسلامی

نکته ۲۳۵: به عقیدهی اصولیون و فقهای شیعه ادلهی استنباط احکام اسلامی چهار مورد است:

الف. قرآن

ب. سنت

ج. اجماع

د. عقل

نکته ۲۳۶: ادلهی استنباط احکام اسلامی همانگونه که از نامش پیداست موجب تفهیم مبانی پایه ای اصولی فقهی است.

نکته ۲۳۷: قرآن مهمترین دلیل احکام از نظر اصولیون است.

نکته ۲۳۸: در علم اصول به قرآن، کتاب نیز گفته می شود.

نکته ۲۳۹: قرآن قطعی الصدور است و به حدتواتر رسیده است.

نکته ۲۴۰: قرآن ظنی الدلاله است یعنی تمام آیات قرآن روشن نیست.

- نکته ۲۴۱:** تخصیص و تقييد قرآن به وسيله‌ی خبر متواتر و آیات ديگر، اجماع، خبر واحد و دليل عقلي می باشد.
- نکته ۲۴۲:** قياس موجب تخصیص و تقييد قرآن نیست.
- نکته ۲۴۳:** از نظر کنکوری آیات قرآن بعضاً ناسخ یکدیگر هستند.
- نکته ۲۴۴:** نسخ قانون باید قطعی باشد.
- نکته ۲۴۵:** دليل ظنی نمی تواند ناسخ قرآن باشد.
- نکته ۲۴۶:** سنت: قول یا فعل یا تقرير معصوم (ع) می باشد.
- نکته ۲۴۷:** مهمترین دليل حجیت سنت، قرآن است.
- نکته ۲۴۸:** سنت برای انسانهای عصر حاضر نقل شده است و اصطلاحاً به نقل سنت، خبر می گویند.
- نکته ۲۴۹:** خبر دو قسم است: ۱: خبرمتواتر ۲: خبرواحد.
- نکته ۲۵۰:** خبرمتواتر: خبری است که به دليل تعدد ناقلین و رواات آن به حدی گسترده است که احتمال خلاف آن نمی رود.
- نکته ۲۵۱:** خبر متواتر به سه شکل است: ۱: متواترلفظی ۲: متواترمعنوی ۳: متواتراجمالی.
- نکته ۲۵۲:** متواترلفظی: خبری است که الفاظ آن بدون هیچ تغییر و اختلافی به اسناد متعدد که مفید قطع و یقین باشد به معصوم برسد.
- نکته ۲۵۳:** متواترمعنوی: خبری که با الفاظ متفاوت به نحو متواتر نقل شده ولی همه‌ی آنها مفید یک معنا باشند.
- نکته ۲۵۴:** متواتراجمالی: خبری که از دلالت التزامی مجموع اخبار و حکایات مختلف راجع به یک موضوع، نتیجه گیری می شود.
- نکته ۲۵۵:** خبرواحد: خبری است که متواتر نبوده و تعداد روااتش به حد تواتر نرسد. خبر واحد موجب حصول علم نمی شود چرا که یک دليل ظنی است.
- نکته ۲۵۶:** خبر واحد دو گونه است: (۱) مستفیض (۲) غیرمستفیض.
- نکته ۲۵۷:** خبرمستفیض: خبری است که مفید قطع نیست و سلسله روااتش از سه نفر بیشتر است.
- نکته ۲۵۸:** خبرغیرمستفیض: خبری است که مفید قطع نیست و سلسله روااتش از سه نفر کمتر است.
- نکته ۲۵۹:** مهمترین دليل حجیت ظن خبرواحد، آیات قرآن است.
- نکته ۲۶۰:** دومین دليل حجیت ظن خبرواحد، اجماع است.
- نکته ۲۶۱:** سومین دليل حجیت ظن خبرواحد، بنای عقلاء است.
- نکته ۲۶۲:** خبرمتواتر، مفید قطع است و حجت است و خبر واحد، مفید ظن است.
- نکته ۲۶۳:** شرایط راویان خبر: ۱. بلوغ ۲. عقل ۳. اسلام ۴. ایمان ۵. توثیق ۶. عدالت ۷. ضبط
- نکته ۲۶۴:** شروط تحمل و ضبط هم در هنگام تحمل و هم در هنگام ادا لازم است.

- نکته ۲۶۵:** اقسام خبر واحد بر حسب شرایط راوی: ۱. صحیح ۲. حسن ۳. موثق یا قوی ۴. ضعیف
- نکته ۲۶۶:** خبر صحیح: خبری است که روایت آن تمامی شرایط را دارا هستند و توثیق هم شده اند.
- نکته ۲۶۷:** خبر حسن: خبری است که روایت آن شیعی دوازده امامی هستند ولی بعضی از آنها توثیق شده اند.
- نکته ۲۶۸:** خبر موثق یا قوی: خبری است که بعضی از روایات آن شیعی دوازده امامی نیستند ولی توثیق نشده اند.
- نکته ۲۶۹:** خبر ضعیف: خبری است که تمامی روایات یا بعضی از آنها تمام یا قسمتی از شرایط را ندارند. خبر ضعیف حجت نیست مگر اینکه مشهور باشد که به آن مقبول می گویند.
- نکته ۲۷۰:** به ترتیب خبر صحیح و بعد خبر حسن و پس از آن خبر موثق به ترتیب حجت هستند.
- نکته ۲۷۱:** خبرهای دروغ را خبرهای موضوعه یا مجهول گویند.
- نکته ۲۷۲:** راههای حصول وثوق به روایت جهت تقویت آن:
- الف. وثوق به راوی
- ب. موافق بودن روایت با عمل مشهور
- ج. مضمون روایت نشانگر آن باشد که از جانب امام (ع) رسیده است.
- د. روایات فراوان دیگری مضمون روایت مورد بحث را تأیید کنند.
- نکته ۲۷۳:** اقسام شهرت: ۱. شهرت روایی ۲. شهرت فتوایی ۳. شهرت عملی
- نکته ۲۷۴:** شهرت روایی: روایت خاص که توسط مشایخ حدیث و مشاهیر اهل حدیث نقل شده است.
- نکته ۲۷۵:** هرگاه چند روایت متعارض وجود داشته باشد روایتی که کثرت نقل داشته باشد موجب ترجیح است.
- نکته ۲۷۶:** شهرت فتوایی: هرگاه بیشتر فقها در یک فرع فقهی اتفاق نظر داشته باشند و مستند رأی آنها معلوم نباشد.
- نکته ۲۷۷:** شهرت مدرکی: هرگاه مستند رأی فقها معلوم باشد شهرت مدرکی خواهد بود و اعتبار آن از قوت خود مدرک نشأت خواهد گرفت.
- نکته ۲۷۸:** شهرت عملی: عمل بیشتر فقها به روایتی خاص اگرچه آن روایت غیر مشهور بوده و یا سند آن ضعیف باشد از این رو عمل فقها موجب تقویت روایت می گردد حجیت دارد اما حجیت آن مستقل نیست بلکه به واسطه حجیت آن روایت خاص است.
- نکته ۲۷۹:** اجماع، قسم دیگر ادله استنباط اسلامی است.
- نکته ۲۸۰:** تعریف اجماع از نظر شیعه و سنی، رابطه اش عموم و خصوص مطلق است.
- نکته ۲۸۱:** اجماع از نظر شیعه، عام است و از نظر اهل سنت، خاص است.
- نکته ۲۸۲:** اجماع از نظر شیعه دو مورد است: ۱. اتفاق همه ۲. اتفاق اکثر.

فصل دوم

گزیده قوانین و مقررات مهم

بخش اول

گزیده مواد مهم قانون مجازات اسلامی

فصل دهم - مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان

ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز أخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور دربند(الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده(۱۱۷۳)قانون مدنی

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا أخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای(ت) و(ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجراء است. اعمال مقررات بند(ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای(ت) و(ب) محکوم می‌شود و در غیراین صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای(الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای(الف) و(ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارشهای مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹- درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجراء می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون ریال تا چهل میلیون ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها **تعزیر درجه پنج** است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها **تعزیر درجه شش** است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها **تعزیر درجه هفت و هشت** است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین می کند یا به نگهداری در کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای **سه ماه تا پنج سال** حکم دهد.

ماده ۹۰- دادگاه می تواند با توجه به گزارشهای رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدیدنظر کند و مدت نگهداری را **تا یک سوم** تقلیل دهد یا نگهداری را به **تسلیم** طفل یا نوجوان **به ولی یا سرپرست** قانونی او **تبدیل** نماید. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدیدنظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان **حداقل یک پنجم از مدت** نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آنها نیست.

ماده ۹۱- در جرائم موجب **حد یا قصاص** هرگاه افراد بالغ **کمتر از هجده سال**، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را **درک نکنند** و یا در رشد و کمال عقل آنان **شبهه** وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازاتهای پیش بینی شده در این فصل محکوم می شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

ماده ۹۲- در جرائمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می کند.

ماده ۹۳- دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازاتها را **تا نصف حداقل** تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.

ماده ۹۴- دادگاه می تواند در مورد **تمام جرائم تعزیری** ارتكابی توسط نوجوانان، صدور حکم را به تعویق اندازد یا اجرای مجازات را معلق کند.

ماده ۹۵- محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان فاقد آثار کیفری است.

بخش دوم

گزیده مواد مهم قانون آیین دادرسی کیفری

ماده ۹۰- تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقدامات قانونی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

ماده ۹۲- تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع دهد، قرارهای نهائی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این باره اظهار نظر کند. تبصره- در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه و عدم دسترسی به بازپرس دیگر در آن دادسرا، در جرایم موضوع ماده (۳۰۲) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را فقط تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام می‌دهد.

ماده ۹۶- انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه‌ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است:

الف- متهمان به ارتکاب جرایم عمدی موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دستیابی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می‌شود.

ب- متهمان دستگیر شده که به ارتکاب چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان، منتشر می‌شود.

ماده ۹۷- بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده، شاهد، مطلع، اعلام کننده جرم یا خانواده آنان و همچنین خانواده متهم در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورها و ارائه گزارش به بازپرس هستند.

ماده ۹۸- بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب)، (پ) و (ت) ماده (۳۰۲) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع دهد که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

ماده ۹۹- هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که با جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را طبق قانون برای حفظ آثار و علائم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد و همزمان مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

تبصره- چنانچه جرم کشف شده از جرایمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد.

ماده ۱۰۰- شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کند و در تحقیقات حضور یابد، صورتجلسه تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با ضرورت کشف حقیقت منافات ندارد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد.

تبصره ۱- در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را منافی با ضرورت کشف حقیقت بداند، با ذکر دلیل، قرار رد درخواست را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ می‌شود و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

تبصره ۲- ارائه اسناد و مدارک طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی به شاکی ممنوع است.

تبصره ۳- شاکی باید از انتشار مطالب و مدارکی که انتشار آن‌ها به موجب شرع یا قانون ممنوع است امتناع کند، مگر در مقام احقاق حق خود در مراجع صالح.

ماده ۱۰۲- انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت ممنوع است و پرسش از هیچ فردی در این خصوص مجاز نیست، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شود و یا دارای شاکی باشد که در این صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط قاضی دادگاه انجام می‌شود.

تبصره ۱- در جرم زنا و لواط و سایر جرایم منافی عفت هرگاه شاکی وجود نداشته باشد و متهم بدوا قصد اقرار داشته باشد، قاضی وی را توصیه به پوشاندن جرم و عدم اقرار می‌کند.

تبصره ۲- قاضی مکلف است عواقب شهادت فاقد شرایط قانونی را به شاهدان تذکر دهد.

تبصره ۳- در جرایم مذکور در این ماده اگر بزه‌دیده محجور باشد، ولی یا سرپرست قانونی او حق طرح شکایت دارد. در مورد بزه‌دیده بالغی که سن او زیر هجده سال است، ولی یا سرپرست قانونی او نیز حق طرح شکایت دارد.

ماده ۱۰۴- بازپرس نمی‌تواند به عذر آن‌که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. در جرایم تعزیری درجه چهار، پنج، شش، هفت و هشت، هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معلوم نشود و دو سال تمام از وقوع جرم بگذرد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می‌شود. شاکی می‌تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را به دادستان اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، به دستور دادستان موضوع مجدداً تعقیب می‌شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به‌طور مستقیم در دادگاه مطرح شود، دادگاه رأساً، مطابق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

ماده ۱۰۶- بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده‌هایی که متهمان آنها بازداشت می‌باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به طور کتبی به دادستان اعلام کند.

تبصره- تخلف از این ماده و مواد (۹۵)، (۱۰۲)، (۱۰۴) و تبصره (۱) ماده (۱۰۲) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۱۰۷- شاکی می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می‌کند.

بخش سوم

گزیده مواد مهم قانون آیین دادرسی مدنی

ماده ۷۹ - هرگاه یکی از طرفین دعوا محلی را که اوراق اولیه در آن محل ابلاغ شده یا محلی را که برای ابلاغ اوراق انتخاب کرده تغییر دهد و همچنین در صورتی که نشانی معین در دادخواست اشتباه باشد **باید فوری** محل جدید و مشخصات صحیح را به دفتر دادگاه اطلاع دهد. تا وقتی که به این ترتیب عمل نشده است، اوراق در همان محل سابق ابلاغ می‌شود (سابقه ابلاغ).

ماده ۸۰ - هیچ‌یک از اصحاب دعوا و وکلای دادگستری نمی‌توانند **مسافرت‌های موقتی** خود را تغییر محل اقامت حساب کرده، ابلاغ اوراق دعوی مربوط به خود را در محل نامبرده درخواست کنند. اعلام مربوط به تغییر محل اقامت وقتی پذیرفته می‌شود که محل اقامت برابر ماده (۱۰۰۴) قانون مدنی به طور واقعی تغییر یافته باشد. چنانچه بر دادگاه معلوم شود که اعلام تغییر محل اقامت برخلاف واقع بوده است اوراق به همان محل اولیه ابلاغ خواهد شد.

ماده ۸۱ - **تاریخ و وقت جلسه** به خواهان نیز برابر مقررات این قانون ابلاغ می‌گردد.
تبصره - تاریخ امتناع خوانده از گرفتن اوراق یادشده در ماده (۶۷) و ندادن رسید به شرح مندرج در ماده (۶۸)، تاریخ ابلاغ محسوب خواهد شد.

ایرادات و موانع رسیدگی

ماده ۸۴ - در موارد زیر **خوانده** می‌تواند ضمن پاسخ نسبت به ماهیت دعوا **ایراد** کند:

- ۱- دادگاه صلاحیت نداشته باشد.
- ۲- دعوا بین همان اشخاص در همان دادگاه یا دادگاه هم عرض دیگری قبلاً اقامه شده و تحت رسیدگی باشد و یا اگر همان دعوا نیست دعوایی باشد که با ادعای خواهان ارتباط کامل دارد.
- ۳- خواهان به جهتی از جهات قانونی از قبیل صغر، عدم رشد، جنون یا ممنوعیت از تصرف در اموال در نتیجه حکم ورشکستگی، اهلیت قانونی برای اقامه دعوا نداشته باشد.
- ۴- ادعا متوجه شخص خوانده نباشد.
- ۵- کسی که به عنوان نمایندگی اقامه دعوا کرده از قبیل وکالت یا ولایت یا قیمومت و سمت او محرز نباشد.
- ۶- دعوی طرح شده سابقاً بین **همان اشخاص** یا اشخاصی که اصحاب دعوا قائم مقام آنان هستند، رسیدگی شده نسبت به آن **حکم قطعی** صادر شده باشد.
- ۷- دعوا بر فرض ثبوت، اثر قانونی نداشته باشد از قبیل وقف و هبه بدون قبض.
- ۸- مورد دعوا مشروع نباشد.
- ۹- دعوا جزمی نبوده بلکه ظنی یا احتمالی باشد.
- ۱۰- خواهان در دعوی مطروحه ذی‌نفع نباشد.
- ۱۱- دعوا خارج از موعد قانونی اقامه شده باشد.

ماده ۸۵ - **خواهان** حق دارد نسبت به کسی که به عنوان وکالت یا ولایت یا قیمومت یا وصایت پاسخ دعوا را داده است در صورتی که سمت او محرز نباشد، اعتراض نماید.

ماده ۸۶ - در صورتی که خوانده اهلیت نداشته باشد می‌تواند از پاسخ در ماهیت دعوا امتناع کند.

ماده ۸۷ - ایرادات و اعتراضات باید **تا پایان اولین جلسه دادرسی** به عمل آید مگر این که سبب ایراد متعاقباً حادث شود.

ماده ۸۸ - دادگاه **قبل از ورود** در ماهیت دعوا، نسبت به ایرادات و اعتراضات وارده اتخاذ تصمیم می‌نماید. در صورت مردود شناختن ایراد، وارد ماهیت دعوا شده رسیدگی خواهد نمود.

ماده ۸۹ - در مورد بند (۱) ماده (۸۴) هر گاه دادگاه ، خود را صالح نداند مبادرت به صدور قرار عدم صلاحیت می نماید و طبق ماده (۲۷) عمل می کند و در مورد بند (۲) ماده (۸۴) هر گاه دعوا در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد ، از رسیدگی به دعوا خودداری کرده پرونده را به دادگاهی که دعوا در آن مطرح است می فرستد و در سایر موارد یاد شده در ماده (۸۴) قرار رد دعوا صادر می نماید .

ماده ۹۰ - هرگاه ایرادات تا پایان جلسه اول دادرسی اعلام نشده باشد دادگاه مکلف نیست جدا از ماهیت دعوا نسبت به آن رأی دهد.
جلسه دادرسی

ماده ۹۳ - اصحاب دعوا می توانند در جلسه دادرسی حضور یافته یا لایحه ارسال نمایند.

ماده ۹۴ - هر یک از اصحاب دعوا می توانند به جای خود وکیل به دادگاه معرفی نمایند ولی در مواردی که دادرس حضور شخص خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند این موضوع در برگ اخطاریه قید می شود. در این صورت شخصاً مکلف به حضور خواهند بود.

ماده ۹۵ - عدم حضور هر یک از اصحاب دعوا و یا وکیل آنان در جلسه دادرسی مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست. در موردی که دادگاه به اخذ توضیح از خواهان نیاز داشته باشد و نامبرده در جلسه تعیین شده حاضر نشود و با اخذ توضیح از خوانده هم دادگاه نتواند رأی بدهد، همچنین در صورتی که با دعوت قبلی هیچ یک از اصحاب دعوا حاضر نشوند، و دادگاه نتواند در ماهیت دعوا بدون اخذ توضیح رأی صادر کند دادخواست ابطال خواهد شد.

ماده ۹۶ - خواهان باید اصل اسنادی که رونوشت آنها را ضمیمه دادخواست کرده است در جلسه دادرسی حاضر نماید.
خوانده نیز باید اصل و رونوشت اسنادی را که می خواهد به آنها استناد نماید در جلسه دادرسی حاضر نماید. رونوشت اسناد خوانده باید به تعداد خواهانها به علاوه یک نسخه باشد. یک نسخه از رونوشت های یاد شده در پرونده بایگانی و نسخه دیگر به طرف تسلیم می شود.

در مورد این ماده هرگاه یکی از اصحاب دعوا نخواهد یا نتواند در دادگاه حاضر شود، چنانچه خواهان است باید اصل اسناد خود را، و اگر خوانده است اصل و رونوشت اسناد را به وکیل یا نماینده خود برای ارایه در دادگاه و ملاحظه طرف بفرستد و الا در صورتی که آن سند عادی باشد و مورد تردید و انکار واقع شود، اگر خوانده باشد از عداد دلایل او خارج می شود و اگر خواهان باشد و دادخواست وی مستند به ادله دیگری نباشد در آن خصوص ابطال می گردد.

در صورتی که خوانده به واسطه کمی مدت یا دلایل دیگر نتواند اسناد خود را حاضر کند حق دارد تأخیر جلسه را درخواست نماید، چنانچه دادگاه درخواست او را مقرون به صحت دانست با تعیین جلسه خارج از نوبت ، نسبت به موضوع رسیدگی می نماید.

ماده ۹۷ - در صورتی که خوانده تا پایان جلسه اول دادرسی دلایلی اقامه کند که دفاع از آن برای خواهان جز با ارایه اسناد جدید مقدور نباشد در صورت تقاضای خواهان و تشخیص موجه بودن آن از سوی دادگاه ، مهلت مناسب داده خواهد شد.

ماده ۹۸ - خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوای طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.

ماده ۹۹ - دادگاه می تواند جلسه دادرسی را به درخواست و رضایت اصحاب دعوا فقط برای یک بار به تأخیر بیندازد.

بخش چهارم

گزیده مواد مهم حقوق تجارت

ماده ۱۱۸- شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تأدیه و سهام‌الشرکه غیرنقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.

ماده ۱۱۹- در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهام‌الشرکه بین شرکاء تقسیم می‌شود مگر آنکه شرکت نامه غیر از این ترتیب را مقرر داشته باشد.

ماده ۱۲۲- در شرکتهای تضامنی اگر سهام‌الشرکه یک یا چند نفر غیرنقدی باشد باید سهام‌الشرکه مزبور قبلاً بتراضی تمام شرکاء تقویم شود.

ماده ۱۲۳- در شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء.

ماده ۱۲۴- مادام که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت می‌تواند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند، در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تأدیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکت نامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد.

ماده ۱۲۶- هرگاه شرکت تضامنی منحل شود مادام که قروض شرکت از دارایی آن تأدیه نشده هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن دارایی نخواهد داشت. اگر دارایی شرکت برای پرداخت قروض آن کفایت نکند طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت.

ماده ۱۲۷- به ورشکستگی شرکت تضامنی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

ماده ۱۲۸- ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.

ماده ۱۲۹- طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهیمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهیمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند.

طلبکاران شخصی شرکاء در صورتی که نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تأدیه طلب آنها نباشد می‌توانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیرمحدود تشکیل شده باشد) مشروط بر این که لااقل شش ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهارنامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشد. در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادام که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تأدیه طلب داینین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان بطریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند.

ماده ۱۳۰- نه مدیون شرکت می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک می‌تواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتری استناد نماید. معذالک کسی که طلبکار شرکت و مدیون یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.

ماده ۱۳۱- در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و همچنین در صورتی که یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء به موجب ماده ۱۲۹ انحلال شرکت را تقاضا کرد سایر شرکاء می‌توانند سهم آن شریک را از دارایی شرکت نقداً تأدیه کرده و او را از شرکت خارج کنند.

ماده ۱۳۵- هر شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد در این صورت رعایت تمام مقررات راجعه به شرکت سهامی حتمی است.

ماده ۱۳۶- شرکت تضامنی در موارد ذیل منحل می‌شود:

الف) در مورد فقرات ۱ - ۲ - ۳ ماده ۹۳

ب) در صورت تراضی تمام شرکا .

ج) در صورتی که یکی از شرکا به دلائلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلائل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد.

د) در صورت فسخ یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۷

ه) در صورت ورشکستگی یکی از شرکا مطابق ماده ۱۳۸

و) در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکا مطابق مواد ۱۳۹ و ۱۴۰

تبصره - در مورد بند (ج) هر گاه دلائل انحلال منحصرًا مربوط به شریک یا شرکا معینی باشد محکمه می‌تواند به تقاضای سایر شرکا به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

ماده ۱۳۷- فسخ شرکت در صورتی ممکن است که در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد- تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می‌آید.

ماده ۱۳۸- در مورد ورشکستگی یکی از شرکاء انحلال وقتی صورت می‌گیرد که مدیر تصفیه کتباً تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

ماده ۱۳۹- در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف بر رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود. اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یک ماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتباً اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهمیم نخواهد بود. سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعلام رضایت است.

ماده ۱۴۰- در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلول ماده فوق عمل خواهد شد.

شرکت مختلط غیرسهامی

ماده ۱۴۱- شرکت مختلط غیرسهامی شرکتی است که برای امور تجارتي در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل می‌شود شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد. در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.

ماده ۱۴۲- روابط بین شرکا با رعایت مقررات ذیل تابع شرکتنامه خواهد بود.

بخش پنجم

گزیده مواد مهم حقوق مدنی

ماده ۲۵۵ - هرگاه کسی نسبت به مالی معامله به عنوان فضولی نماید و بعد معلوم شود که آن مال ملک معامله کننده بوده است یا ملک کسی بوده است که معامله کننده می توانسته است از قبل او ولایتاً یا وکالتاً معامله نماید در این صورت نفوذ و صحت معامله موکول به اجازه معامل است والا معامله باطل خواهد بود.

ماده ۲۵۷ - اگر عین مالی که موضوع معامله فضولی بوده است قبل از اینکه مالک معامله فضولی را اجازه یا رد کند مورد معامله دیگر نیز واقع شود مالک می تواند هر یک از معاملات را که بخواهد اجازه کند در این صورت هر یک را اجازه کرد ، معاملات بعد از آن نافذ و سابق بر آن باطل خواهد بود .

ماده ۲۵۸ - نسبت به منافع مالی که مورد معامله فضولی بوده است و همچنین نسبت به منافع حاصله از عوض آن اجازه یا رد از روز عقد موثر خواهد بود .

ماده ۲۵۹ - هرگاه معامل فضولی مالی را که موضوع معامله بوده است به تصرف متعامل داده باشد و مالک آن معامله را اجازه نکند متصرف ضامن عین و منافع است .

ماده ۲۶۰ - در صورتی که معامل فضولی عوض مالی را که موضوع معامله بوده است گرفته و در نزد خود داشته باشد و مالک با اجازه معامله قبض عوض را نیز اجازه کند دیگر حق رجوع بطرف دیگر نخواهد داشت.

ماده ۲۶۱ - در صورتی که مبیع فضولی به تصرف مشتری داده شود هرگاه مالک معامله را اجازه نکرد مشتری نسبت به اصل مال و منافع مدتی که در تصرف او بوده ضامن است اگر چه منافع را استیفا نکرده باشد و همچنین است نسبت به هر عیبی که در مدت تصرف مشتری حادث شده باشد .

ماده ۲۶۲ - در مورد ماده قبل مشتری حق دارد برای استرداد ثمن عینا یا مثلاً یا قیمتا به بایع فضولی رجوع کند

ماده ۲۶۳ - هرگاه مالک معامله را اجازه نکند و مشتری هم بر فضولی بودن آن جاهل باشد حق دارد که برای ثمن و کلیه غرامات به بایع فضولی رجوع کند و در صورت عالم بودن فقط حق رجوع برای ثمن را خواهد داشت.

فصل ششم - در سقوط تعهدات

مبحث اول - در وفای به عهد

ماده ۲۶۵ - هرکس مالی به دیگری بدهد ظاهر در عدم تبرع است بنابراین اگر کسی چیزی به دیگری بدهد بدون اینکه مقروض آن چیز باشد می تواند استرداد کند.

ماده ۲۶۶ - در مورد تعهداتی که برای متعهدله قانوناً حق مطالبه نمی باشد اگر متعهد به میل خود آن را ایفا نماید دعوی استرداد او مسموع نخواهد بود.

ماده ۲۶۸ - انجام فعلی در صورتی که مباشرت شخص متعهد شرط شده باشد به وسیله دیگری ممکن نیست مگر با رضایت متعهدله.

ماده ۲۶۹ - وفای به عهد وقتی محقق می شود که متعهد چیزی را که می دهد مالک و یا ماذون از طرف شخصاً هم اهلیت داشته باشد.

ماده ۲۷۳ - اگر صاحب حق از قبول آن امتناع کند متعهد به وسیله تصرف دادن آن به حاکم یا قائم مقام او بری می شود و از تاریخ این اقدام مسؤول خساراتی که ممکن است به موضوع حق وارد آید نخواهد بود.

ماده ۲۷۴ - اگر متعهدله اهلیت قبض نداشته باشد تادیه در وجه او معتبر نخواهد بود .

ماده ۲۷۵ - متعهدله را نمی توان مجبور نمود که چیز دیگری به غیر آنچه که موضوع تعهد است قبول نماید اگر چه آن شیء قیمتاً معادل یا بیشتر از موضوع تعهد باشد.

ماده ۲۷۷ - متعهد نمی تواند متعهدله را مجبور به قبول قسمتی از موضوع تعهد نماید ولی حاکم می تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.

ماده ۲۷۸ - اگر موضوع تعهد عین معینی باشد تسلیم آن به صاحبش در وضعیتی که حین تسلیم دارد موجب براءت متعهد می شود اگر چه کسر و نقصان داشته باشد مشروط بر اینکه کسر و نقصان از تعدی یا تفریط متعهد ناشی نشده باشد مگر در مواردی که در این قانون تصریح شده است ولی اگر متعهد با انقضای اجل و مطالبه، تأخیر در تسلیم نموده باشد مسوول هر کسر و نقصان خواهد بود اگر چه کسر و نقصان مربوط به تقصیر شخص متعهد نباشد.

ماده ۲۷۹ - اگر موضوع تعهد عین شخصی نبوده و کلی باشد متعهد مجبور نیست که از فرداعلای آن ایفا کند لیکن از فردی هم که عرفاً معیوب محسوب است نمی تواند بدهد.

ماده ۲۸۰ - انجام تعهد باید در محلی که عقد واقع شده به عمل آید مگر اینکه بین متعاملین قرارداد مخصوصی باشد یا عرف و عادت ترتیب دیگری اقتضا نماید.

ماده ۲۸۲ - اگر کسی به یک نفر دیون متعدده داشته باشد تشخیص اینکه تادیه از بابت کدام دین است با مدیون می باشد.

مبحث دوم - در اقاله

ماده ۲۸۳ - بعد از معامله طرفین می توانند به تراضی آن را اقاله و تفاسخ کنند.

ماده ۲۸۵ - موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از مورد آن.

ماده ۲۸۶ - تلف یکی از عوضین مانع اقاله نیست در این صورت به جای آن چیزی که تلف شده است مثل آن در صورت مثلی بودن و قیمت آن در صورت قیمی بودن داده می شود.

ماده ۲۸۷ - نمات و منافع منفصله که از زمان عقد تا زمان اقاله در مورد معامله حادث می شود مال کسی است که به واسطه عقد مالک شده است ولی نمات متصله مال کسی است که در نتیجه اقاله مالک می شود.

ماده ۲۸۸ - اگر مالک بعد از عقد در مورد معامله تصرفاتی کند که موجب ازدیاد قیمت آن شود در حین اقاله به مقدار قیمتی که به سبب عمل او زیاد شده است مستحق خواهد بود.

مبحث سوم - در ابراء

ماده ۲۸۹ - ابراء عبارت از این است که داین از حق خود به اختیار صرف نظر نماید.

ماده ۲۹۰ - ابراء وقتی موجب سقوط تعهد می شود که متعهدله برای ابراء اهلیت داشته باشد.

ماده ۲۹۱ - ابراء ذمه میت از دین صحیح است.

مبحث چهارم - در تبدیل تعهد

ماده ۲۹۲ - تبدیل تعهد در موارد ذیل حاصل می شود:

۱ - وقتی که متعهد و متعهدله به تبدیل تعهد اصلی به تعهد جدیدی که قائم مقام آن می شود به سببی از اسباب تراضی نمایند در این صورت متعهد نسبت به تعهد اصلی بری می شود.

۲ - وقتی که شخص ثالثی با رضایت متعهدله قبول کند که دین متعهد را ادا نماید.

۳ - وقتی که متعهدله مافی الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید.